

توان یاب

سال بیستم شماره ۷۶-۷۵
(بهار و تابستان ۱۳۹۹)

۲	سرمقاله
۳	گزارشی از فعالیت‌های دوران مقابله با کرونا پروفسور حسن عشایری، عصب شناس؛
۷	کارکرد هنر، آشنایی انسان با خودش است دکتر فاطمه فخری؛
۱۰	یاری‌دهنده مددجویانی که در حوزه هنر فعالیت می‌کنند، هستیم مهندس منصور برجیان؛
۱۴	هنر به افرادی که معلولیت دارند، هویت و شخصیت می‌بخشد دکتر خلف بیگی، کاردرمانگر؛
۱۷	کاربرد هنر در توان‌بخشی، بسیار متنوع است یک روز در کارگاه موسیقی درمانی؛
۲۰	گزارشی از کارگاه موسیقی درمانی در دانشکده توان‌بخشی ایران همکاران این شماره:
۲۲	هنر معلولیتی، علل و عوامل پیشرفت و پسرفت پریسا رضوی نسب، بازیگر تئاتر؛
۳۲	شرکت در تمرین واجرا، در روحیه من بسیار تاثیرگذار است هاتف شرار، موسیقیدان و خواننده؛
۳۴	هنر، برای من همه چیز است در گفت‌وگو با کارگردان مستند «آنها»
۳۷	با صدای بی صدا در گفت‌وگو با مدرس کلاس موسیقی؛
۴۰	هنر درمان نمی‌کند، شفا می‌دهد!
۴۴	چگونه؟
۴۸	سیینما؟ در گفت‌وگو با مدیر عامل موسسه آرتا فرین؛
۵۰	هنر، نیازی است که احتیاج به هیچ دلیل و برهانی ندارد
۵۴	نقش نویسندگی در توان‌بخشی
۵۶	جهان بینی یا جهان بینی
۵۸	نقش هنر در توان‌بخشی و توانمندسازی افراد دارای معلولیت
۶۰	مشاهیر دارای معلولیت
۶۱	معرفی کتاب
۶۲	سلامت
۶۴	در رعد چه خبر؟



صاحب امتیاز:
مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد
مدیر مسئول:
دکتر قاسم صالح‌خو
سر دبیر:
دکتر مریم رسولیان
شورای سیاست‌گذاری:
صدیقه اکبری، عبدا. توسلی،
دکتر محمد کمالی، دکتر مجید
میرخانی، دکتر نرگس شفاوردی،
دکتر مجتبی کامیاب، لیلا انگوتی،
محمد رضا دشتی، منصوره پناهی
دبیر تحریریه:
هاله باستانی
مدیر اجرایی:
رضا سخن‌سنج
همکاران این شماره:
سهیلا علیخانی، افسانه عسگری،
نازنین رحیم‌زاده
گرافیک: پرویز مقدم
طراح جلد: یاسمن روشنی تبریزی
صفحه‌آرایی: سمانه فطرس
عکاس: نگین موسوی پورمهرام
ویراستار انگلیسی: مهراوه عمرانی
مترجم انگلیسی: علی مجتهدزاده

نشانی دفتر نشریه: شهرک غرب
فاز ۲، خیابان هرمان، خیابان پیروزان
جنوبی، پلاک ۷۴
کد پستی: ۱۴۶۶۶ صندوق پستی:
۱۴۴-۱۴۶۶۵
شماره تماس: ۸۸۰۸۲۲۶۶
۸۸۰۷۶۳۲۶
info@raad-charity.org
www.raad-charity.org

توان یاب از دریافت مقالات و دیدگاه‌های صاحب نظران استقبال می‌کند. مقالات ترجمه شده همراه با کپی اصل مقاله ارسال شود. مقالات ارسالی پس فرستاده نمی‌شود. توان یاب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است
توضیح: نشریه توان یاب به علت مشکلاتی که در شروع اپیدمی بیماری کرونا با آن روبرو شد نتوانست طبق روال قبلی منتشر شود و شماره بهار و تابستان در یک شماره به چاپ می‌رسد.

هنر، برتر از گوهر آمد پدید!

هنر بیان احساس و عاطفه‌ی هنرمند و برداشت او از زندگی و جهان هستی در قالب یک اثر هنری است و تفاوت این برداشت با نگاه دیگران در این است که هنرمند از هر اتفاقی می‌تواند ایده بگیرد و آن را از منظر خود پرورش دهد.

افراد در اوقات فراغت کتاب می‌خوانند، فیلم می‌بینند، سینما می‌روند و هر کدام به نوعی سعی دارند از زندگی در حد امکان لذت ببرند، اما لذت اصلی برای هنرمند در خلق آثار هنری است. خلاقیت هنری می‌تواند در نقاشی کردن، در منبت کاری و سفال، در مجسمه‌سازی یا معرق، در خواندن آواز و نوشتن داستان و شعر و نوازندگی و ده‌ها کار هنری دیگر جلوه‌گر شود. هنر هنرمند، به جسم یا وجود او محدود نمی‌شود و از هر طریقی خود را به منصفه ظهور می‌رساند. فعالیت هنری در هر میزانی که باشد، روی همه ارگان‌های بدن انسان تاثیر گذاشته و زندگی روزمره او را ارتقا می‌بخشد و به قولی، هنر درمان نمی‌کند، شفا می‌دهد!

تاثیر هنر در افرادی که از نظر جسمی با محدودیت‌هایی مواجهند، علاوه بر نقش شفا بخشی برای خودشان، مخاطبین را هم از نتیجه خلاقیت‌شان بهره‌مند می‌کند.

فردی نابینا با تشخیص این‌که از نعمت داشتن صدای خوب برخوردار است، کیفیت صدایش را پرورش می‌دهد و با بهره‌گیری از آموزش موسیقی، در حدی پیشرفت می‌کند که از تصنیف‌هایش آلبوم تهیه شده و در بازار عرضه می‌گردد. هنرمندانی، فارغ از این‌که دست‌ها و پا‌های‌شان مشکل دارد، با آموزش موسیقی و تمرین و تمرین و تمرین، در سالن‌های بزرگ در مقابل انبوهی از تماشاگران ارکستر برگزار کرده‌اند و کاری ارایه داده‌اند که تعجب و تحسین مخاطبان را برانگیخته است.

آن‌ها در این تجربه، زیستن در کنار هم، با هم بودن، همراهی کردن و یک‌پارچه بودن را تمرین کرده‌اند. فعالیت هنری ابزاری برای آشنایی انسان با خود و تسهیل‌کننده زندگی اوست و حتی میزان اندک آن نیز در روح و جسم او تاثیرگذار است. هنر یک نیاز انسانی است، نقش آفرینندگی دارد و به حل مسائل او کمک می‌کند. هنر ابزاری برای تخلیه عواطف و احساسات است و وقتی ماهیت درمانی به‌خود می‌گیرد، می‌توان استفاده‌های جانبی زیادی از آن به دست آورد.

گاه فرد در اثر جوشش یک استعداد درونی، شاهکاری می‌آفریند که امکان تجربه‌ی مجدد آن، نه برای دیگران که حتی برای خود او نیز به‌وجود نمی‌آید. خلق اثر هنری، اثرات ماندگاری در زندگی هنرمند برجای می‌گذارد. و البته، لازم نیست که هر کسی حتما خودش دست در کار خلاقیت هنری داشته باشد تا از نعمات آن بهره‌مند گردد. همه مردم می‌توانند از فواید مشاهده و تجربه آثار هنری بهره‌مند شوند.

افراد دارای محدودیت جسمی که می‌خواهند در حوزه نمایش وارد شوند، انگیزه پیدا می‌کنند که از خانه بیرون بیایند، در جلسات تمرین شرکت کنند و با کسب اعتماد به نفس، روی صحنه بروند، چشم در چشم تماشاگران، نقش آفرینی کنند. هنر در توان بخشی افراد دارای محدودیت‌های جسمانی هم نقش ایفا می‌کند. یکی از مهم‌ترین تاثیرات هنری چون موسیقی، ایجاد اعتماد به نفس و امکان ابراز وجود در افراد است. خودشناسی و خودباوری، بزرگ‌ترین حاصل موسیقی است.

در تجربه‌های هنری ظرفیت‌های بسیار بالایی وجود دارد و هر کسی که درگیر آن‌ها شود، درهایی به رویش باز می‌شوند که حتی فکرش را هم قبل از آن نمی‌کرد. چنان‌که فردوسی بزرگ فرموده؛ هنر برتر از گوهر آمد پدید.


 شماره ثبت: ۹۹۱
 شماره پروانه: ۳۳۴/۹۸
 شماره ثبت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴
 شماره ثبت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴
 شماره ثبت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد
 نخستین NGO آموزشی مولان در ایران با نظیبه UNDP

جناب آقای دکتر محمد نصیری
 رئیس محترم سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر

باسلام و احترام بازگشت به نامه شماره ۹۸/۲۲/۷۵۶۹۸ به تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۱ ضمن تأیید شویابط شش‌گانه مطرح در نامه مذکور، خواهشمند است مقرر فرمائید نسبت به صدور مجوز جمع‌آوری کمک خیریه رعد در خصوص تعامل و مشارکت در کنترل ویروس کرونا اقدام شایسته به عمل آورند.

پیشاپیش از مساعدتی که می‌فرمائید سپاسگزار می‌شود.


 شماره ثبت: ۲۸۱۱
 شماره ثبت: ۲۸۱۱
 شماره ثبت: ۲۸۱۱

آشنی شهرک غرب- فاز ۲- خیابان میرزاخان پیمان جنوب پلاک ۲۲- تلفن: ۰۲۱-۸۸۲۳۶۶-۸۸- فکس: ۰۲۱-۸۸۲۳۶۶-۸۸
 No. 74 - Poozan St.Hozmozan Ave, Shahrak-e-Garb Tehran-9821188082296 Fax+982188082296
 WWW.RAAD-CHARITY.ORG

بیمارستان امام سجاد
 شبکه بهداشت و درمان تهران

سال نو بر نیکوکاران رعد مبارک
 با ابلاغ هلال احمر و موافقت کار گروه امدادسانی خیریه رعد، حمایت از بیمارستان امام سجاد شهریار به مجتمع رعد واگذار شد.

نیازهای این بیمارستان در بخش تجهیزات شامل: دستگاه دیالیز، دستگاه ونتیلاتور، دستگاه پالس اکسیمتر (اکسیژن سنخ خون) و مانیتور پرتابل است.

همچنین روزانه ۲۰۰ لباس سرهمی حفاظت، ۵۰ عدد گان، ۱۰۰۰ عدد ماسک ساده، ۲۰۰ عدد ماسک N95 و ۳۰ لیتر محلول ضد عفونی کننده دست و همین مقدار محلول ضد عفونی کننده سطوح نیاز دارند.

بقایا این وظیفه انسانی فقط با مشارکت عمومی مردم انجام شدنی است.

شماره حساب: ۸۱۵-۸۱-۲۸۱۱۱۱-۱ بانک سامان امداد جمع آوری کمک های عزیزان نیکوکار است.

کمپین حمایت از توان‌یابان مراکز
رعد
تکنیک کمک
 شبکه های ملی تخصصی سازمان های غیر دولتی کارگروه مهار کرونا

1000 سید معیشتی- بهداشتی برای خانواده افراد دارای معلولیت
بودجه طرح 250 میلیون تومان
 مشارکت مردم نیکوکار، مراکز مستقل رعد و موسسات سایر همکار

حساب کمک های مردمی
 شماره شبدا: IR 67-06-110A1-0-PA1111-1
 شماره حساب: 110A-11-PA1111-1
 شماره کارت: 6219-867-0000-2-1A4-0
 بانک سامان به نام مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد



در دو گروه اقلام مصرفی مانند؛ ماسک، دستکش، لباس حفاظت، مایع ضد عفونی دست و سطوح و ... از یک سو و تجهیزات درمانی از قبیل: دستگاه دیالیز اورژانسی، ونتیلاتور، پالس اکسیمتر (اکسیژن سنخ خون) و مانیتور علائم حیاتی، از سوی دیگر به رعد اعلام شد.

مجتمع رعد، ضمن مراجعه به نیکوکارانی که در این حوزه فعالیت و تجربه داشتند و از طریق مکاتبه با هیأت امنای موسسه، تمایل خود را برای تأمین وسایل مورد نیاز بیمارستان امام سجاد اعلام کرد.

نتیجه آن شد که یک دستگاه همدیالیز اورژانسی و ۸ دستگاه پالس اکسیمتر به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان و ارزش روز حدود ۲۵۰ میلیون تومان خریداری و به بیمارستان امام سجاد شهرستان شهریار اهدا شود. در ضمن خریداری اقلام مورد نیاز، رعد مصمم شد که با مکاتبه با تولیدکنندگان این اقلام و مؤسسات همکار، از آنها خواست کند که چنین اقلامی را به صورت هدایی تهیه و به بیمارستان تحویل دهند. از این پیشنهاد استقبال شد و اقلامی به شرح زیر تهیه و در اختیار بیمارستان سجاد قرار گرفت: ۲۱۰ لیتر مایع ضد عفونی کننده دست، ۱۰۰ لیتر ماده ضد عفونی کننده سطوح، ۲۰۰ ماسک فیلتردار N95، ۸۰۰ عدد ماسک چند لایه بهداشتی، ۵۰۰ عدد لباس حفاظت به مبلغ ۵۰ میلیون تومان و ارزش تقریبی ۱۳۰ میلیون تومان. این اقدامات، گوشه‌ای از فعالیت‌های این دوران مرکز رعد بود.

از آنجایی که حمایت از افراد دارای معلولیت مهم‌ترین رسالت مجتمع رعد است، ارتباط بیشتر با شبکه سمن‌ها جایگاه مناسبی برای تأمین این اهداف بود. رعد با تهیه و ارایه طرح استانی و ملی برای حمایت از توان‌یابان، طرح "حاتم" را برای تهیه و توزیع ۱۰۰۰ بسته معیشتی به ارزش هر بسته ۲۵۰ هزار تومان را پیشنهاد کرد که پس از موافقت، مراحل اجرائی آن از طریق همکاری با اتاق بازرگانی استان تهران و فروشگاه زنجیره‌ای افق کوروش پیگیری شد و به توزیع کارت خرید بین کارآموزان و توان‌یابان ۲۰ مرکز و مؤسسات همکار استان تهران و سایر استان‌ها منجر شد. در این طرح مجموعاً، ۱۰۳۰ خانواده افراد دارای معلولیت از طریق ۲۰ مرکز تهران و شهرستان‌ها شناسایی و به مجتمع رعد معرفی شدند که به هر یک از خانواده‌ها یک عدد کارت خرید مایحتاج عمومی به ارزش ۲۵۰ تومان تحویل داده شد.

در طرح "حاتم" مجموعاً مبلغ ۲۵۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان کالا تهیه شد و بین ۱۰۳۰ توان‌یاب و خانواده آنها توزیع گشت. مجتمع رعد نیز برای اجرای این طرح، مبلغ ۱۰۳ میلیون تومان هزینه پرداخت نمود.

خدمت‌رسانی به توان‌یابان رعد علاوه بر طرح "حاتم" از طریق واحد مددکاری به دفعات متعدد و در سرفصل‌های مختلف نیز به اجرا گذاشته شد که از آن جمله می‌توان به: توزیع سبد ارزاق نرورزی، توزیع بسته‌های بهداشتی، تهیه دارو، تأمین هزینه درمان، حمایت مالی از اشتغال کارجویان، حمایت مالی توان‌یابانی که به دلیل ابتلا به کرونا، عزیز از دست داده بودند، حمایت موردی از کار آموختگان مبتلا به کرونا و ... اشاره کرد. مجموع خدماتی که در حوزه مددکاری بین ۲۵۰ نفر کارآموزان و کارآموختگان رعد و ۵۰ نفر از



شماره ۷۶-۷۵- چهارم تابستان ۱۳۹۹



درس‌های کرونا

کرونا آمد تا بفهمیم نظافت چقدر خوب است. کرونا آمد تا بفهمیم در کنار عزیزان بودن چقدر لذت‌بخش است. کرونا به ما یادآوری کرد که در آغوش گرفتن عزیزان چه نعمتی است. با آمدن کرونا فهمیدیم که امنیت و آرامش و سلامتی بهترین نعمات خدا هستند که ما در هجوم روزمرگی‌های زندگی، آنها را فراموش کرده بودیم.

کرونا آمد تا بفهمیم می‌توانیم افراد بی‌ثمر و خنثی را از اطراف خود حذف کرده و برای رسیدن به آرامش، با افراد شاد، امیدوار، مثبت و مفید معاشرت کنیم. کرونا به ما آموخت که می‌توان مهربان‌تر بود و فداکاری کرد.

این ویروس چشم‌های ما را باز کرد تا کمک‌ها و فداکاری‌های نیکوکاران و پزشکان و پرستاران را ببینیم و قدردان آنان باشیم. کرونا انسان‌ها را قوی‌تر و صبورتر کرد و به یاری ما آمد تا بتوانیم خلاقیت‌های خود را کشف کنیم و به شناخت بهتری از خود و دیگران برسیم.

ما از کرونا آموختیم که می‌توان جور دیگری زندگی کرد. می‌توان با وجود غم‌های بسیار، شاد بود و دیگران را شاد کرد.

از همه اینها مهم‌تر اینکه کرونا یادمان آورد علم و قدرت خداوند بی‌انتهاست؛ اوست که می‌تواند به ویروسی کوچک که حتی با چشم غیر مسلح دیده نمی‌شود، فرمان دهد تا به مردم دنیا درس‌های بزرگ و باارزشی بدهد و معلم انسان‌ها شود.

در نهایت می‌توان گفت کسانی که توانایی درک این شرایط را داشتند، توانستند در این شرایط بحرانی تجربیات ارزنده‌ای کسب کنند. قطعاً آنان دیگر آن آدم‌های سابق نیستند و تولد دوباره یافتند.
خدایا شکر...

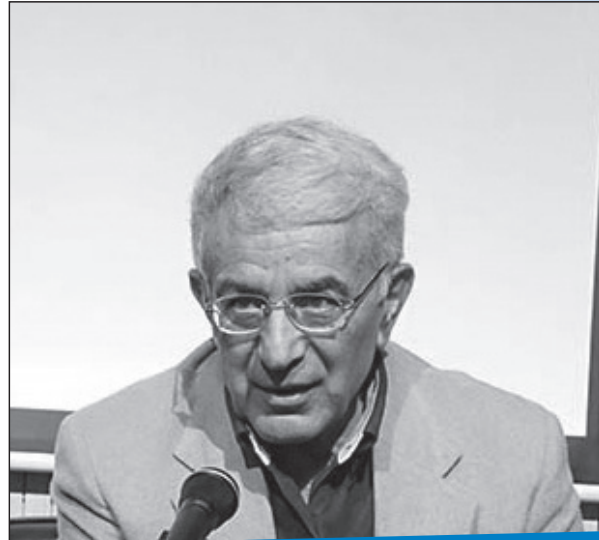
نازنین رحیم‌زاده



پروفسور حسن عشایری، عصب‌شناس و روان‌شناس عصبی و استاد دانشگاه علوم پزشکی ایران است. او بلافاصله پس از اتمام دوره متوسطه در تهران، راهی کشور آلمان شد و مدت ۲۰ سال در رشته نورولوژی (مغز و اعصاب) به تحصیل پرداخت و سرانجام از دانشگاه فرایبورگ دکترای مغز و اعصاب گرفت و همزمان موفق شد تخصص روانپزشکی نیز اخذ نماید.

وی سال‌های سال به پژوهش در خصوص عصب مشغول می‌باشد که نتایج آن را در مراکز توان‌بخشی و درمانی دنیا پیاده‌سازی می‌کنند و گفته می‌شود در سایه همین تحقیقات قابل تقدیر ایشان، بخش مهمی از مشکلات بیماران عصبی رمزگشایی و به مرحله درمان رسیده است.

دکتر عشایری در مراکز فرهنگی متعددی عضویت دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مؤسسه حمایت از حقوق کودکان، انجمن تلاشگران سلامت، انجمن دوستی ایران و آلمان، انجمن آسیب دیدگان اجتماعی، انجمن فرهنگی آریان‌پور، و انجمن کاربرد موسیقی در بهداشت جسم و روان اشاره کرد. با ایشان در خصوص نقش هنر در افراد دارای معلولیت به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.



پروفسور حسن عشایری، عصب‌شناس؛

کارکرد هنر، آشنایی انسان با خودش است

طراوشات هیجانی قوی نیست ولی در هنر هیجان وجود دارد. برای علم، سواد لازم است ولی برای هنر سواد لازم نیست. زبان موسیقی، بین‌المللی است. در جوامعی که خیلی عقب‌افتاده هستند و حتی لباس ندارند، ولی هنر وجود دارد. با یک نگاه عصب‌شناسی می‌گوییم که آنچه که به آن هنر می‌گوییم، چیزی است که عملکرد دارد و تأثیرات ملموسی از خود به جا می‌گذارد. ممکن است بعداً لوکس و فاخر شده‌باشد ولی در زندگی واقعی، کاربرد دارد. آن روغندانی که از قرن‌ها پیش وجود داشته و در موزه‌ها آن را می‌بینیم، به این دلیل مهم است که عملکرد واقعی در زندگی روزمره انسان داشته‌است. آن روغندان، ابزاری برای زندگی بهتر بوده‌است. کاربرد هنر،

سیستم هیجان‌ات، کارگردان صحنه است نه بازیگر آن و هنر پیامی به قسمت‌های هیجانی و عاطفی انسان، برای آشتی او با خودش می‌فرستد

در این مورد مقالات بسیاری هم به چاپ رسیده‌است. اول باید تکلیف این موضوع را روشن کنیم که هنر چه کاربردی دارد؟ هنر خلق می‌کند ولی در علم کشف صورت می‌گیرد. هنر کشف نمی‌کند ولی در فرای واقعیت و در کنار واقعیت، خلق می‌کند. در علم،

آقای دکتر، پرونده این شماره نشریه توان‌یاب در مورد هنر و معلولیت است. با توجه به این‌که جنابعالی به عنوان متخصص عصب‌شناسی، سال‌ها در این مورد پژوهش و فعالیت کرده‌اید، می‌خواستیم نظر شما را در مورد نقش هنر و موسیقی در توان‌بخشی بدانیم.

مساله هنر و تأثیراتش در انسان چه سالم و چه دارای معلولیت، همیشه از دغدغه‌های من در طول زندگی‌م بوده‌است. من یک انجمن به نام انجمن کاربرد موسیقی در بهداشت جسم و روان را تاسیس کردم. در دانشکده توان‌بخشی هم سال‌ها قبل، نقش فعالیت هنری در توان‌بخشی افراد دارای معلولیت، در قالب دو واحد درسی برای کاردرمان‌ها ارائه می‌شد.



ایجاد تسهیل در زندگی است، پس باید به محتوا و نقش آن توجه کنیم. یک هنر هست که کاربردش در زندگی روزمره به چشم می‌آید و مصرفش می‌کنیم و یک هنر هم هست که در موزه‌هاست و از دیدنش لذت می‌بریم. در قرن بیستم می‌گفتند که گالری تبعیدگاه هنر است ولی در قرن بیست و یک می‌گویند، هنر خود زندگی و معنای زندگی است. البته گالری هم در جای خود مهم است و باید باشد.

این هنر کاربردی برای افراد دارای معلولیت، چه جایگاهی دارد؟

هنری که به درد زندگی می‌خورد، برای زندگی افراد دارای معلولیت هم کاربرد دارد. نیچه می‌گوید اگر هنر نبود ما در واقعیت، غرق می‌شدیم. یعنی هنر را مساوی وجدان و جزئی از آگاهی و جزئی از شناخت عالم هستی و هم‌تراز با علم می‌داند. موسیقی، انتزاعی‌ترین هنر است که زندگی را تحمل پذیر می‌کند. موسیقی سیستم هیجان‌ها را صیقل می‌دهد. انسان کامپیوتر نیست. ربات با هنر ارتباطی ندارد، چون خلاقیت ندارد. ولی برای هنر، هیجان، خلاقیت و عاطفه لازم است که انسان از آن برخوردار است. هیجان‌ها، بخشی از سیستم تنوع بقاست که برای ادامه حیات لازم است. سیستم هیجان‌ها، کارگردان صحنه است نه بازیگر آن و هنر، پیامی به قسمت‌های هیجانی و عاطفی انسان برای آشتی او با خودش می‌فرستد. هنر به قول البرت کامو، شرابی نیست که در تنهایی خورده شود، چون رویکردی اجتماعی دارد. مغزی که فقط محاسبه می‌کند، با هنر کاری ندارد. هنر بازاری برای آشنایی انسان با خودش است و نیاز به مغز اجتماعی دارد. هنر نوعی تسهیل‌کننده است که حتی کمش هم خوب است. البته لازم نیست که هر کسی خودش هنرمند باشد ولی همه می‌توانند از فواید هنر بهره‌مند شوند. هنر آفرینش دارد و به حل مساله در زندگی کمک می‌کند. هنر یک نیاز انسانی است که البته در مواقعی بازاری هم شده است. انسان مدرنی که از خود بیگانه شده‌است، هنرش هم از خودبیگانه می‌شود. به قول فارابی، موسیقی نیازانگیز و نشاط انگیز و خیال‌انگیز است و در زندگی انسان، با هر شرایطی اثر گذار است.

فعالیت هنری
در هر میزانی که باشد، روی همه
ارگان‌های بدن انسان اثر می‌گذارد و
زندگی روزمره او را
ارتقا می‌بخشد

سال‌های قبل در مراکزی که افرادی با انواع معلولیت، از جسمی تا روحی و روانی وجود داشتند، آمدم آنها را در معرض موسیقی ریتم قرار دادیم و شاهد تغییر رفتار آنها در عرض سه ماه بودیم.

یعنی آنها فقط موسیقی را می‌شنیدند و خودشان فعالیت هنری نداشتند؟

بله. فقط می‌شنیدند و کمی هم ناخودآگاه حرکات موزون می‌کردند. موسیقی همیشه در حرکت، اثر می‌گذارد. در افراد ایزوله هم با تولید صدا، واکنش می‌بینیم. موسیقی، زمان را در مغز پردازش می‌کند. وقتی این افراد در معرض موسیقی قرار می‌گیرند، با قطع آن واکنش نشان می‌دهند. وقتی هم که دوباره موسیقی پخش می‌شود، توجه شنیداری آنها دیده می‌شود. چیزی که حدود هفت سال قبل کشف شده، سلول‌های آینه‌ای است. در پیشانی، مجموعه هسته‌هایی وجود دارند که دیدن، شنیدن و حرکت را بررسی می‌کنند. این سلول‌ها در میمون‌ها قوی‌تر هستند ولی در انسان این سلول‌ها برای یادگیری زبان و برای اجتماعی شدن کارکرد دارند. در اوتیسم‌ها این سلول‌ها کار نمی‌کنند. ما چند بیمار مبتلا به اوتیسم را با همین شرایط بررسی کردیم و دیدیم که با موسیقی نمی‌توان درمانشان کرد ولی کاهش علائم را می‌شود در آنها دید. در مورد الزایمر هم همینطور است. الزایمر با هنر، ارتباط مستقیمی ندارد ولی وقتی افراد مبتلا به الزایمر، با ریتم و ملودی روبه‌رو می‌شوند، واکنش نشان می‌دهند و به وجد می‌آیند. مثلاً به بچه‌های فلج مغزی که نمی‌توانستند حرکات ظریف را انجام دهند، فلوت دادیم، اینها بعد از سه ماه توانستند سوت بزنند و در یادگیری زبانشان تسهیل ایجاد شد. در کهریزک که افراد ایزوله را نگهداری می‌کند، فعالیت‌های هنری، چه دیداری و چه عملی ساده را اجرا کردیم و دیدیم بعد از مدتی کسانی که دستشان را گاز می‌گرفتند و خیلی عصبی بودند، آرام‌تر شده و بعد از این با اسباب‌بازی ور می‌رفتند. این در حالیست که اگر کار هنری برای افراد دارای معلولیت، به صورت جمعی صورت بگیرد، اثراتش بسیار بیشتر می‌شود.

برای افراد دارای معلولیت، در سال‌هایی که من در این دانشکده این موضوع را مطرح کردم، برنامه‌های زیادی پیرامون آن شکل گرفت و به اجرا درآمد که امیدوارم دوباره تکرار شوند. در حقیقت باید گفت که فعالیت هنری در هر زمینه‌ای اثرگذار است. مثلاً در فردی که سگته مغزی کرده و یک طرف بدنش فلج شده و زبان پریشی (آفازی) پیدا کرده را می‌شود با فیزیوتراپی و گفتار درمانی با او کار کرد ولی توان بخشی او با آواز آهنگین، زودتر جواب می‌دهد.

یعنی موسیقی درمانی برای افرادی که سگته مغزی کرده‌اند، بیشتر از گفتار درمانی و سایر لوازم توان بخشی جواب می‌دهد. درست است؟

بله، همینطور است. در زبان پریشی و اوتیسم هم این روش بسیار جواب می‌دهد. از طریق آواز آهنگین، در مدارهای سلول‌های مغزی و ملکول‌های نیمکره سمت راست مغز که کمتر آسیب دیده، بازسازی انجام می‌شود. درمان نمی‌شود ولی تسهیل ایجاد می‌شود. در حوزه‌های بین‌المللی مقالاتی در این خصوص، چاپ شده و تاثیرات موسیقی به اثبات رسیده‌است. ما مجوز شرعی آن را هم دریافت کرده‌ایم که تاثیر هنر و به‌ویژه موسیقی در درمان، بلامانع است. مجوزش را گرفته‌ایم و پایان نامه‌های زیادی هم در این خصوص نوشته شده‌است.

در افراد دارای معلولیت، هنر و موسیقی چه تاثیراتی دارد؟

بخش هیجانی ذهن انسان، با هنر صیقل پیدا می‌کند. علم این‌کار را نمی‌کند ولی هنرافراد را اجتماعی کرده، به آنها اعتماد به نفس می‌دهد و جلوی استرسشان را می‌گیرد. فرد توسط هنر با خودش اشته می‌کند و تمرکزش بالا می‌رود.

در واقع به نوعی کار هنری، نقش درمانی هم ایفا می‌کند؟

بیشتر توان بخشی است تا درمان. هنر، هیجان مثبت ایجاد می‌کند. می‌گویند، سی دقیقه مغز را هیجانی آماده کن و پنج دقیقه آموزش بده و نتیجه بگیر. هیجان مددکار توان بخشی، مهم‌تر از هیجان مددجو است. روی همین اصل اول باید خودمان با هنر اشته کنیم و بعد منتظر نتیجه از فعالیت توان بخشیمان باشیم. اگر انگیزه و هیجان در مربی و کاردرمانگر نباشد، وسایل و ابزار توان بخشی کمتر جواب می‌دهند.

در زمینه توان بخشی از طریق هنر شما بیشتر به موسیقی اشاره دارید یا سایر هنرها هم می‌توانند موثر باشند؟

بله حتما. هنرهای دیگر مثل، نقاشی و تاتر هم می‌توانند کارکرد توان بخشی داشته باشند. کتابی به تازگی در مورد این‌که اینترنت با مغز چه می‌کند به چاپ رسیده است. فیلسوف معروف نیچه، دوستی که شاعر و فیلسوف بوده داشته است. او روزی از نیچه سوال می‌کند که چه اتفاقی در تو افتاده که خط و جملات دیگر آن طنازی سابق را ندارند و فرق کرده‌اند.

هنر فقط برای مشغولیت و وقت‌گذرانی نیست، هنر تکلیف محور و هدفمند است

می‌شد که هم منشا زیبایی بود و هم هنر. هنر از کار جدا نیست و خودش نوعی کار است. در حوزه توان بخشی ما به آن می‌گوییم، کاردرمانی. و جالب است که بدانید به دلیل انعطاف‌پذیری مغز، فعالیت هنری، قسمت‌های دیگر آن را هم انعطاف‌پذیر می‌کند. درنقاشی، در تولید موسیقی، در درست کردن چیزی و بافتن، قسمت‌های دیگر مغز هم فعال می‌شوند و روی حرکت و حرکات ظریف، اثر می‌گذارند. در افرادی دارای معلولیتی که خامی حرکت دارند (دست و پا چلفتی) فعالیت‌های هنری در هر شاخه‌ای که باشد، تاثیرگذار است. فعالیت هنری در هر میزانی، روی همه ارگان‌های فرد اثر می‌گذارد و زندگی روزمره او را ارتقا می‌بخشد. فعالیت هنری متناسب با ویژگی‌های خاص هر فرد، در توان بخشی بسیار تاثیرگذار است. اگر فعالیت هنری گروهی هم اتفاق بیفتد، تاثیراتش به مراتب بیشتر است. هنر فقط برای مشغولیت و وقت‌گذرانی نیست، هنر تکلیف محور و هدفمند است. برای همه انسان‌ها باید این‌طور باشد ولی برای افراد دارای معلولیت حتما باید تکلیف محور باشد. اگر فردی که معلولیت دارد بتواند مساله‌ای را حل کند، بازتابی که از محیط دریافت می‌کند، باعث عزت نفس در او می‌شود. در این افراد معمولا "خود"، ضعیف است. چون معمولا با حمایت دیگران روبه‌رو بوده و وابسته به دیگران است. ولی اگر بتواند با برنامه‌ریزی دقیق و رو به جلو به چنین فردی هویت مستقل داد، او احیا شده و انسان دیگری می‌شود و این کاری است که هنر می‌تواند با او انجام دهد.

بعد که بررسی می‌کند، می‌بینند که برای نیچه یک دستگاه تایپ آورده‌اند و او دیگر با دستش نمی‌نویسد. آن استاد باهوش می‌فهمد که این تغییر در روش فعالیت نیچه، در مغز او اثر گذاشته و به او توصیه می‌کند که به جای تایپ کردن، مثل قبل با دستش بنویسد. این نقشی است که تکنولوژی در روان انسان ایجاد کرده است. بازتابی که در مغز انسان، وقتی که نقاشی می‌کند و خطی می‌کشد، ایجاد می‌شود، فوق‌العاده مهم است. هنر تکلیف محور است، یعنی با فعالیت هنری، حتما اتفاقی در مغز می‌افتد. فعالیت هنری، مدارهایی را در مغز محاسبه‌گر ایجاد می‌کند که باعث تحرکش می‌شود و بینایی و حواس دیگر را وارد کار می‌کند. فعال شدن مغز، پروسه بسیار ارزشمندی است. دست، مغز بیرونی انسان است. در اول که کلمه وجود نداشت، کار با دست انجام



فاطمه فخری، رئیس گروه امور هنری معلولان در دفتر توان بخشی روزانه و توان پزشکی سازمان بهزیستی کشور است. او دکترای کارگردانی تئاتر دارد و از ابتدا در حوزه هنر و معلولیت مشغول به فعالیت شده است. او اعتقاد دارد که از هنر باید در جهت ایجاد تغییرات اجتماعی استفاده کرد. با او در مورد فعالیت‌های گروه امور هنری معلولان در سازمان بهزیستی کشور گفت‌وگو کردیم و از برنامه‌های این گروه پرسیدیم.



دکتر فاطمه فخری؛

یاری‌دهنده مددجویانی که در حوزه هنر فعالیت می‌کنند، هستیم

قدرت تکلم آن‌ها کار می‌شود. اثرات این فعالیت‌ها در توان بخشی افراد دارای معلولیت به اثبات رسیده است. برنامه‌های ما در دو حوزه برنامه‌ریزی شده و به اجرا درآمده است. یکی از آنها، راه‌اندازی اتاق‌های هنر در مراکز توان بخشی در سطح کشور است. در این اتاق‌ها خدمات هنردرمانی در گرایش هنرهای تجسمی، موسیقی و نمایش ارائه می‌شوند. اتاق‌های هنر براساس فعالیتی که انجام می‌دهند در هشتصد وسی و یک مرکز در سطح کشور تجهیز شده و در حال سرویس دادن به مددجویان تحت پوشش بهزیستی هستند. این پروژه از سال ۹۴ با هنردرمانی شروع شد، موسیقی درمانی به آن اضافه شد و امسال هم، استفاده از نمایش در توان بخشی افراد دارای معلولیت، به آن اضافه شده است.

روش کار در این مراکز چگونه است؟

بعد از تجهیز مراکز، روش‌های جدید را به مربیان مستقر در مراکز آموزش دادیم تا یاد بگیرند که چگونه با

اتاق‌های هنر براساس فعالیتی که انجام می‌دهند در هشتصد وسی و یک مرکز در سطح کشور تجهیز شده و در حال سرویس دادن به مددجویان تحت پوشش بهزیستی هستند

احساسات، کاهش اضطراب، افزایش اعتماد به نفس، پرورش خودآگاهی، مدیریت رفتار، توسعه مهارت‌های اجتماعی و ارتقا توانایی‌های فیزیکی کار می‌کنیم. به طور مثال از طریق نمایش‌های عروسکی بر روی تقویت اندام‌های آسیب‌دیده و مهارت‌های حرکتی کودکان فلج مغزی و یا تقویت

لطفا خودتان را معرفی کنید و از برنامه‌های هنری حوزه‌ای که ریاست آن را برعهده دارید بگویید.

فاطمه فخری، رئیس گروه امور هنری معلولان در دفتر توان بخشی روزانه و توان پزشکی سازمان بهزیستی کشور هستم. دکترای کارگردانی تئاتر دارم و از ابتدا در حوزه هنر و معلولیت کار کرده‌ام، چون اعتقاد دارم از هنر باید در جهت ایجاد تغییرات اجتماعی استفاده کرد و این را وظیفه خودم می‌دانم.

چه برنامه‌هایی در این گروه دنبال می‌شود و چه ارزیابی از نقش هنر در توان‌مندی و توان بخشی افراد دارای معلولیت دارید؟

یکی از برنامه‌های معاونت امور توان بخشی سازمان بهزیستی، استفاده از هنر در شکل‌های گوناگون آن؛ تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی به عنوان یک ابزار در توان بخشی افراد دارای معلولیت است. هدف این است که از هنر علاوه بر توان بخشی فردی، در توان بخشی اجتماعی آنها هم استفاده شود. در توان بخشی فردی، بر روی کشف



انتخاب و به گروه‌ها اعلام می‌شود و در آخر گروه‌ها توسط بهرستی استان‌ها به شهرمیزبان برگزاری جشنواره اعزام می‌شوند.

آیا همه شرکت کنندگان باید از افراد دارای معلولیت باشند؟

خیر. سعی کردیم تاثیر معلولان را محدود به افراد دارای معلولیت نکنیم و فقط دوسوم از بازیگران، دارای معلولیت و یک سوم از افراد غیر معلول باشند. هدف ما این است که این افراد بتوانند به تدریج وارد گروه‌های حرفه‌ای شوند.

منظور شما از تاثیر حرفه‌ای چیست؟

یعنی تاثیری که فقط مختص به اجرا در جشنواره‌ها نباشد و گروه‌های نمایشی به حدی برسند که بتوانند از این طریق، کسب درآمد کنند. در این فعالیت دولت فقط حمایت کننده است و مشارکت هنرمندان دارای معلولیت و همچنین هنرمندان باریگر غیر معلول، جهت پیشبرد برنامه‌ها ضروریست. به عنوان مثال جشنواره منطقه‌ای که اخیرا در استان هرمزگان برگزار شد، با یاری انجمن آرت آفرین که انجمن غیردولتی مربوط به افراد دارای معلولیت است، انجام شد. مسئول این انجمن که از هنرمندان معلول استان هرمزگان است، به خوبی توانست این جشنواره را مدیریت کند.

متون نمایشی از چه منابعی تهیه می‌شوند و چگونه مورد بررسی قرار می‌گیرند؟

آثار نمایشی که توسط فراخوان به دست ما می‌رسند، یا از متون نمایشی موجود در بازار هستند و یا توسط افراد شرکت کننده نوشته شده‌اند. در انتخاب متن، هیچ‌گونه محدودیتی وجود ندارد. موضوع می‌تواند مرتبط با معلولیت و مسائل و مشکلات این گروه باشد و یا غیر. مهم این است که در قالب نمایش، شاهد توانمندی‌های افراد دارای معلولیت بر روی صحنه باشیم. همان‌طور که قبلا اشاره شد، متون نمایشی توسط تیمی متشکل از ۳ نفر متخصص در حوزه نمایشنامه‌نویسی بررسی و ارزیابی می‌شود.

چگونه این آثار از میان تعداد زیادی که به دست شما می‌رسند، انتخاب می‌شوند؟

یک تیم متخصص سه نفره در حوزه

فرد دارای معلولیتی که می‌خواهد در حوزه نمایش وارد شود، انگیزه پیدا می‌کند و از خانه بیرون می‌آید، در جلسات تمرین شرکت می‌کند و با اعتماد به نفس روی صحنه می‌رود و چشم در چشم تماشاگر، نقش آفرینی می‌کند

استان‌های برخوردار از ویژگی فرهنگی و قومی مشترک، انتخاب شده‌اند. ما ۳۱ استان کشور را به شش گروه و منطقه تقسیم کردیم. این مناطق شامل منطقه آفتاب که دربرگیرنده استان‌های تهران، مرکزی، البرز، قم، اصفهان و چهارمحال بختیاری می‌باشد. منطقه کویر شامل؛ خراسان رضوی، یزد، کرمان، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی بود. منطقه کاسپین شامل؛ استان‌های گیلان، مازندران، گلستان، سمنان و خراسان شمالی بود. منطقه خلیج فارس شامل؛ استان‌های هرمزگان، بوشهر، خوزستان، فارس و کهگیلویه و بویراحمد و منطقه طلوع هم شامل؛ استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان و قزوین می‌باشد.

فراخوان برای چه موضوعی داده می‌شد؟

فراخوان برای شرکت علاقمندان در جشنواره است. روش کار به این صورت است که در هر منطقه یک استان به عنوان میزبان انتخاب می‌شود و دبیرخانه جشنواره در استان میزبان تشکیل می‌شود. سپس فراخوان داده می‌شود. علاقمندان متون نمایشی خود را به دبیرخانه ارسال می‌کنند و هیئت بازخوان، نمایشنامه‌ها را می‌خوانند و از بین آنها با توجه به سیاستها و اهداف جشنواره، تعدادی را انتخاب می‌کنند. سپس گروه‌های نمایشی شروع به تمرین می‌کنند. در مرحله بعد تولید آنها توسط هیئت بازیین به صورت حضوری در استان‌ها بازیینی می‌شود و از مجموع آثار بازیینی‌شده، تعدادی از نمایش‌ها برای ورود به جشنواره

هنرجویان دارای معلولیت کار کنند. اساتیدی از تهران به استان‌ها برای برگزاری دوره‌های آموزشی فرستاده شدند. آخرین دوره آموزشی در حوزه نمایش که ده روزه بود، امسال برگزار شد. مربیان، آموزش‌های به روز را در این دوره‌ها دریافت می‌کنند و درآمد به صورت مجازی و از راه دور با اساتید، در ارتباط بوده و مشاوره‌های لازم را در حین کار خواهند داشت. در بخش توان بخشی اجتماعی، برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها را داریم. یکی از جشنواره‌هایی که از سال ۸۲ شروع شده، جشنواره بین‌المللی تاثیر معلولان بود. قبل از شروع این جشنواره، تحقیقاتی در مورد تاثیر نمایش در توان بخشی افراد دارای معلولیت انجام دادیم و موثر بودن آن را بر تغییر نگرش اجتماعی بررسی کردیم. هدف ما از انجام این فعالیت‌ها، ارتقاء سطح آگاهی عمومی، شناخت و درک افراد دارای معلولیت و احترام به حقوق آنان، تلفیق اجتماعی و کمک به مشارکت آنها در جامعه است. خیلی وقت‌ها مخاطبین، اتفاقاتی که در روی صحنه تئاتر و یا در نمایشگاه‌های نقاشی می‌بینند را باور نمی‌کنند. کارگاه‌هایی را هم برای نمایش تولیدات هنری این هنرمندان به صورت زنده برگزار می‌کنیم تا فعالیت آنان در معرض دید شرکت کنندگان قرار گیرد. تاکنون چهار جشنواره بین‌المللی تئاتر برگزار کردیم که آخرین دوره آن در سال ۹۵ بود. سه دوره از این جشنواره‌ها با عنوان جشنواره مهرآیین برگزار شد. در سال ۹۵ چهارمین دوره جشنواره تئاتر، در شهر اصفهان و با شرکت هفت کشور خارجی از جمله نروژ، المان، ایتالیا، هلند، اوگاندا، ارمنستان و هندوستان برگزار شد که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. برای مهمانان خارجی، دیدن چنین جشنواره‌ای که در کمال نظم و برنامه‌ریزی دقیق برگزار می‌شد، بسیار جالب بود. بعد از مدتی به فکر برگزاری جشنواره‌های منطقه‌ای در کشور افتادیم. شش جشنواره منطقه‌ای تحت عنوان مناطق زاگرس، طلوع، آفتاب، کاسپین، خلیج فارس و کویر را طراحی کرده و اجرا نمودیم.

این مناطق بر چه اساسی انتخاب شدند؟ این مناطق با هدف نزدیک تر ساختن



نمایشنامه‌نویسی براساس محورهای جشنواره، متون نمایشی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و سپس آثارنهایی را انتخاب می‌نمایند.

حیات داوران این جشنواره چه کسانی هستند؟

داوران دربخش بازخوانی، بازبینی و داوری نهایی، از متخصصین درحوزه تئاتر هستند. متون نمایشی توسط متخصصان درحوزه نمایشنامه‌نویسی و بازبینی، توسط سه کارگردان متخصص که با بحث معلولیت نیزآشنایی دارند، انجام می‌شود. داوران نهایی نیزمجموعه ازچهره‌های هنری مطرح کشوردرحوزه نمایش هستند که آثارنمایشی را از جنبه‌های هنری و همچنین با درنظرگرفتن نوع معلولیت بازیگران، به تفکیک مورد بررسی و ارزیابی قرارمی‌دهند. درگروه داوران اصلی نیز یک هنرمند دارای معلولیت که متخصص درحوزه نمایش است، قراردارد. داوران درارزیابی آثار به هیچ وجه نگاه ترحم‌آمیز ندارند.

جوایز این جشنواره‌ها چیست و برچه اساسی به گروه‌ها یا افراد تعلق می‌گیرد؟

جشنواره‌ها از سه بخش خیابانی، صحنه‌ای بزرگسال و کودک و نوجوان تشکیل می‌شود. آثاردربربخش به تفکیک گرایش (نمایشنامه‌نویسی، کارگردانی، بازیگری، طراحی صحنه و لباس، نور، موسیقی، بروشور و بوستر) مورد ارزیابی قرارمی‌گیرند و نفرات برتر انتخاب می‌شوند. دربخش بازیگری، ارزیابی‌ها به تفکیک نوع معلولیت و جنسیت انجام می‌گیرد، بدین گونه که اختلالات بینایی با یکدیگر، اختلالات ذهنی به همین صورت، اختلالات شنوایی، اعصاب و روان و سالمندان نیزهرکدام جدا بررسی می‌شوند. به برگزیدگان جشنواره براساس اعتباری که در اختیار داریم، جایزه نقدی، دیپلم افتخار و تندیس اهداء می‌شود. یکی دیگر از اقداماتی که سازمان بهزیستی برای گروه‌های نمایشی معلولان انجام می‌دهد، برگزاری تورهای نمایشی است. این سازمان با ایجاد سازو کارهای لازم و فراهم نمودن محل اسکان و تامین غذا و سرویس رفت و آمد گروه، اجرای‌های جامعه هدف را مورد حمایت قرارمی‌دهد.

قرار می‌گیرند.

آیا نقاشی‌های بچه‌ها هم به صورت نمایشگاه در معرض دید مردم قرار می‌گیرند؟

بله، برای نقاشی‌هایی که در کارگاه‌ها و اتاق‌های هنری توسط توان‌خواهان تهیه می‌شود، نمایشگاه برگزار می‌کنیم. البته اطلاع‌رسانی برای شرکت هنرمندان دارای معلولیت، خارج از مراکز نیزانجام می‌شود. در نمایشگاهی که اخیراً داشتیم، تعداد زیادی از آثارنقاشی هنرمندان توسط بازدیدکنندگان خریداری شدند.

سال قبل به منظور معرفی توانمندی‌ها، بازاریابی و فروش و ترویج فعالیت‌های هنرهای تجسمی و صنایع دستی هنرمندان دارای معلولیت، یک پروژه به نام نمایشگاه‌های هتلی را در استان خراسان جنوبی، در شهر بیرجند شروع کردیم. یک هتل را به عنوان نمونه انتخاب کردیم و درلابی و اتاق‌های آن، آثارنقاشی و هنری بچه‌ها را قرار دادیم. بروشوری هم دراختیار مسافران یا توریست‌ها قرار داده شد که ضمن ارائه توضیحات درخصوص آثار، قیمت محصولات در آن درج شد و مسافران می‌توانستند با هماهنگی با مسئول مربوطه، این آثار را خریداری کنند. درسال ۹۹ این پروژه در استان‌های دیگر هم اجرا خواهد شد. از دیگر اقدامات انجام شده درحوزه هنرهای تجسمی، چاپ آثارنقاشی هنرمندان دارای معلولیت به صورت کارت پستال بود که به مناسبت‌های مختلف نظیر نوروز، اعیاد و غیره برای سازمان‌ها، انجمن‌ها و ... با هدف آشنایی آنها با این هنرمندان و ایجاد زمینه‌های اشتغال هنری آنان ارسال شد.

این نمایشگاه‌ها چگونه و چند بار در سال برگزار می‌شود؟

این نمایشگاه‌ها معمولاً به صورت؛ کشوری یا منطقه‌ای و سالیانه برگزار می‌شود. فراخوان آن از طریق جرائد و همینطور مراکز بهزیستی در استان‌ها منتشر می‌شود. براساس چارچوب‌هایی که در فراخوان مشخص شده، از مراکز بهزیستی در استان‌ها می‌خواهیم که به انجمن‌ها و مراکز هنری اطلاع‌رسانی نمایند که هنرمندان دارای معلولیت بتوانند در این رویدادهای نمایشگاهی شرکت کنند.

در این پروژه، اتوبوس‌هایی که به وسایل مورد نیاز برای آموزش هنر تجهیز شده‌اند، به سراغ بچه‌های دارای معلولیت در مناطق روستایی و مناطق محروم شهری می‌روند و در حوزه نمایش، موسیقی و تئاتر به آنها آموزش می‌دهند

آیا امسال جشنواره منطقه‌ای هم برگزار کرده‌اید؟

بله. امسال دو جشنواره منطقه‌ای کویر و خلیج فارس را با حضور ۳۳ گروه نمایشی در آذرماه سال جاری در استان هرمزگان برگزار کردیم. در اسفند ماه هم جشنواره منطقه آفتاب و زاگرس را در خراسان رضوی برگزار خواهیم کرد. در بهار سال ۹۹ نیز جشنواره منطقه کاسپین و طلوع را خواهیم داشت. یک جشنواره استانی هم در اسفند ماه سال جاری در شهر بوشهر برگزار خواهد شد.

مخاطبان این جشنواره‌ها چه کسانی هستند؟

با توجه به اهداف جشنواره که در ابتدا اشاره شد مخاطبین، عامه مردم هستند.

در مورد هنرهای تجسمی چه فعالیتی در دفتر شما انجام می‌شود؟

از سال ۹۴ تقویت و توسعه برنامه‌های هنردرمانی به عنوان یک رویکرد جدید در مراکز توان‌بخشی در کشور آغاز شد که در همین راستا اتاق‌های هنر به منظور ارائه خدمات هنردرمانی، موسیقی درمانی و نمایش درمانی به توان‌خواهان در مراکز توان‌بخشی ایجاد و توسط معاونت امور توان‌بخشی تجهیز شد. علاوه بر تجهیز اتاق‌های هنر، به مربیان و مسئولان فنی مراکز، آموزش‌های لازم در خصوص هنردرمانی و به‌کارگیری از این شیوه درمانی در برنامه‌های توان‌بخشی توان‌خواهان داده شد. معمولاً تولیدات هنری توان‌خواهان در اتاق‌های هنر به صورت نمایشگاه‌های استانی و کشوری در معرض دید عموم و فروش





سعی کردیم تئاتر معلولان را محدود
به افراد دارای معلولیت نکنیم و
فقط دوسوم از بازیگران، دارای
معلولیت باشند و یک سوم هم از افراد
غیر معلول باشند

برای کودکان و نوجوانان ساکن روستاها و حاشیه شهرها خیلی مفید است، ایجاد پایگاه‌های سیار هنراست. در این پروژه، اتوبوس‌هایی که به وسایل مورد نیاز برای آموزش هنر تجهیز شده‌اند، به سراغ بچه‌های دارای معلولیت در مناطق روستایی و مناطق محروم شهری می‌روند و در حوزه نمایش، موسیقی و تئاتر به آنها آموزش می‌دهند. مقدمات این پروژه امسال انجام شده و امیدواریم از سال ۹۹ بتوانیم آن را عملیاتی کنیم. همچنین در سال آینده جشنواره بین‌المللی تئاتر معلولان، جشنواره‌های منطقه‌ای و همچنین نمایشگاه کشوری هنرهای تجسمی را خواهیم داشت.

و سخن آخر....؟

درعالم اندیشه و هنر، نقص‌ها و محدودیت‌های جسمانی، جایی ندارند و آنچه که اثرگذار است، پیوند اندیشه‌ها و عواطفی است که با زبان هنر بیان می‌شود، زبانی که پیام مهمی را در گوش جامعه طنین‌انداز می‌سازد و آن این‌که؛ این هنرمندان فراتر از آنند که در محدودیت‌هایشان خلاصه شوند.

سازمان بهزیستی دو جشنواره موسیقی مهرآهنگ و مهرآوا را با هدف شناسایی هنرمندان دارای معلولیت در عرصه موسیقی و ایجاد زمینه‌های مشارکت فعال تر این افراد در عرصه موسیقی کشور در سال‌های ۷۹ و ۸۷ برگزار نمود. با توجه به درخواست هنرمندان دارای معلولیت در حوزه موسیقی و برگزاری جشنواره‌های موسیقی، در نظر است جشنواره موسیقی را هم همانند تئاتر به صورت منطقه‌ای طراحی و اجرا گردد. در حال حاضر معاونت امور توان‌بخشی، گروه‌های فعال در این بخش را از طریق اعزام به جشنواره‌های بین‌المللی و یا برگزاری تورهای موسیقایی در داخل کشور حمایت می‌نماید. در همین راستا لازم است از ارکستر ملی ویژه ایران به رهبری خانم گیلاسیان، نام ببرم که متشکل از ۳۵ هنرمند دارای معلولیت از استان‌های مختلف کشور است که سازمان بهزیستی، ارکستر مذکور را در اجرای کنسرت در شهرهای مختلف مورد حمایت قرار داده است.

برنامه آینده دفتر شما چیست؟

یکی از برنامه‌هایی که برای سال ۹۹ در صدد انجام آن هستیم که به ویژه

در انتخاب محل نمایشگاه‌ها، کارشناسان به مناسب بودن محل برای تردد افراد دارای معلولیت، به امکانات نمایشگاهی و منطقه جغرافیایی و در دسترس بودن آن، توجه می‌نمایند.

در مورد فعالیت‌هایی که در حوزه موسیقی انجام می‌دهید، هم توضیح دهید؟

فعالیت‌های موسیقایی در مراکز توان‌بخشی با هدف به‌کارگیری آگاهانه از شیوه‌های موسیقی درمانی در روند برنامه‌های توان‌بخشی و توان‌مند سازی افراد دارای معلولیت طراحی شده و به دنبال ارائه خدمات درمانی غیر دارویی به مراجعان در مراکز می‌باشد، که در جهت بهبود تعاملات میان فردی و اجتماعی، بالا بردن سطح یادگیری، افزایش توانایی‌های فیزیکی و تقویت مهارت‌های حرکتی-ذهنی، گسترش حافظه دیداری و شنیداری، تقویت و بهبود گفتار، تقویت و بهبود حرکات درشت و ظریف، گسترش ادراکات و مهارت‌های ذهنی و استقلال افراد دارای معلولیت می‌باشد.

آیا جشنواره موسیقی هم برای افراد دارای معلولیت داشته‌اید؟



مهندس منصور برجیان در سال ۱۳۲۵ در اصفهان متولد شد و تحصیلات خود را در رشته مکانیک به پایان رساند. در سال ۱۳۵۳ در اثر سانحه از دو پا فلج شد. وی در سال ۱۳۵۷ به همت جمعی دیگر از دوستان دارای معلولان «جامعه معلولان ایران» را تاسیس کرد در سال ۱۳۵۹ به سمت ریاست فدراسیون ورزش‌های معلولان ایران منصوب شد و ورزش معلولان و جانبازان را پایه‌گذاری کرد. مهندس برجیان، کتاب‌های زیادی از جمله: «مجموعه قوانین و مقررات بین‌المللی ورزش‌های معلولان جسمی» و «قوانین و مقررات بین‌المللی والیبال نشسته معلولان» را تالیف کرده است. وی چندین واحد تولیدی و خدماتی در زمینه ساخت وسایل توان‌بخشی و کمک پزشکی را نیز طراحی و راه‌اندازی کرده‌است.



مهندس منصور برجیان؛

هنر به افرادی که معلولیت دارند، هویت و شخصیت می‌بخشد

و در سال ۸۵-۸۴ هم انجمن علمی و آفرینش‌های هنری معلولان را تاسیس کردم.

آیا شما خودتان هم علاقمند به کارهای هنری بودید؟

من به کارهای هنری علاقه داشتم ولی تلاشم بیشتر در حوزه علمی فرهنگی بود، بعد که دیدم جای هنر در حوزه معلولیت خالی است، آن را هم اضافه کردیم. اولین کاری که در انجمن انجام دادم، تهیه و چاپ کتاب مشاهیر معلول بود. بعد از آن، چند کتاب با موضوع زخم بستر، مسائل جنسی افراد دارای معلولیت و مسائل توان‌بخشی این افراد چاپ کردم تا آنها بتوانند تا حدودی بر حل مسائل شخصی خود تسلط پیدا کنند. اولین جشنواره دوسالانه فیلم آوا را هم در سال ۸۹ برگزار کردیم و فیلم‌هایی که در مورد معلول و معلولیت و مناسب‌سازی

چند کتاب با موضوع زخم بستر و مسائل جنسی افراد دارای معلولیت، چاپ کردم تا آنها بتوانند تا حدودی بر حل مسائل شخصی خود، تسلط پیدا کنند

این‌گونه به جامعه معرفی کردیم. یکی از اعضای انجمن، خانمی بود که در محل نمایشگاه، با دهان نقاشی می‌کرد که بسیار مورد استقبال مدعوین قرار گرفت. بعد از این که من از جامعه معلولین و فدراسیون جانبازان فارغ شدم، چند سالی بر تولید وسایل توان‌بخشی متمرکز شدم

آقای مهندس موضوع این شماره نشریه توانیاب، هنر و معلولیت است. با توجه به اینکه شما سال‌های زیادی با تاسیس انجمن علمی و آفرینش‌های هنری معلولان ایران به معرفی و حمایت از هنرمندان دارای معلولیت پرداخته‌اید، لطفاً مختصری از این فعالیت‌ها برای ما بگویید:

این انجمن با تمرکز بر فعالیت‌های علمی و فرهنگی و هنری عزیزان دارای معلولیت پایه‌گذاری شده، سایر انجمن‌های مربوط به حوزه معلولیت، اهداف دیگری را دنبال می‌کردند ولی به‌طور تخصصی در زمینه هنر کاری نکردند. من در سال ۱۳۵۳ دچار معلولیت شدم و در سال ۱۳۵۷ انجمن جامعه معلولین و در سال ۱۳۵۸ فدراسیون جانبازان را که خودم مسئول آن بودم، راه‌اندازی نمودم. اولین برنامه ما در نوروز سال ۵۷، با برگزاری نمایشگاهی از کارهای بچه‌های دارای معلولیت بود و جامعه معلولین را



ساخته شده بود را پذیرفتیم. هیات داوران خوبی هم داشتیم از جمله؛ مرحوم عزت‌آ... انتظامی، خانم پوران درخشنده، آقای حمیدنژاد، آقای مسلم نایینی و مهدی جعفری. به برگزیدگان جشنواره جوایزی هم داده شد. استقبال بسیار خوبی از این جشنواره شد و چهارصد وسی فیلم به دبیرخانه جشنواره فرستاده شد. از دیگر فعالیت‌های این انجمن، برگزاری جشنواره دوسالانه کتاب بود که امسال سومین دوره آن برگزار شد. کتاب‌های زیادی در رابطه با معلولیت و مسائل مربوط به افراد دارای معلولیت بود را دریافت کردیم. در دوره اول، هفتاد و شش کتاب به دستمان رسید. برای ما جالب بود که بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان در این جشنواره، افراد دارای معلولیت بودند که بعضی از آنها معلولیت‌های شدیدی هم داشتند. می‌خواهم بگویم افراد دارای معلولیت توانایی‌های ویژه‌ای دارند که متأسفانه به آن بها داده نشده و جایی برای عرضه آن وجود نداشته‌است. هنرمندان دارای معلولیت، به دلیل محدودیت‌های حرکتی و عدم مناسب‌سازی محیط‌های عمومی، بیشتر در خانه به سر می‌برند و با مطالعه و نقاشی و کارهای دستی و هنری خود را سرگرم می‌کنند. ولی وقتی چنین جشنواره‌هایی برگزار می‌شود، این استعدادها بروز می‌کند.

آیا این انجمن در زمینه تئاتر و نقاشی هم فعالیتی داشته‌است؟

ما در حوزه تئاتر وارد نشدیم، چون کار نمایش و تئاتر نیاز به صحنه و جایی برای تمرین و امکانات ویژه مناسب‌سازی شده دارد که برای ما مقدور نبود. ولی با بهزیستی در این مورد همکاری داشته‌ایم. برای بچه‌هایی که در حوزه‌های هنری و نقاشی فعالیت دارند، نمایشگاهی را در تالار فردوسی در خیابان ویلا از طرف انجمن علمی و آفرینش‌های هنری برگزار کردیم که بچه‌ها کارهای خود را به نمایش گذاشتند و استقبال خوبی هم شد. بعد پیشنهاد دادیم که چنانچه کسی از بچه‌ها مجموعه کاری قابل عرضه در حوزه گرافیک و نقاشی دارد به ما ارائه دهند.

در سال ۹۸ با کمک سازمان بهزیستی استان تهران، اولین جشنواره نقاشی کودکان را با موضوع "دوست معلول من حق دارد" را برای گروه سنی کودکان دوره ابتدایی با هدف درگیر کردن ذهن بچه‌ها با موضوع معلولیت، برگزار کردیم

خوشبختانه دوستی به نام آقای محمد باوی‌زاد از اهواز، انواع بسم‌الله را به صورت گرافیکی طراحی کرده بود که با کمک ما و حوزه هنری اهواز این آثار در کتابی با نام "باغ بسم‌الله" جمع آوری و چاپ شد. در سال ۹۸ با کمک سازمان بهزیستی استان تهران، اولین جشنواره نقاشی کودکان را با موضوع "دوست معلول من حق دارد" برای گروه سنی کودکان دوره ابتدایی با هدف درگیر کردن ذهن بچه‌ها با موضوع معلولیت، برگزار کردیم. کتابی هم از آثار کودکان با کمک سازمان آموزش و پرورش استثنایی چاپ کردیم که مشخصات هر کدام از بچه‌ها در کنار آثارشان ذکر شده‌است. یکی از کارهایی که توسط انجمن آفرینش‌های هنری انجام شده، تهیه کتاب دایرةالمعارف نوابغ و مشاهیر معروف ایران و جهان است که توسط من و دکتر ملک‌پور که هردو دارای معلولیت هستیم، انجام شد و نقاشی‌های آن توسط خانم مرضیه هوشمند انجام شد. ایشان نقاش دارای معلولیت هستند. در سال ۸۷ هم جشنواره کاریکاتور و پوستر را با موضوع "معلول، معلولیت و مناسب‌سازی" را برگزار کردیم. عمده افرادی که در این جشنواره شرکت کردند از افراد دارای معلولیت بودند و آثارشان در کتابی با عنوان جشنواره کاریکاتور و پوستر به چاپ رسید. امسال در همکاری با شهرداری تهران، توانستیم بعضی از این کارها را که موضوعیت بیشتری با بحث معلولیت داشت را در روز جهانی معلولان روی بیلبردها و تابلوهای

تبلیغاتی در اتوبان‌ها و معابر شهری به نمایش درآوریم. هدف از این کار هم، اطلاع‌رسانی در مورد معلولیت و آگاهی بخشی به مردم بود و هم ارج گذاشتن به کار هنرمندان بود. چندی پیش هم نمایشگاه نقاشی در موسسه فرهنگی و هنری صبا، واقع در میدان فلسطین برگزار شد و حدود چهارصد نقاشی از افراد دارای معلولیت در آنجا به نمایش درآمد. من در افتتاحیه این نمایشگاه شرکت کردم و دیدم که بسیاری از بچه‌های انجمن ما هم، آثار خود را در این نمایشگاه به نمایش گذاشته‌اند. قرار بر این است که مجموعه این آثار توسط انجمن علمی و آفرینش‌های هنری در کتابی جمع‌آوری و چاپ شوند. یکی از کارهای جالبی که دفتر فرهنگ معلولان قم، آقای نوری، انجام داد، این بود که دو دوره از جشنواره کتاب ویژه معلولان ما را جمع‌بندی و گزارش آن را به صورت کامل در کتابی چاپ نمود.

خوشبختانه در سال گذشته همه فرهنگسراها با پیگیری ما و به همت اداره سلامت شهرداری، مناسب‌سازی شدند. به یاد دارم زمانی را که کلی باید می‌گشتم تا جای مناسبی برای برگزاری نمایشگاه برای بچه‌ها پیدا می‌کردیم. این کار قدم مثبتی برای افراد دارای معلولیت است که بتوانند توانمندی‌های هنری خود را در این مکان‌های مناسب سازی شده به نمایش بگذارند.

تاثیر هنر را در توانمندی افراد دارای معلولیت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اولین تاثیر هنر در ایجاد روحیه مثبت است. بیشتر افرادی که کار هنری می‌کنند، روحیه‌ای مثبت دارند و همه چیز را زیبا می‌بینند. دید این افراد نسبت به زندگی و اطرافیانشان، دید متفاوتی است. دید آنها پژوهشگری است. در نقاشی که می‌کشد سوالی نهفته است. زیبایی آن گل است که او را جذب می‌کند تا آن را نقاشی کند. دیگر این که، فعالیت‌های هنری، بخشی از زندگی و اوقات فراغت افراد را پر می‌کند. از طرف دیگر می‌تواند برایش درآمد زا باشد و افسرگی و کسالت را هم از آنان دور می‌کند. مهم‌تر از همه هویت بخشی



محول شد. این یکی از اهدافی است که در حال پیگیری هستیم. وقتی بهزیستی یا انجمن‌های حوزه معلولان صحبت از توان‌مندسازی می‌کنند، توان‌مندسازی یعنی همین. یعنی جایی برای نمایش و ارائه کارهای ارزشمند این افراد وجود داشته‌باشد. سازمان‌هایی مثل بهزیستی و شهرداری باید از راه‌های مختلف از این بچه‌ها حمایت کنند. شهرداری می‌تواند یکی دوتا از فرهنگ‌سراهایش را برای در معرض دارای معلولیت را به آنها اختصاص دهد. مناسب‌سازی فرهنگ‌سراها قدم مثبتی در دسترس‌پذیری این اماکن برای افراد دارای معلولیت بود. اگر مناسب‌سازی سایر اماکن عمومی مانند؛ ایستگاه‌های مترو هم انجام شود، یکی از بزرگ‌ترین معضلات این افراد برای رفت و آمد در فضاهای شهری حل می‌شود. اگر من کتاب مشاهیر و نوابغ را گردآوری کردم، می‌خواستم ثابت کنم که چه در دنیا و چه در کشورما، معلول کسی نیست که دستش را کج می‌کند و در آستینش قرار می‌دهد و گدایی می‌کند، معلول کسانی مانند رودکی، هلن کلر، بتهون، استیفن هاوکینگ و ... هستند که دنیا را متحول کردند و برای جامعه خود افراد ارزنده و منشاء خیر و خدمات بوده هستند.

به شهرداری پیشنهاد تاسیس یک موزه و نمایشگاه، ویژه کارهای هنری معلولان دادم که موافقت اولیه‌اش گرفته شده‌است

شرح دادم که چنانچه چنین موزه و نمایشگاهی دایر کنید، اولاً ایجاد اشتغال برای افراد دارای معلولیت می‌کند و دوماً کارهای این افراد توسط مردم، سفرا و وزرا، مورد بازدید قرار می‌گیرد و به عنوان هدیه در مواقع خاصی خریداری می‌شوند. حتی اعلام کردم که هرچه از کارهای هنرمندان دارای معلولیت در دفتر انجمن داریم را به این موزه و نمایشگاه اهدا خواهیم کرد. خیلی امیدوارم که چنین طرحی مورد توجه قرار گیرد. قرار بود اداره فرهنگی اجتماعی شهرداری جلسه‌ای بگذارند و در این مورد با هم صحبت کنیم که به دلیل مشکلات شرایط جوی که پیش آمد به زمان دیگری

به این افراد است. هنر به هر کسی و به خصوص به افرادی معلولیت دارند، هویت و شخصیت می‌بخشد. شخصی مثل آقای شاه‌رخی که مجسمه ساز و نابیناست، مورد توجه همه قرار می‌گیرد. چندسال قبل تعدادی از آثار ایشان را به نمایشگاهی در آلمان فرستادیم، وقتی فهمیده بودند که این مجسمه‌ها توسط یک نابینا ساخته شده، تمام این آثار را خریداری کردند. این فرد احساس غرور می‌کرد که هنرش مورد توجه قرار گرفته‌است. هنر اثرات روحی روانی زیادی دارد. خانم ناشنوایی را می‌شناسم که هم نقاش و گرافیکست و هم مجسمه‌ساز است. من به ایشان پیشنهاد کار در این دفتر را دادم. این خانم بلافاصله پاز میزان دستمزدش سوال کرد. من گفتم حداقل حقوق قانون کار که در آن زمان ماهی یک میلیون و دویست تومن بود. او گفت نمی‌آیم، من در یک ماه ده برابر این مبلغ درآمد دارم!

چه انتظاری از نهادهای دولتی و غیردولتی دارید؟

بالاترین انتظار ما این است که از هنر معلولان حمایت کنند. من به شهرداری پیشنهاد تاسیس یک موزه و نمایشگاه، ویژه کارهای هنری معلولان را دادم که موافقت اولیه‌اش گرفته شده‌است. من طرح جامعی تهیه و در اختیار شهرداری قرار دادم و



میترا خلف بیگی، دکترای کاردرمانی دارد. او از سال ۸۰ در زمینه توانبخشی بیماران اعصاب و روان بزرگسالان در دانشکده توانبخشی وابسته دانشگاه علوم پزشکی ایران مشغول به کار است. پایان نامه او در دوره کارشناسی ارشد، تاثیر موسیقی بر اعصاب و روان بیماران می باشد. او تاثیر هنر و به خصوص موسیقی را در توانبخشی افراد دارای معلولیت های ذهنی و جسمی بسیار مهم می داند.



دکتر خلف بیگی، کاردرمانگر؛

کاربرد هنر در توانبخشی، بسیار متنوع است

کلینیک های کاردرمانی دانشکده وهم در کلینیک های تخصصی، در بیرون از دانشکده انجام می دهیم.

تاثیر هنر در توانبخشی افراد دارای انواع معلولیت ها چگونه می تواند باشد؟

اگر بخواهیم در مورد تاثیر هنر یا به طور اختصاصی در مورد تاثیر موسیقی صحبت کنیم، باید بگویم که ما مداخلات زیادی در افرادی با نیازهای ویژه داریم که یکی از غیر تهاجمی ترین آنها بحث هنر و هنردرمانی است. البته به این معنی نیست که این مداخلات بدون مداخله و هدف انجام شود، چون این رویکرد هم مانند سایر رویکردها حساسیت های خاص خود را دارد و باید دانست که در کجا باید و در کجا نباید استفاده شود. در ایران رشته دانشگاهی مشخصی به نام هنردرمانی

هنر ابزاری برای تخلیه عواطف و احساسات است و وقتی ماهیت درمانی به خود می گیرد، می توان استفاده های جانبی زیادی از آن به دست آورد

و به عنوان پایان نامه فوق لیسانس شروع کردم. بعد به دلیل علایق شخصی و با کمک پروفیسور عشایری و دیگر اساتیدی که در زمینه موسیقی کار می کنند، روی این حوزه متمرکز شدم. تاثیر موسیقی بر اعصاب و روان، از شاخه هایی است که در موردش تحقیق و کاربرایی انجام می دهیم و مقاله می نویسم. این کار را هم در

لطفا خودتان را معرفی کنید:

میترا خلف بیگی، دکترای کاردرمانی هستم. من از سال ۸۰ در زمینه توانبخشی بیماران اعصاب و روان بزرگسالان مشغول به کار هستم و به عنوان هیات علمی، در دانشکده توانبخشی و دانشکده علوم پزشکی ایران نیز تدریس می کنم. در حوزه توانبخشی اعصاب و روان در طول این سالها، دو حوزه فعالیت را دنبال کرده ام؛ یکی بحث اشتغال بیماران اعصاب و روان و دیگری بحث کاربرد موسیقی در درمان.

در بحث کاربرد موسیقی در درمان بیماران اعصاب و روان، چه فعالیت هایی را تاکنون داشته اید؟

من کار بر تاثیر موسیقی بر اعصاب و روان بیماران را از سال ۸۱، زمانی که دانشجوی کارشناسی ارشد بودم



یا موسیقی درمانی نداریم و افرادی که در این زمینه کار می‌کنند مثل، پروفیسور عشایری و سایر دوستان، با مطالعات شخصی و ارتباط با مراکز جهانی که به‌طور تخصصی این کار را انجام می‌دهند، توانسته‌اند در این حوزه تخصص پیدا کنند. بیشترین فعالیتی که در کشور در حال حاضر چه در دانشکده‌های وابسته به وزارت بهداشت و چه در مراکز وابسته به سازمان بهزیستی کشور انجام می‌شود، با ترکیب تیم درمانی و موسیقیدان‌هاست که در کنار هم روی این موضوع کار می‌کنند. کار با ابزار موسیقیایی در درمان، بسیار کارآیی دارد چون هنر ابزاری برای تخلیه عواطف و احساسات است و وقتی ماهیت درمانی به‌خود می‌گیرد، می‌توان استفاده‌های جانبی زیادی از آن کرد. مثلاً اگر بخواهید موقعیت بدن فردی که دچار کم‌توانی هست را با یک فعالیت درمانی اصلاح کنید، با گفتن این‌که، این‌گونه بنشین، بازویت را اینقدر خم کن، انگشتت را صاف کن و... نتیجه نمی‌گیرید ولی اگر به جای این توصیه‌ها، قلم نقاشی دستش دهید، او ناخودآگاه برای این‌که راحت‌تر نقاشی کند، مجبور است خودش را در وضعیت مناسب قرار دهد. یا زمانی که سازی را می‌نوازد، مجبور می‌شود دستش را درست حرکت دهد. در واقع از طریق هنر می‌توان به‌صورت غیر کلامی، خیلی از دستورات عمل‌های توان‌بخشی را پیاده کرد و نتیجه گرفت.

آیا هنر نقش درمان را ایفا می‌کند، یا به توان‌بخشی افراد کمک می‌کند؟

مقالات زیادی در این مورد نوشته شده‌است. بنابراین کاربرد هنر در زمینه توان‌بخشی بسیار متنوع است. می‌تواند در اصلاح حرکت فرد از آن استفاده شده و عملکرد اندام او را بهبود دهد. می‌تواند نقش شناختی داشته‌باشد که کجا و چگونه و از چه وسیله‌ای استفاده کند. می‌تواند نقش هیجانی داشته‌باشد و باعث تخلیه احساسات شود. می‌تواند نقش ارتباط را در گروهی که افراد با هم موسیقی می‌نوازند، ایفا کند. همه

از طریق هنر می‌توان به‌صورت غیر کلامی، خیلی از دستورات عمل‌های درمانی را پیاده کرد و نتیجه گرفت

انفرادی شروع کنیم تا فرد کم‌کم با درمانگر یا ابزار هنری ارتباط برقرار کند. شاید ورود این فرد به گروهی که اکثراً مهارت‌های بالاتری نسبت به او دارند، وحشت‌زده‌اش کند. بنابراین گاهی لازم است در شروع، انفرادی با او کار شود و به‌تدریج وارد گروه گردد. هر درمانی نیاز به ارزیابی دارد و گاهی لازم است، منحصر به هر فرد انجام شود. حتی وقتی افراد در یک گروه قرار می‌گیرند، نگاه درمانگر باید نگاه فردی باشد. او با وجودی که همه دارند روی یک چیز کار می‌کنند، باید ببیند که هر کدام از افراد، چه نیازهایی دارند.

این‌ها مثال‌هایی هستند که هنر می‌تواند در آنها نقش داشته‌باشد.

چگونه توسط شما یا تیم توان‌بخشی تشخیص داده می‌شود که بر افراد با اختلالات مختلف کدام جنبه هنری تاثیرگذار است؟

می‌توانم ذائقه هنری فرد را با یک ارزیابی ساده با سوال از خود او و یا خانواده اش به‌دست آورد. گاهی در اثر آسیب، ذائقه فرد خاموش می‌شود و به هیچ محرک هنری واکنش نشان نمی‌دهد مثلاً به دلیل یک آسیب فیزیکی احساس می‌کند که نمی‌تواند نقاشی کند یا ساز بزند. در این‌صورت، ابزار را در اختیار او قرار می‌دهیم و سعی می‌کنیم درگیرش کنیم. در چنین مواردی کادر درمان خودش تشخیص می‌دهد که چه ابزاری به فرد بیشتر کمک می‌کند. به مرور ابزار را پیچیده‌تر، طول جلسات و تعداد ابزار و افرادی که در گروه قرار دارند را بیشتر می‌کنیم. این روشی است که در همه هنرها و از جمله موسیقی از آن استفاده می‌کنیم.

در حوزه هنر درمانی، بچه‌ها در گروه بهتر جواب می‌دهند یا اگر به‌طور انفرادی کار کنند؟

این بستگی دارد به این‌که تا چه حد کم‌توانی یا آسیب وارده، نیازهای فرد را تحت تاثیر قرار داده‌باشد. در بعضی افراد مجبور می‌شویم که اول با درمان

همکاری در گروه و کار تیمی در موسیقی، چه تاثیری بر افراد می‌گذارد؟

در فعالیت‌های گروهی، از ابزار غیر کلامی استفاده می‌شود و افراد با هم حرف نمی‌زنند، یکی ننتی را می‌زند و دیگری با نت دیگری جواب می‌دهد و ارتباط بین افراد از این طریق برقرار می‌شود. برای همین است که بسیاری از مطالعات، اثربخشی درمان‌های هنری را ثابت کرده‌اند. نکته دیگری که در بحث موسیقی درمانی مهم است این است که این روش، توسط ارتباط درمانگر و درمانجو شکل می‌گیرد و اول باید این ارتباط شکل گرفته و اعتماد لازم ایجاد شود، بعد مرحله به مرحله پیش بروند.

در هنر درمانی، بیشتر روی چه حوزه‌های هنری تمرکز وجود دارد؟

محدودیتی در هنر وجود ندارد. هنر شامل حوزه‌های زیادی است که می‌تواند نقاشی، موسیقی، تئاتر و حتی ساخت وسایل هنری باشد. من چون خودم در شاخه موسیقی وارد شده‌ام، در این حوزه بیشتر مطالعه دارم و متدها و مکاتب مختلف را دنبال می‌کنم. در بعضی از مکاتب، کار با سازهای کوبه‌ای توصیه می‌شود و درمکتبی دیگر، از موسیقی‌های فی‌البداهه استفاده می‌شود. هر کدام از آنها رویکرد خاصی دارند ولی در همه آن‌ها، جنبه‌های رشد لحاظ

شده است. بستگی به علاقه و دانش درمانگر دارد که از کدامیک از این مکاتب استفاده کند.

شما به عنوان یک کاردرمانگر، تا چه اندازه خودتان باید با هنر و موسیقی آشنا باشید؟

چون در ایران، موسیقی درمانی را به عنوان یک رشته دانشگاهی نداریم، پس باید خودمان در حد اولیه با موسیقی آشنا باشیم. البته نیاز نیست که موزیسین باشیم ولی باید نتها و ریتمها را بشناسیم. ما در کنار موزیسینها قرار می‌گیریم و با هم پروژه توانبخشی افراد را پیش می‌بریم. مثلاً به او می‌گوییم، روی این شعر کودکانه آهنگی بگذار که کودک توانجو بتواند دستش را با آن بالا بیاورد. موسیقی‌دان می‌داند که چقدر باید کشش روی نتها بگذارد که این اتفاق بیفتد.

آیا در حال حاضر در کلینیک توانبخشی دانشکده، کار موسیقی درمانی انجام می‌شود؟

بله. یک روز در هفته کلینیک موسیقی درمانی داریم و با یک سری از افراد دارای معلولیت اعصاب و روان، کار می‌کنیم. در حال ریزنی هستیم که برای گروه بزرگسال جسمی هم در آینده کلاس موسیقی درمانی برگزار کنیم. موسیقی را در همه حوزه‌های معلولیتی و در همه گروه‌های سنی؛ از کودکان و بزرگسالان جسمی حرکتی گرفته تا کودکان و بزرگسالان اعصاب و روان و بیماری‌های نورولوژیک کار می‌کنیم. موسیقی درمانگر ما آقای هاتف دوستدار، از موزیسین‌های با سابقه و خبره در کار موسیقی درمانی هستند که سابقه سی سال فعالیت در این حوزه را دارند و مجری هنر درمانی از طرف سازمان بهزیستی کشور هستند. ایشان ارتباط بسیار تنگاتنگی با تیم درمان داشته و کتاب و مقالاتی در زمینه موسیقی درمانی نوشته‌اند.

چگونه علاقمندان به این فعالیت‌ها با شما ارتباط می‌گیرند و چگونه اطلاع رسانی می‌کنید؟

معمولاً این افراد از طریق کلینیک‌های

هنر
ظرفیت‌های بسیار بالایی دارد و هر کسی که وارد آن شود، درهایی به رویش باز می‌شود که حتی فکرش را قبل از آن نمی‌کرد

کاملاً باید هدفمند باشد و حساسیت کار خیلی بیشتر است. ابزاری که از آن استفاده می‌شود، زمانی که در آن کار انجام می‌شود و ارزیابی‌هایی که انجام می‌شود، همه باید علمی و تخصصی باشند. کما این که ابزارهایی که در موسیقی درمانی از آنها استفاده می‌شود، در مغازه‌های فروش آلات موسیقی، ارائه نمی‌شوند. این ابزارها، ساده‌سازی شده و عمدتاً از مکان‌های خاصی برای افرادی که مشکل حرکتی و یا مشکل شناختی دارند، تهیه می‌شوند.

چه توصیه‌ای به افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی در حوزه هنر دارید؟

اگر این دوستان بتوانند با فعالیت‌های هنری، زیر نظر یک فرد متخصص در این حوزه کار کنند، از مزایای درمانی آن هم بهره‌مند شوند. هنر ظرفیت‌های بسیار بالایی دارد و وقتی هر کسی وارد آن شود، درهایی به رویش باز می‌شود که قبل از این حتی فکرش را هم نمی‌کرد. اولین اتفاقی که در مقوله هنر و هنردرمانی می‌افتد، تخلیه عواطف و احساسات است. وقتی فکر آرام باشد، فرد می‌تواند تصمیم بگیرد که چه کاری را می‌خواهد انجام دهد. هنر می‌تواند هر چیزی باشد، می‌تواند ساخت یک عروسک باشد، ساخت یک کار دستی باشد، می‌تواند جواهرسازی باشد، و ...

ولی وقتی بحث هنردرمانی مطرح می‌شود، مساله متفاوت می‌شود و مهارت و دانش درمانگر پشت آن قرار می‌گیرد. این که چگونه فرد را هدایت کند، آیا نیاز است این فرد با دو ابزار کار کند یا بیشتر؟ چه رنگ‌هایی باید در اختیارش قرار داده‌شود؟ بهتر است در گروه قرار بگیرد یا انفرادی کار کند؟ دوبار در هفته کار کند یا بیشتر؟ هر بار چه مدت لازم است کار کند؟ و ... باید برای تکتک این سوال‌ها جواب‌هایی براساس منطق علمی ارائه شود. هنر درمانی بحثی کاملاً علمی است. وقتی صحبت از هنردرمانی می‌شود، باید به تمام موارد شناختی، حرکتی، ذهنی، ادراکی و روابط بین فردی دقت شود.

توانبخشی به ما ارجاع داده می‌شوند و خیلی وقت‌ها، خود خانواده‌ها به همدیگر اطلاع می‌دهند. علاوه بر این، خانواده‌ها از طریق جستجوی اینترنتی با ما آشنا می‌شوند و تماس می‌گیرند و مراجعه می‌کنند. کلاس‌های ما، هم در کلینیک توانبخشی دانشکده و هم در مراکز خصوصی در خارج از دانشکده برگزار می‌شود.

آیا ارزیابی می‌شود که افرادی که در این کلاس‌ها شرکت کرده‌اند چه مسیری را طی کرده و به چه نتایجی دست یافته‌اند؟

بله. کارهای تحقیقاتی بسیاری در این مورد انجام داده‌ایم. من چهار مقاله در مورد تاثیر موسیقی بر مسائل شناختی با افراد اسکیزوفرنی دارم که در اینترنت موجود است. سه تا از این تحقیقات را با پروفیسور عشایری کار کرده‌ام. در مورد تاثیر موسیقی بر افراد مبتلا به اوتیسم هم، یکی از دانشجویان با من کار کرده‌است. در تمام این تحقیقات، اثربخشی موسیقی کاملاً ثابت شده‌است.

آیا شرکت افراد دارای معلولیت در گروه‌های موسیقی و ارکستر هم به نوعی هنردرمانی برای آنها محسوب می‌شود؟

بخشی از برنامه‌های هنری، به اوقات فراغت و تفریحی افراد برمی‌گردد و بخشی هم به مسائل درمانی. درمان





در تاریخ سوم اسفند به دانشکده علوم توان بخشی ایران رفتیم و در اولین جلسه موسیقی درمانی که توسط آقای دوستدار، اجرا می شد شرکت کردیم. در این کارگاه ۶ نفر مددجو از معلولیت هایی چون؛ اوتیسم و فلج مغزی همراه با پدر یا مادرشان شرکت داشتند. شرکت کنندگان دورادور استاد این کارگاه، حلقه زده و روی زمین نشسته بودند و با فعالیت هایی که توسط او اجرا می شد، همراهی می کردند. هر کدام از شرکت کنندگان یک ابزار موسیقیایی در دست داشتند و هر کاری را که استاد انجام می داد را تکرار می کردند. شعرهایی را هم که ایشان همراه با تکان دادن ابزار موسیقی، می خواند را کم و بیش می گفتند. قرار است یک روز در هفته کلینیک موسیقی درمانی در دانشکده توان بخشی ایران، با تعدادی از افراد دارای معلولیت اعصاب و روان، کار درمانی انجام دهد. موسیقی درمانگر این درمانگاه، آقای هاتف دوستدار، از موزیسین های با سابقه و خبره در کار موسیقی درمانی است که سابقه سی سال فعالیت در این حوزه را دارد. او مجری هنر درمانی از طرف سازمان بهزیستی کشور هم می باشد.

استاد دوستدار، هم در رشته روانشناسی وهم در رشته موسیقی تحصیل کرده و مسئول موسیقی درمانی سازمان بهزیستی کشور است. او تنها مدرس این رشته در ایران می باشد. قبلا او روش موسیقی درمانی را به مدت پنج سال، در دانشکده علوم توان بخشی و زیر نظر پروفسور عشایری کار می کرد که به دلایلی این فعالیت، متوقف شد ولی حالا دوباره از سر گرفته شده است.

گفت و گویی در مورد فعالیت موسیقی درمانی با استاد دوستدار انجام دادیم که می خوانید.

یک روز در کارگاه موسیقی درمانی؛

گزارشی از کارگاه موسیقی درمانی در دانشکده توان بخشی ایران

بچه ها مفید است، برای والدین هم مسرت بخش و هیجان انگیز است. در این کلاس، علاوه بر بچه ها، به بهداشت روانی خانواده ها هم اهمیت می دهیم. هدف دیگر از حضور والدین این است که آنها می توانند این تمرینات را یاد بگیرند و به طور تفریحی در خانه با بچه ها تمرین کنند. ما در این کلاس از فعالیت های اولیه شروع می کنیم که به تدریج پیشرفت می کنند. مبنای کار ما بر حرکات خواهد بود و با فعالیت هایی که به طور تیمی در اینجا انجام می شود ادامه پیدا می کند. البته خانم دکتر خلف بیگی، اطلاعاتی را در مورد هرمددجو از قبل داده اند و ما با یک پیش فرضی وارد شدیم. بعد از آن برمی گردد به نیازهای مراجعه کننده که با توجه به ارزیابی هایی که انجام می شود، یک برنامه درمانی در راستای آن نیازها برایشان تنظیم می کنیم. این فعالیت ها برای این عزیزان می تواند لذت بخش باشد، چون موسیقی

توان بخشی حدی ندارد و هر چه جلوتر برویم باز هم جایی برای پیشرفت برای افراد وجود دارد

انجام می دهیم، بچه ها را گروه بندی می کنم. گاهی هم لازم است با بعضی از آنها، به طور انفرادی کار شود. بنابراین این افراد به دو دسته انفرادی و گروهی تقسیم می شوند. البته ترجیح ما کار گروهی است، چون فعالیت ها در گروه بهتر جواب می دهد. امیدوارم که این بار بتوانیم با قدرت جلو برویم. در بعضی جلسات از والدین خواهش می کنم در کلاس حضور داشته باشند، چون به غیر از این که این فعالیت برای

از شروع این فعالیت در دوره جدید بگویید: در جلسه اول، شش نفر از بچه های دارای مشکل اوتیسم و فلج مغزی و کم توان ذهنی را داشتیم ولی قرار است در کلاس هایی که در کلینیک کار درمانی برگزار می شود، انواع اختلالات را در حوزه اعصاب و روان و نورولوژی و کودکان استثنایی و کلا افرادی که مخاطب کلینیک های توان بخشی دانشکده هستند را پوشش دهیم. این افراد تا وقتی فعالیت های سازشی آنان شکل بگیرد، به همراه والدین خود در کلاس ها شرکت می کنند ولی بعدا ممکن است لازم نباشد والدین در کلاس حضور داشته باشند. البته هر چه که خانواده ها بیشتر در جریان این فعالیت ها قرار داشته باشند، بهتر می توانند به بچه هایشان کمک کنند. اگر در جریان درمان فرزندان شان باشند، آگاهی آنها نسبت به اهمیت موسیقی درمانی بیشتر می شود.

در ابتدای این فعالیت، از ارزیابی هایی که دانشکده نسبت به این افراد انجام داده، استفاده می کنیم ولی بعد بر مبنای ارزیابی هایی که در طول این دوره



یک هنر است و کمتر کسی را پیدا می‌کنیم که واکنشی نسبت به هنر و خصوصا موسیقی نداشته باشد. کاملاً به اثبات رسیده که موسیقی می‌تواند به عنوان یک وسیله خوب مداخله‌ای در امور توان‌بخشی، شناختی، مهارت‌های رفتاری و اجتماعی تاثیر داشته باشد. ولی مثل همه فعالیت‌های توان‌بخشی، از موسیقی درمانی، انتظار معجزه نداریم ولی کاری است، مستمر و تیمی که باید ادامه پیدا کند.

این دوره‌ها تا چه مدتی انجام می‌شود تا به نتیجه برسید؟

برای توان‌بخشی، نمی‌توان زمان خاصی را معلوم کرد. بسیاری از این بچه‌ها از مدت‌ها قبل در کلاس‌هایی بوده‌اند ولی هنوز هم نیاز هست که باشند. توان‌بخشی حدی ندارد و هرچه جلوتر برویم باز هم جا برای پیشرفت افراد وجود دارد. براساس سیاست‌گذاری سازمان بهزیستی کشور، موسیقی درمانی باید در برنامه روزانه یا هفتگی این افراد قرار بگیرد. نمی‌توان گفت که پس از سه یا چهارماه، شرکت در کلاس موسیقی درمانی، کار تمام می‌شود. البته برای کاهش مشکلات این افراد، درمان‌هایی به صورت کوتاه‌مدت یا بلند مدت برنامه‌ریزی می‌شود. یک سری از نتایج، در کوتاه‌مدت به دست می‌آیند، ولی در بیشتر افراد نیاز است فعالیت‌های بلند مدت، بسته به شرایط هر فرد و نوع درمانی که برایش در نظر گرفته شده، ادامه یابد. قسمت‌هایی در یک نقطه از مغز واقع شده که اعصابشان، خیلی نزدیک به هم هستند و ما می‌توانیم با فعالیت‌های کوتاه‌مدت شاهد پیشرفت‌های سریع در آن باشیم. ولی قسمت‌هایی هم در مغز هستند که از هم فاصله دارند و با فعالیت‌های طولانی، می‌توان رویشان اثر گذاشت. نوع این فعالیت‌ها به مباحث نورولوژی برمی‌گردد.

اطلاع رسانی در مورد این برنامه‌ها از چه طریقی صورت می‌گیرد و چگونه خانواده‌هایی که فرزندان‌شان نیاز به این برنامه‌ها دارند، می‌توانند از وجود این کلاس‌ها با خبر شوند؟
باید به صورت عمومی اطلاع‌رسانی انجام شود که والدین بفهمند علاوه بر درمان‌های کلاسیک موجود، یک سری درمان‌های کمکی هم وجود دارند که موثر هستند. البته یک بچه کم‌توان

در بعضی جلسات از والدین هم خواهش می‌کنم در کلاس حضور داشته باشند، چون به غیر از این که این فعالیت برای بچه‌ها مفید است، برای والدین هم مسرت‌بخش و هیجان‌انگیز است

در این کلاس بچه‌ها با توجه به توانمندی‌هایشان طبقه‌بندی شده‌اند؟
خیر. امروز روز اول بود ولی در ادامه کلاس، بچه‌ها طبقه‌بندی می‌شوند و حتی ممکن است بسته به نیازشان و ارزیابی تیم، به طور انفرادی با آنها کار شود. اما بحثی که در سطح جهانی مطرح است این است که افراد با توانایی‌های مختلف و حتی معلولیت‌ها و نیازهای مختلف، باید در کنار هم قرار گیرند. گرچه در این حالت ادامه کار مشکل است، ولی فایده‌اش برای بچه‌ها خیلی بیشتر خواهد بود. البته تیم درمانی ممکن است تشخیص دهد که برای مدتی لازم است یک نفر را از گروه جدا کنند و یک‌سری از حساسیت‌ها یا توانایی‌ها را تقویت کنند و بعد دوباره او را به گروه برگردانند.

با توجه به تجربیاتی که در این مورد دارید، موسیقی درمانی چه تاثیری می‌تواند بر روی چنین بچه‌هایی داشته باشد؟

هم در حوزه فعالیت خودمان و هم در فعالیت‌هایی که در جهان در حال انجام است، اثر مثبت آن را دیده‌ایم. خوشبختانه ثمرات موسیقی درمانی در ایران مورد توجه قرار گرفته‌است. من مسئول موسیقی درمانی سازمان بهزیستی کشور هستم و قراربراین است که بر مبنای یک طرح کشوری، بسیاری از مراکز روزانه توان‌بخشی در اغلب حوزه‌های معلولیتی، نه تنها اوتیسم و کم‌توانان ذهنی و جسمی حرکتی، حتی سالمندان هم تحت پوشش موسیقی درمانی بروند.

ایران اولین کشوری است که توانست با سرمایه‌گذاری قابل توجهی، این طرح کشوری را اجرایی کند. بنابراین حتما نتایج موسیقی درمانی برای کارشناسان توان‌بخشی ثابت شده که دولت این هزینه را متقبل شده‌است.

موسیقی درمانی بر روی انواع معلولیت‌های اعصاب و روان، کم‌توان ذهنی و جسمی حرکتی و حتی سالمندان برای پیشگیری از آلزایمر تاثیر داشته‌است. حتی بر بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص در کاهش درد و عوارض بیماری و ایجاد روحیه مثبت، تاثیر داشته‌است. هر وقت شادی ایجاد شود، مقاومت بدن در مقابل بیماری بیشتر می‌شود. حتی دیده شده که موسیقی درمانی در جذب دارو اثرگذار است و مصرف دارو را کاهش می‌دهد. موسیقی نقش بسیاری در توان‌بخشی افراد دارای هر نوع معلولیت ایفا میکند و باید به آن توجه خاصی شود.

ذهنی با شرکت در این کلاس، خوب نمی‌شود ولی تاثیراتی که موسیقی بر جسم و روان او می‌گذارد را می‌توان از طریق انعطاف‌پذیری مغز او گسترش داد. اصلاً توان‌بخشی بر همین اساس نام‌گذاری شده‌است. در بعضی از طیف‌های بیماری یا گروه‌های درمانی، تاثیر موسیقی به عنوان درمان شناخته شده‌است. مثلاً در یکی از دستورالعمل‌ها آمده که موسیقی برای بیماران اوتیسم، توان‌بخشی نیست، درمان است و مانند دارو، اثر بخشی دارد. به همین دلیل در مواردی، لفظ درمان را به کار می‌بریم و در مواردی هم این لفظ را به کار نمی‌بریم.

آیا بچه‌ها در این کلاس تشویق می‌شوند که سازی را هم یاد می‌گیرند؟

در این کلاس، روی ساز زدن تمرکز نداریم. هدف موسیقی در توان‌بخشی، با دیدگاه موسیقی صرف متفاوت است. البته بچه‌ها ممکن است یک جاهایی وارد این بخش هم بشوند. مثلاً چون ما روی حافظه یا تطابق چشم و دست کار می‌کنیم، ممکن است برای تقویت آن، از یک سری وسایل موسیقایی هم استفاده کنیم، ولی هدف ما آموزش موسیقی به بچه‌ها نیست. ممکن است بچه‌ها نواختن آهنگ را هم یاد بگیرند، ولی فعلاً ما ساز خاصی را به آنها آموزش نمی‌دهیم. کار با این بچه‌ها بسیار تخصصی است و باید برایش برنامه‌ریزی دقیقی انجام شود. متأسفانه این اشتباه گاهی توسط افرادی که آشنایی به حوزه کار توان‌بخشی ندارند و فقط موسیقی صرف را می‌دانند، انجام می‌شود.



هنر معلولیتی

علل و عوامل پیشرفت و پسرفت

محمد نوری
(مدیرعامل دفتر فرهنگ معلولین)

این مقاله درصدد است از همین زاویه به هنر معلولان بپردازد و جنبه‌هایی که مورد غفلت قرار گرفته یا کمتر به آن پرداخته شده را معرفی کند و علل و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت افراد دارای معلولیت در عرصه هنر را کشف و معرفی نماید. تجربه نشان می‌دهد که صرف فعالیت‌های هنری افراد دارای معلولیت، در پیشرفت آنها کافی نیست و نیاز به اقداماتی در پشتیبانی، اطلاع‌رسانی، و بسترسازی در جامعه دارد.

مقاله حاضر در پی کشف علل و عواملی است که در موفقیت معلولان هنرمند یا عدم موفقیت آنها اثرگذارند. این مقاله می‌خواهد با بررسی فرایند کلی جریان هنری معلولان، به مشکلات و آسیب‌ها، نقاط قوت و عوامل محرک این حوزه را شناسایی و معرفی کند.

این مقاله به چهار مبحث می‌پردازد:

- دامنه و گستره هنر معلولیتی

- فرهنگ هنر و هنرمندان

- اقتصاد هنری

- آسیب‌شناسی

این مباحث، هر کدام بیان‌کننده بخشی از هنر معلولیتی است. در هر مبحث نشان می‌دهیم که پیشرفت یا عقب رفت هنر معلولیتی چگونه است و تابع چه متغیرهایی می‌باشد.

افراد دارای معلولیت، کارنامه قطور و حجیمی در عرصه انواع هنرها از خود به جای گذاشته‌اند. هم‌اکنون، هر ماه فیلم‌ها، سریال‌ها، تابلوهای نقاشی و رمان‌ها و دیگر آثار هنری از طرف افراد دارای معلولیت تولید و عرضه می‌شود. هنر به معنای عام، فرآورده‌های متکی بر تخیل و ابتکار است که توانایی‌های این افراد انطباق دارد و در کشورهای مختلف با شتاب پیش می‌رود.

برای مثال در ایران هر ماه، انواع محصولات هنری از داستان، رمان، مجموعه‌های شعر، تابلوهای نقاشی، معرق، منبت گرفته تا هنرهای مثل؛ تئاتر و فیلم که توسط نابینایان، ناشنوایان، افراد دارای اوتیسم یا افراد دارای معلولیت جسمی - حرکتی و حتی ذهنی و ... تولید می‌شود، به جامعه عرضه می‌شود. کشورهای دیگر هم کمابیش همین کارنامه را دارند. اما متأسفانه درباره موفقیت یا عدم موفقیت این فعالیت‌ها، پژوهش‌های قابل تکیه‌ای انجام شده‌است. پژوهشگران، این فعالیت‌ها را کمتر رسد کرده و به آسیب‌شناسی و کشف نقاط قوت و ضعف آنها نپرداخته‌اند.

به هر حال واقعیت انکارناپذیری به نام هنر معلولیتی، یعنی آثار و فرآورده‌های هنری که معلولان پدید آورده‌اند، وجود دارد. اما در کنار آن، «فلسفه هنر معلولیتی» هم باید شکل بگیرد. فلسفه هر علم معمولاً به تاریخ، جامعه‌شناسی، روش‌شناسی و منابع آن علم می‌پردازد. فلسفه هنر معلولان هم باید این جنبه‌ها را بررسی کند.



دامنه و گستره

در جهان و در ملل مختلف، رشته‌های پارالمپیک، «فیزیوتراپی» و «آموزش و پرورش استثنایی» به عنوان رشته‌های ویژه ورزش، پزشکی و فرهنگ‌آموزی معلولان جا افتاده است. اینها حوزه‌های مستقلی هستند که برای افراد دارای معلولیت تعریف شده‌اند. اما رشته‌هایی هم هستند که هنوز برای این افراد تعریف و فراگیر نشده‌اند؛ مثل جهانگردی معلولیتی^۱ هنر معلولیتی و فرهنگ معلولیتی.^۲

هنر معلولیتی از نظر قدمت و از نظر فراگیری قابل توجه هستند به عنوان نمونه، کسانی مثل رودکی (نام کامل او ابوعبدالله جعفر فرزند محمد درگذشت ۳۳۰ ق) که در سمرقند و در دوره سامانیان می‌زیست. او مادرزاد نابینا بود^۳ ولی با تلاش و کوشش بسیار توانست در هنرهای شعر و شاعری، چنگ‌نوازی و خوانندگی پیشرفت‌های قابل توجهی داشته‌باشد و در این هنرها، نوآوری‌ها و ابداعات مهمی داشته‌باشد. غیر از رودکی در طول تاریخ افراد بسیاری بوده‌اند که به رغم معلولیت، هنرمند بوده‌اند. برخی از هنرمندان معلول ایرانی را معرفی می‌کنم:

نورعلی خانه برومند (۱۲۸۵-۱۳۵۵) نابینا و موسیقی‌دان، پری زنگنه (متولد ۱۳۱۸) نابینا و موسیقی‌دان، خانم زنگنه در هنر گل‌آرایی علمی و عملی هم کار کرده و صاحب سبک است. ایشان در سال ۱۳۳۴ کتابی با عنوان هنر تزئین گل منتشر کرد. همین اثر چند بار دیگر تا سال ۱۳۵۶ منتشر شده و با استقبال فراوان مواجه گردید. مقدمه‌ای که خودش بر این کتاب نوشته بسیار عالمانه و زیبا است. به رغم این که ایشان در این رشته هنری پیشقراول و پیشتاز است، ولی در دو سه دهه اخیر مغفول واقع شد و به هنرش توجهی نشد.

بتول عباسی (۱۲۸۳-۱۳۶۳) موسیقی‌دان برجسته و دارای معلولیت جسمی - حرکتی. ملک‌جان نعمت‌الهی، نابینا و موسیقی‌دان، محمد کمال‌الملک غفاری (متولد ۱۲۶۴) نابینا از یک چشم و نقاش برجسته، فریدا کاکو (متولد ۱۹۰۷ م) دارای معلولیت جسمی حرکتی و نقاش، بنت خداوردی (متولد ۱۳۲۴ ق)، نقص عضو و خوشنویس؛ قاراخان‌یان (متولد ۱۲۳۹) نابینا و متبحر و مشهور در عکاسی، میرزا رضا کلهر، کم‌بینا و خوشنویس. بسیار دیگر از معلولان هم بوده‌اند که در انواع هنرهایی چون قالی‌بافی، شاعری، نوازندگی، خوانندگی، مرثیه‌سرایی و مداحی، نقاشی و طراحی، عکاسی، گل‌آرایی، سفره‌آرایی، مجسمه‌سازی، فیلم، تئاتر، رمان و داستان فعالیت داشته و کارنامه آنها در این رشته‌ها بسیار مطلوب است.^۴

گستره و دامنه آن علم است. با مشخص شدن گستره هر علم و حرفه، محتوای آن معرفی خواهد شد و از این طریق می‌توان به تعریف آن رسید. بنابراین هنر معلولیتی را از طریق محتوای آن می‌توان شناخت. با مراجعه به تاریخچه هنری هنرمندان دارای معلولیت، معلوم شد که این افراد در رشته‌های هنری بسیاری فعال بوده و تولیدات قابل قبولی داشته‌اند. با جستجو در کارنامه هنرمندان ایرانی، خاورمیانه و نهایتاً جهان اسلام، رشته‌های هنری آنها را به دست آوردم. این رشته‌ها ذیلاً معرفی می‌شوند و گویای هنر معلولیتی در ایران و منطقه است. با جستجو در رشته‌های هنری که هنرمندان دارای معلولیت در اروپا، آمریکا و آفریقای غیر مسلمان به آن معروفند، می‌توان این رشته‌ها را در ایران هم توسعه داد.

هنرهای نمایشی

تئاتر، فیلم، سینما، سریال، عروسک بازی، سیاه بازی

هنرهای گفتاری شنیداری

موسیقی، آواز، خوانندگی، مرثیه سرایی، مداحی، نوازندگی

هنرهای ادبی

نمایشنامه نویسی، فیلم نامه، نثر، تکلمه، شعر، داستان، رمان

هنرهای ترسیمی

نقاشی، خطاطی، عکاسی، کاربکتور، گرافیک، طراحی، نقشه‌کشی، فرش، طراحی پارچه، طراحی لباس

هنرهای کامپیوتری

صفحه‌آرایی، طراحی

هنرهای حجمی

مجسمه‌سازی، شیشه‌گری، معماری، گل‌آرایی، سفره‌آرایی، ماشین‌آرایی، خانه‌آرایی، دکوراسیون، فرش، مرمت، موزه‌داری

هنرهای صنعتی

طراحی خودرو، زیباسازی کارخانه، زیباسازی اماکن تولیدی

صنایع دستی

مینیاتور، قالی‌بافی، گلیم بافی، مشبک، معرق، کاشی‌سازی

معلولان در رشته‌های هنری فوق‌فعالیته داشته و آثاری را خلق کرده‌اند، بر این اساس می‌توان گفت که هنر معلولیتی، دانش و حرفه‌ای است که شامل این رشته‌ها می‌شوند. البته اینها همه رشته‌های هنری نیست که معلولان در آن وارد شده‌اند و لازم است با جستجوی گسترده همه رشته‌ها را جمع‌آوری و به صورت علمی طبقه‌بندی نمود. نکته دیگر این که هر یک از این رشته‌ها، چندین شاخه دارند که در این مقاله به آن پرداخته نشده‌است.

یکی از فواید دیگر گستره هنرهای معلولیتی اینست که می‌توان به صورت موردی به موفقیت‌های معلولان در هر کدام از آنها پرداخت. زیرا یافتن موفقیت‌ها یا شکست‌های معلولان در عرصه هنر و آسیب‌شناسی و تصمیم‌گیری برای برنامه‌ریزی در جهت بهبود هنر معلولان، منوط به این است که گستره و محدوده هنر معلولان مشخص گردد و معلوم شود که آنها در چه هنرهایی فعالیت داشته و در چه هنرهایی فعالیت نداشته‌اند.

در کشورهای اروپایی و حتی در ژاپن، گستره فعالیت هنری افراد

پلان و طبقه‌بندی

متأسفانه فرهنگنامه معلولان فاقد اصطلاحنامه، طبقه‌بندی حرفه‌ای و به تبع آن، فاقد طبقه‌بندی هنری است. اصطلاحنامه‌ها در هر فرهنگنامه، چندین فایده دارد: یکی از فواید آن نشان دادن

- 1- ParaTour
- 2- ParaCulture.

۳. کتاب‌های مرجعی مثل دانشنامه دانش‌گستر نوشته‌اند او در دوره پیری نابینا شد ولی تحقیقات جامعی در تاجیکستان و آسیای میانه انجام شده و نشان می‌دهد او مادرزاد نابینا بوده است. (دانش‌گستر، ج ۸، ص ۷۷۵؛ یک بیت پریزان، ص ۴۴۳ به بعد؛ رودکی سرآمد شاعران فارسی، جاهای مختلف)

۴. اطلاعات دقیق درباره هنرمندان دارای معلولیت در بانک جامع اطلاعات معلولان و نیز در کتاب دانشنامه ناشنوایان و کتاب دایرةالمعارف نوابغ و مشاهیر معلول ایران و جهان، آمده است.



دارای معلولیت را روی نقشه جغرافیایی ثبت کرده‌اند. این در حالیست که در ایران هنوز نمی‌دانیم افراد دارای معلولیت در کدام رشته‌های هنری فعالند و چه کارنامه‌ای دارند؟ تا وقتی پلان جامعی برای هنر معلولیتی به دست نیاید، نمی‌توان اقدامات بعدی را انجام داد.

هنر معلولیتی از نظر کارایی و تأثیرش در کل جامعه و در جامعه هدف، دارای وجوه سه‌گانه زیر است:

وجوه کارایی

۱- هنر درمانی: هنر معلولیتی می‌تواند نقش درمانی ایفا کند. به تجربه ثابت شده که هنر معلولیتی در رهایی افراد دارای معلولیت از افسردگی و انواع بیماری‌های روحی - روانی بسیار مؤثر است. کارهنری یا هنرورزی، در افزایش توانایی‌های افراد دارای معلولیت هم بسیار مؤثر است. معلولیت، به معنای مختل شدن توانایی جسمی یا روحی یا ذهنی یا اجتماعی است. توان بخشی به روش‌های مختلف این اختلال‌ها را سامان‌دهی می‌کند و قوای تحلیل رفته و از کار افتاده فرد را بازسازی کرده و او را مجدداً در چرخه فعالیت قرار می‌دهد. آرت تراپی^۱ دارای ابعاد وسیعی است. درباره ابعاد درمانی و توان بخشی هنر، آثار فراوانی به زبان‌های مختلف تألیف و عرضه شده‌است.

۲- هویت بخشی: هنر معلولیتی می‌تواند در هویت بخشی و تثبیت جامعه هدف نقش ایفا کند. رمان، نقاشی یا فیلمی که درباره یک فرد فاقد بینایی ساخته می‌شود؛ در واقع ضعف‌ها و قوت‌های او را بیان می‌کند. مهم این‌که توانایی‌های او را به مردم و به جهان معرفی کرده و حتی او را به نسل‌های آتی هم معرفی می‌کند. با اطلاع‌رسانی در مورد توانایی‌های افراد دارای معلولیت به جامعه می‌توان در تثبیت هویت آنها کمک کرد.

۳- درآمدزایی: سومین جنبه پارآرت، جنبه اقتصادی و درآمدزایی آن است. هنر برای معلولان می‌تواند یک منبع کسب و کار و درآمد باشد. سینمای معلولیتی در جهان به لحاظ اقتصادی دارای گردش مالی قابل توجه است.

هر یک از این سه جنبه، نیازمند بررسی‌های مفصل است. زیرا دارای ابعاد پیچیده و تودرتو می‌باشد. البته اینجا و در این مقاله نمی‌خواهم به تفصیل به این وجوه بپردازم و فقط درصد معرفی کلی آنها بودم.

در ایران در وجه اول، یعنی در هنر درمانی، تا اندازه‌ای کار شده ولی درباره دو وجه دیگر، پژوهش و تألیف به اندازه کافی انجام نشده‌است.

آمار و سنجش کمی

کمی‌سازی و استفاده از اعداد و ارقام در پیشرفت مؤثر است. بر این اساس، هنر معلولیتی وقتی در مسیر ترقی و پیشرفت قرار می‌گیرد که بتوان ابعاد آن را با آمار و شاخص‌های کمی و عددی نشان داد. اما کمیت و کمی شدن فرایندها و تولیدات هنری آن هم در هنر معلولیتی تاکنون مغفول بوده‌است. به همین دلیل آمار معلولان فعال در عرصه هنر را نداریم و نمی‌دانیم در هر یک از هنرها چند هنرمند دارای معلولیت فعالیت می‌نمایند؟ موارد مهمی که هنوز نداریم عبارت‌اند از:

- آمار فیلم‌هایی که سوژه آنها درباره معلولیت است
- آمار فیلم‌هایی که شخصیت دارای معلولیت در آن ایفای نقش کرده

- آمار درآمد معلولان از فیلم‌های تولید شده
- آمار مراکز فعال در عرصه هنر معلولیتی
- آمار درآمد معلولان در صنایع دستی
- آمار جشنواره‌ها و رخدادهای فرهنگی در حوزه هنر معلولیتی
- آمار معلولان هنرمند روستایی و شهری
- آمار درآمد معلولان نوازنده و موسیقی کار

و ده‌ها نداریم دیگر هست که اگر داشتیم و اگر اطلاعاتشان در اختیارمان بود، می‌توانستیم بهتر در این مورد تصمیم‌گیری کنیم. در کشوری مثل آمریکا، هر آماري درباره معلولان هنرمند درخواست شود؛ ظرف یکی دو دقیقه می‌توان به آن دست یافت و معلوم است که چه کارهایی انجام شده و معلولان در چه بخش‌های هنری کار نکرده یا ضعیف کار کرده‌اند. بر اساس این اطلاعات، راحت‌تر و واقعی‌تر می‌توانند تصمیم بگیرند.

به عنوان نمونه من درباره فیلم‌های معلولیتی یعنی فیلم‌هایی که به موضوع معلولیت پرداخته یا شخصیت معلول در آن ایفای نقش کرده، ساعت‌ها مطالعه کردم و توانستم اطلاعات خوبی به دست آورم، البته در جنبه‌هایی هم نتوانستم اطلاعات به دست آورم.

گزارش این مطالعه آماری را به عنوان یک نمونه ارائه می‌کنم تا معلوم شود که برای سنجش آماری، باید بیشتر تلاش کنیم.

بر اساس اطلاعات منتشر شده درباره فیلم‌های سینمایی، معلوم شد که اولین فیلم سینمایی با سوژه معلولیت، در سال ۱۳۴۱ تولید و اکران شده‌است. این فیلم با نام «گل گمشده» و به کارگردانی عباس شباویز ساخته شد. داستان آن، درباره دختری به نام گلی است که همراه خانواده در روستا زندگی می‌کرد. در کنار روستا بر اثر انفجار کوه، گلی شدیداً ترسیده و گویایی‌اش را از دست داد. این فیلم به عنوان نخستین فیلم سینمایی در ایران، جذابیت خاصی دارد و نسبتاً خوش ساخت است. اما اطلاعات آماری دیگری مثل؛ درآمد این فیلم، آمار بازدیدکنندگان و ... به دست نیامد.

در سال ۱۳۴۴ هم دو فیلم سینمایی با موضوع معلولیت تولید شد که یکی از آنها، فیلم «در دنیا بیگانه بودم» به کارگردانی نادر بیات و دومی فیلم «سه کارآگاه خصوصی» به کارگردانی محمد متوسلانی بود. در سال ۱۳۵۲ فیلم نعمت نفتی، با هنرپیشگی، نعمت‌اله آغاسی تولید و در سینما به نمایش درآمد. این فیلم با استقبال خوبی مواجه شد.

در سال ۱۳۵۵، فیلم «باغ سنگی» به کارگردانی پرویز کیمیایی ساخته شد.

در سال ۱۳۶۳ فیلم «صف» به کارگردانی علی اصغر عسگریان، در سال ۶۳ فیلم «گل‌های داودی» به کارگردانی رسول صدر عاملی، در سال ۱۳۶۵ فیلم دستفروش به کارگردانی محسن مخملباف، در سال ۱۳۶۵ فیلم «رابطه» به کارگردانی پوران درخشنده، در سال ۱۳۶۵ فیلم «گلپه‌زار»، در سال ۱۳۶۶ فیلم «مسافران مهتاب» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده و در سال ۱۳۶۶ فیلم «یاد و دیدار» تولید شدند.^۲

اینها مهم‌ترین فیلم‌های ایرانی هستند که دست‌مایه‌هایی با موضوع معلولیت داشتند. آمارهایی مثل سال تولید و نمایش و محتوای فیلم که مثلاً درباره نابینایان یا ناشنویان است را می‌توان به دست آورد، ولی دیگر اطلاعات آماری موجود نیست و نیاز به مطالعات وسیع دارند. در صورتی که اطلاعات کافی آماری درباره انواع فیلم‌های نسل اول و دوم داشتیم، تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی برای فیلم‌های آینده، آسان‌تر بود. درباره درآمد افراد دارای معلولیت از نقاشی‌هایی که می‌کشند و می‌فروشدند و درباره تولیدات آنها در عرصه‌های مثل معرق و دیگر

۲. این اطلاعات بر اساس کتاب راهنمای فیلم معلولیتی به دست آمده است.

1 - ArtTrapy



هنر درمانی

هنرهای دستی، درباره داستان‌ها و رمان‌هایی که می‌نویسند و منتشر می‌کنند، آماری در دست نیست و تا وقتی که اطلاعات در این زمینه‌ها به اندازه کافی نباشد، نمی‌توان به برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری درست دست یافت.

در مبحث کارآیی هنر معلولیتی، به سه جنبه از آن اشاره شد که یکی از آنها، هنر درمانی یا هنر تراپی است. به دلیل اینکه هنر تراپی، در «گستره هنر معلولیتی» جایگاه مهمی دارد، به

توضیح آن می‌پردازم.

تا اواسط قرن نوزدهم در اروپا، افرادی که معلولیت داشتند باید جدا از جامعه بودند. در عهد باستان معلولان به دلیل شوم و بدیمن و شیطانی بودن، محکوم به مرگ و نابودی بودند. بعدها که خواستند به آنان لطفی کرده‌باشند آنان را در مراکز و اماکن خاص نگهداری می‌کردند و حداکثر به آنها یک وعده غذای اندک با داروهایی مثل مسکن‌ها و مخدرها برای خواباندن آنها تجویز می‌کردند.

از اواسط قرن نوزدهم متوجه شدند که این افراد هم مثل دیگر انسان‌ها، عواطف و احساسات و نیازهای انسانی دارند و با تربیت صحیح، می‌توانند به نیروهای کارآمد و خلاق تبدیل شوند که وجودشان برای جامعه سودمند است. از این‌رو شروع به آموزش و پرورش معلولان کردند و نیز به سراغ راه کارهایی برای رفع مشکلات و کاهش معلولیت آنها کردند.

کم‌کم دانستند برای درمان، فقط راه کارهای پزشکی مشکل را رفع نمی‌کند، راه کارهای دیگری هم هست که گاه از نسخه‌های پزشکی مفیدترند. به همین دلیل به سراغ ورزش درمانی، هنر درمانی، آبدرمانی و تغذیه درمانی رفتند.

که عوارض کمتری هم داشته باشد. اما در ایران مراکز توان‌بخشی و سازمان بهزیستی با اینکه به اثرات هنر درمانی و موارد مشابه اذعان نموده‌اند، ولی هنوز در این زمینه اقدامات اساسی نداشته و اقدامات عملی انجام نداده‌اند.

البته نخبگان و بخش‌های مردمی اقداماتی را توان‌بخشی شروع کرده‌اند. برای نمونه مرکز نوید است که به آموزش و توان‌بخشی دختران و پسران آموزش‌پذیر زیر پانزده سال می‌پردازد. این مرکز با استفاده از نقاشی، موسیقی، تئاتر و هنر درمانی، برای توان‌بخشی بچه‌های دارای معلولیت، استفاده می‌کنند. مسئول این مرکز در گزارشی گفته است: هنر درمانی، ذهن کودکان دارای معلولیت را فعال ساخته و نیز آنان را تحریک می‌کند تا از گوشه‌گیری و کناره‌گیری فاصله گرفته و به دوست‌یابی و تحرک بیشتر تشویق شوند.^۱

گاه ورود هنر به عرصه توان‌بخشی را به یک انقلاب و تحول بزرگ تشبیه کرده‌اند، زیرا هنر می‌تواند از عضلات و ماهیچه‌ها تا ذهن و فعالیت‌های درون مغز معلولان را فعال سازد. کودکان دارای معلولیت، با هنر نمایشی و نقاشی متوجه مسئولیت‌های اجتماعی خود شده و به سوی جامعه‌پذیری سوق داده می‌شوند.^۲

صدیقه بختیاری شهری، درباره نقش هنر در بهبود سلامتی و مهارت افزایی و افزایش کارکردهای مثبت فردی و اجتماعی افراد دارای معلولیت تحقیقات وسیعی انجام داده و مقالاتی منتشر کرده‌است. وی در مقاله‌ای فرایند تأثیر هنر در اصلاح امور معلولان ذهنی را توضیح داده و می‌گوید: هنر به آنان کمک می‌کند تا در زمینه‌های خودشناسی،

۱. سایت ایرنا، ۱۳ آذر ۱۳۹۸، «هنر درمانی ذهن معلول رافع‌ال و پویا می‌کند» نوشته عذرا اسدی.

۲. سایت آموزشگاه ادنو، ۷ بهمن ماه ۱۳۹۵.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رابطه و تعامل با دیگران بهتر فکر کنند و درست‌تر عمل نمایند. هنر اهمیت بسیار زیادی در یادگیری کودک در فرایندهای خواندن، نوشتن و ریاضیات دارد. از نظر خانم بختیاری، هر یک از هنرهای ریتمیک، عروسک نمایشی، قصه‌گویی، موسیقی، نقاشی و سفالگری نقش ویژه در زندگی و بهبود شرایط کودک معلول دارد.^۳

اوتیسم از معلولیت‌های پیچیده است که هنوز همه ابعاد آن کشف نشده و دارو خاصی برای آن تجویز نمی‌شود. ولی کارشناسان اوتیسم با آزمون و خطا کشف کرده‌اند که هنرهایی مثل نمایش عروسکی و سرودخوانی جمعی در رشد و بهبود رفتارهایشان مؤثر است. مطلبی از دکتر فرید مفیدی در روزنامه همشهری در این باره منتشر شد که جالب است.^۴

به هر حال هنر تراپی در سرگرمی و رهایی آنان از افسردگی، در فرهنگ‌سازی و توسعه دامنه اطلاعات و بصیرت آنان، در اخلاق‌سازی و به کار گرفتن الگوهای اخلاقی مطلوب، در توجه به توان‌مندی‌ها و شکوفا شدن اعتماد به نفس در درون آنها و در حل بسیاری از مشکلات معلولان روش مؤثری بوده است.^۵

آسیب شناسی

معلولان به عنوان یک اقلیت بزرگ اجتماعی، تاریخ پرحادثه‌ای را پشت سر گذاشته‌اند. قرن‌ها در غرب، معلولیت، نقص عضو، فلج، نابینایی و ناشنوایی را نشانه قهر و غضب خداوند می‌دانستند.

معلولیت محصول رسوخ و نفوذ شیطان یا نزدیکی شیطان بود. بنابراین معلولان با مذهب و الهیات سنخیت نداشتند. به همین دلیل از معلولان در هنر کلیسا استفاده نمی‌شد و آوردن آنان در برنامه‌های مذهبی ممنوع بود.

با شروع رنسانس و طرح اومانیزم و انسان‌گرایی به جای دیانت، نهادهایی پدید آمدند که به دفاع از معلولان برخاستند و اولین بار در سده ۱۵م این نهادها تأسیس شدند. اما آنها نمی‌دانستند یا نمی‌توانستند از معلولان در هنر استفاده کنند؛ فقط گاه در سیرک‌ها، شعبده‌بازی‌ها و نمایش‌های خیابانی از آنان برای خندانند و تفریح مردم استفاده می‌کردند. در واقع در این نمایش‌ها با تحقیر و حرکت‌های غیر انسانی، موجب سرگرمی و تفریح بینندگان می‌شود.

از سده ۱۵م نوانخانه‌ها، یتیم‌خانه‌ها و دارالمجانین برای معلولین ایجاد شد. بعدها در همین مراکز به آنها مهارت و هنر را هم یاد می‌دادند. البته نه با هدف هنر درمانی و مهارت افزایی و ارتقای شخصیت، بلکه در جهت مخالف این فرایندها. برای آماده کردن آنان برای نمایش در سیرک‌ها و شعبده‌بازی‌ها به منظور استفاده ابزاری از آنان و تأمین شادی و تفریح مردم با آنان.^۶

انقلاب صنعتی در اروپا و پیدایش شرایط جدید، موجب شد تا معلولان به دوره جدیدی قدم گذارند. این دوره هم آسیب‌های خاص خودش را داشت.^۷

از سده نوزدهم میلادی با سیطره پزشکی بر جامعه معلولان، شرایط سخت دیگری بر آنان تحمیل شد؛ زیرا از آنها می‌خواستند که باید مثل مردم عادی، زندگی کنند و اگر نمی‌توانستند، خود به خود

۳. «هنر ابزار عالی آموزش»، همدم، ص ۴۸-۵۱.

۴. «مرزشکنی‌های هنرمندان»، روزنامه همشهری، ۱۳۹۶

۵. نگاه کنید به مقاله هنر درمانی، مجله آوای رسا، ش ۹۴، ص ۳

۶. مقاله معلولیت و معلولان، بابک نصیری از سایت دوپچهوله.

۷. همان



از گردونه حذف می‌شدند. چون قانون بقای اصلح، فقط تداوم زندگی را برای کسانی که با شرایط سازگاری پیدا می‌کردند، تأمین می‌نمود. هنر معلولان هم در همین راستا شکل گرفت. تا رسیدیم به دوره پست مدرن که با نقد دوره مدرن، تلاش کردند شرایط انسانی‌تر و بر اساس مقتضیات فکری، فرهنگی، حقوقی و زیستی خود معلولان برایشان برنامه‌ریزی کنند. هنر این دوره معلولان هم کاملاً با گذشته متفاوت شده است.

خلاصه اینکه معلولان در یک فرایند و سیر چند هزار ساله گذر کرده و در هر دوره شرایط خاص خود را داشتند. هنر معلولیتی هم در هر دوره ویژگی‌های خاص خود را داشت و از نظر آسیب‌شناسی هم هر دوره، موانع و مشکلات ویژه خود را داشت.^۱

در این مبحث به آسیب‌هایی که هنر معلولیتی در ایران و دوره معاصر از آنها رنج می‌برد می‌پردازم و درصدد نیستم همه آسیب‌ها در همه جوامع و در همه دوره‌ها را بررسی کنم. این موضوعی پرحاشیه است و نیاز به بررسی‌های مفصل دارد.

آسیب‌هایی که به آنها خواهیم پرداخت در واقع علل و عوامل عقب‌ماندگی و پسرفت معلولان در عرصه‌های مختلف از جامعه در زمینه هنر معلولیتی است. ذیل بررسی هر آسیب، به راه کارهای رفع آن آسیب و رهایی از آن هم می‌پردازم.

یک نکته مهم که باید تذکر دهم این است که در این مبحث نمی‌خواهم ابعاد هر آسیب را به صورت کامل و جامع بررسی کنم و پیامدهای آن را تحلیل کنم. بلکه فقط درصدد هستم به ابعاد مهم در آسیب‌های مهم اشاره کنم و کارکرد هر یک را به اختصار بررسی نمایم.

عدم پذیرش

در ایران افراد دارای معلولیت از یک مشکل اساسی در سطح ملی رنج می‌برند و آن عدم پذیرش آنان در عرصه‌های مختلف است. برخلاف کشورهای اروپایی که زیرساخت‌های حقوقی و اداری را به گونه‌ای سامان‌دهی کرده که معلول از آغاز تولد یا از شروع معلولیت، در هر مرحله از زندگی پذیرش می‌شود و همچون یک انسان با او رفتار می‌شود.

ممکن است افرادی از عدم پذیرش معلولان در ایران تعجب کنند ولی من برای اثبات سخنم، نمونه‌هایی می‌آورم:

۱- حوزه علمیه قم ورود افراد دارای معلولیت را حتی اگر فقط یک دست یا یک پایش بر اثر فلج اطفال، مشکل داشته‌باشد ممنوع کرده‌است. البته منظور، معلولان غیر جنگ است. جانبازان جنگی، مدرسه و حقوق ماهانه دارند و کاملاً در نظام حوزه پذیرش شده‌اند. اما معلولان مادرزاد و معلول بر اثر حادثه، بر اساس مصوبه شورای عالی سیاست‌گذاری حوزه حق ورود ندارند.

۲- وزارت فرهنگ و ارشاد، نهادی ویژه کتاب تأسیس کرده به نام خانه کتاب و این نهاد برای کتاب دانشجویی، کتاب کارگری و برای مورخین، فلاسفه، ادبا، مجله ویژه دارد. اما کتاب‌های مربوط به معلولیت، اعم از بریل و گویا و اشاره را تاکنون به رسمیت نشناخته و مجله‌ای برای معلولان ندارد. نظام کتابخانه‌ها و کتابداری بر عهده خانه کتاب است، اما با

۱. درباره تاریخ تحولات معلولان، کتب و مقالات بسیار تألیف و عرضه شده است، البته به انگلیسی و عربی. اما در ایران و به فارسی، در زمینه تاریخ نگاری معلولین کاری جامع نشده است. مگر آثار کم حجم و ناقص مثل مقاله معلولیت و معلولان در سایت دویچه‌پوله و چند اثر که دفتر فرهنگ معلولین منتشر کرده است.

مراجعه به سایت یا به کارنامه نشر، درختواره‌ای برای سامان‌دهی به رده‌بندی کتب معلولیتی نمی‌یابیم.

در بخش کتب بینایی و ویژه معلولیت‌ها و معلولان، مدخل‌های شناسایی را در نظام درختواره خود وارد نکرده‌اند و به رغم تذکرات بسیار، هنوز کتاب‌ها و آثار فکری معلولان به رسمیت شناخته نشده‌اند. در وزارتخانه ارشاد، حوزه معلولیت و معلولان غایب‌اند. مثلاً در معاونت قرآن و عترت، غیر از مسابقه قرآنی نابینایان که از قدیم بوده‌است، ولی ناشنوایان یا حرکتی‌ها یا اوتیسمی‌ها جایگاهی ندارند و در آیین‌نامه‌ها به رسمیت شناخته نشده‌اند.

۳- در معاونت مطبوعاتی هم، رده‌ای برای نشریات معلولیتی تعریف نشده و این قشر به رسمیت شناخته نشده‌اند.

۴- در سازمان اوقاف، به شیوه‌های مختلف معلولان غایب‌اند. یعنی اگر مردم موقوفاتی به هدف معلولان وقف کرده‌باشند، دیده نشده که منافع و ثمرات این موقوفات به معلولان داده شده باشد.

۵- در هنر هم به صورت‌های مختلف معلولان پذیرش نمی‌شوند. مثلاً تولیدات و آثار آنها در جشنواره‌ها شرکت داده نمی‌شود و جایگاهی در موسیقی فجر و فیلم فجر برای آنان منظور نشده‌است.

فقدان ساز و کار برای پذیرش هنرمندان دارای معلولیت، یکی از آسیب‌های مهم و اساسی در ایران معاصر است. عدم پذیرش، دامنه گسترده دارد و شامل فرایندهای زیر می‌شود:

- اجازه ورود ندادن
- در اسناد و مدارک مثل آیین‌نامه‌ها، حقوقی برای معلولان منظور نشده تا با اتکا به آن بتوانند، وارد شوند.

- اجازه ورود داده می‌شود ولی بدون تابلوی معلولیت؛ یعنی اثر هنری که توسط یک فرد دارای معلولیت خلق شده، اجازه ورود پیدا می‌کند ولی در شناسنامه آن، به معلولیت خالق اثر یا به محتوای معلولیتی خود اثر اشاره نمی‌شود.

- خود سانسوری، یعنی شرایط را به گونه‌ای آماده می‌کنند که تولیدکننده خودش از معرفی جنبه معلولیتی اثرش امتناع می‌کند. علل و عواملی که منجر به عدم پذیرش این افراد می‌شود، متعدد و متنوع‌اند. به برخی از آنها اشاره می‌کنم:

- ضعف فرهنگی؛ طرز فکری هست که به افراد غیر معلول امتیاز و برتری می‌دهد ولی معلولان را تضعیف می‌کند. این اندیشه در همه اقشار تأثیر گذاشته و جوی فراهم آمده که تولیدکنندگان دارای معلولیت از معرفی خودشان یا اثرشان اکراه دارند. معلولیت را موجب کسر شأن و نداشتن پرستیژ اجتماعی دانسته و از مطرح شدن آن امتناع و ابا دارند. این شرایط به گونه‌ای شده که حتی خانواده‌هایی که فرزند معلول دارند، سعی در مخفی کردن آن کرده و مشکلاتی برای کودکان معلول خود فراهم می‌آورند.

خوشبختانه در سال‌های اخیر، افرادی این فضا را شکسته‌اند و با شجاعت به معلولیت خود یا فرزند خود یا تولید خود اذعان نموده و به صراحت واقعیت را بیان می‌کنند.

- ضعف حقوقی؛ قوانین مصوب به گونه‌ای نیست که همه جانبه از معلولان و آثارشان دفاع کند.

- ضعف اجرایی؛ پشتیبانی و حمایت نکردن از معلولان هنرمند توسط نهادهای متصدی امور معلولان، موجب عقب‌نشینی آنها شده‌است.

برای رفع این آسیب‌ها راه‌کارهایی، مثل وضع قوانین در حمایت از هنرمندان دارای معلولیت پیشنهاد شده‌است. خانم فاطمه فخری دبیر چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر معلولان در مصاحبه با روزنامه ایران (۱۸ آذر ۹۵) گفته است: افراد دارای معلولیت فعال در تئاتر، همواره دغدغه راه نیافتن به تئاتر فجر را دارند و تاکنون این آرزوی

آنان تحقق نیافته و نتوانسته‌اند در تئاتر فجر شرکت کنند. سپس به استدلال‌های مدیرانی که نظر منفی در مورد هنر معلولان دارند اشاره کرده و می‌گوید: «این مدیران باور دارند که حضور و ورود هنرمندان تئاتر دارای معلولیت در تئاتر فجر، با اینکه در تئاتر معلولان نمونه‌هایی وجود دارند که کارشان از سایر گروه‌های حرفه‌ای بالاتر است، مناسب نیست. سازمان بهزیستی هم چون یک سازمان هنری نیست و نسبت به زیر و بم آثار هنری اطلاع ندارد، هنوز نتوانسته از آنان حمایت کند. به هر حال ضعف‌های مختلف موجب شده که تلاش‌های معلولان دیده نشده و از حضور فعالشان در عرصه هنر جلوگیری شود.»

ایشان در ادامه راه کار ایجاد کمپانی‌ها را مطرح می‌کند و می‌گویند: «اگر هنرمندان دارای معلولیت بخواهند موفق شوند، باید هر چند گروه با هم یک کمپانی کوچک تشکیل دهند و بدون اتکا به دولت با هم رقابت کنند و پیش بروند.»^۱

این راه کار با وجود محاسنی که دارد، مشکلاتی هم دارد. اولاً باید تکلیف مسئله استقلال افرادی که معلولیت دارند، معلوم شود؟

عده‌ای می‌گویند، این افراد مثل دیگر آحاد جامعه هستند پس باید مثل دیگران تحصیل کرده و فعالیت هنری و ورزشی داشته باشند و پارالمپیک و آموزش و پرورش استثنایی معنا ندارد و باید حذف گردد. در مقابل عده‌ای می‌گویند، اگر پارالمپیک نبود، همین پیشرفت‌های کنونی در ورزش را هم نداشتند، چون ممکن نیست که آنها بتوانند با افراد عادی رقابت کنند. آنها معتقدند که حتی باید در زمینه پژوهش، هنر و در دیگر زمینه‌ها هم ساختارهای ویژه برای معلولان طراحی شود تا آنان بتوانند در قالب این ساختارها، خودشان را عرضه کنند و پس از یافتن جایگاه و دیده شدن قابلیت‌هایشان، جامعه خودی را ترک گفته و وارد جامعه فراگیر شوند.

به هر حال باید تکلیف این مسئله روشن شود تا بتوانیم در عرصه کمپانی سازی موفق شویم.

دوم اینکه لازم است در حمایت فکری، معنوی و مادی افراد دارای معلولیت، سمن‌هایی تشکیل شوند، چون بدون این حمایت‌ها نمی‌توان در عرصه هنر موفقیت به دست آورد.

خلاصه اینکه عدم پذیرش معلولان در عرصه‌های مختلف هنری، با اینکه در قرآن کریم و در روایات به صراحت از حقوق آنها دفاع شده و در فرهنگ ایرانی هم به حقوق این قشر زحمتکش توصیه شده است، رایج و متداول است.

تبعیض زدایی حقوقی

آسیب مهم دیگری که مبدأ بسیاری از آسیب‌های دیگر است، عدم توجه قانون‌گذاران به تبعیض‌های هنری است. به هر حال معلولان هنرمند از شرایط و امکانات مساوی با هنرمندان عادی برخوردار نیستند و لازم است قوانین، مانع این تبعیض‌ها شوند. اکنون به دو قانون مهم در ایران می‌پردازم:

در قانون حمایت از حقوق معلولان که در سال ۱۳۹۶ توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، ذیل فصل چهارم (امور ورزشی، فرهنگی، هنری و آموزشی) در عنوان فصل، «امور هنری» آمده ولی ذیل این فصل در دو ماده‌ی ۸ و ۹ هیچ اشاره‌ای به امور هنری مثل فیلم، تئاتر، موسیقی نشده است.

این نکته یکی از ضعف‌های بزرگ این قانون است. زیرا هنر در

۱. «خیز معلولان برای تأسیس کمپانی‌های خصوصی» روزنامه ایران، صفحه توانش، ۱۸ آذر ۹۵.

زندگی افراد دارای معلولیت، یک پایه و رکن مهم است که هم در درآمد و اشتغال آنها و هم در درمان و توان‌بخشی و هم در فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیری آنان بسیار تأثیر دارد. سکوت یا غفلت قانون و قانون‌گذار در این مورد بسیار تأسف برانگیز است.

در فصل هفتم (فرهنگ‌سازی و ارتقای آگاهی‌های عمومی) دو ماده ۲۰ و ۲۱ آمده است. در ماده ۲۰ فقط آمده که وزارت فرهنگ و ارشاد، سازمان تبلیغات، سازمان صدا و سیما، شهرداری‌ها و دیگر نهادها که سالن دارند، مکلف‌اند سالن‌های نمایش فیلم را بدون اخذ هزینه در اختیار معلولان قرار دهند.

در ماده ۲۱ آمده که صدا و سیما مکلف است حداقل پنج ساعت از برنامه‌های خود را در هفته به معلولان اختصاص دهد و نسبت به زیرنویسی فیلم‌ها در برنامه‌های شبکه‌های مختلف سیما و نیز پخش توصیف شنیداری فیلم‌ها جهت افراد نابینا اقدام نماید.

تمام آنچه در زمینه هنر در مهم‌ترین و اصلی‌ترین قانون معلولان آمده، همین است و بس! اما واقعاً باید پرسید این مکفی است؟

قانون دیگر، کنوانسیون حمایت از حقوق معلولین است که در سال ۱۳۸۷ در ایران الحاق به آن تصویب شد. توجه به هنر در کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، نسبت به قانون حمایت از حقوق معلولان بهتر است. هر چند در کنوانسیون هم آن‌گونه که شایسته است، به هنر پرداخته نشده است. اکنون گزارشی می‌آورم:

۱- در سر فصل‌های کنوانسیون کلمه هنر و مشتقات و مرادفات آن نیامده است.

۲- در ماده ۲۶ (توانمندسازی و توان‌بخشی)، توان‌بخشی را عام دیده و دولت‌ها را موظف کرده که هر آنچه در قادر ساختن معلولان در رسیدن به استقلال و توانایی فیزیکی و ذهنی و اجتماعی و شغلی مؤثر است، انجام دهند. بر این اساس فیلم، هم در قلمرو این قانون قرار می‌گیرد.

۳- در ماده ۳۰ (مشارکت در زندگی فرهنگی، تفریحی و ورزشی) گفته شد. دولت‌ها موظف‌اند شرایطی فراهم کنند تا زندگی فرهنگی معلولان، مساوی با افراد عادی تأمین شود و آنان بتوانند: - به برنامه‌های تلویزیونی، فیلم، تئاتر و غیره دسترسی داشته باشند.

- به مکان‌های ارائه دهنده خدمات فرهنگی مثل تئاتر، سینما و غیره دسترسی داشته باشند.

اما ذیل همین ماده ۳۰ یک بند مهم‌تر آمده است:

دولت‌ها موظف‌اند با اقدامات مناسب، معلولان را قادر سازند تا از خلاقیت و ظرفیت‌های هنری شخصی خود به سود خود یا جامعه استفاده کنند.

یعنی آنها بتوانند فیلم بسازند و تئاتر اجرا کنند، موسیقی بنوازند و غیره ...

به هر حال در کنوانسیون توجه بیشتر به هنر معلولان مبذول شد. ولی هنوز نتوانسته همه جنبه‌های آن پوشش دهد.

خلاصه اینکه قوانین مهم در ایران، در زمینه هنر نمی‌تواند تحول‌آفرین و مبنای پیشرفت افراد دارای معلولیت باشد. بنابراین حامیان هنر معلولیتی در اولین گام، لازم است قوانین جدیدی را مطالبه کنند.

حمایت مردمی

کارشناسان تأکید نموده‌اند که هنر نمایش افراد دارای معلولیت وقتی به موفقیت می‌رسد که مردم از آن پشتیبانی کنند، سالن‌های نمایش را پر کنند، گروه نمایش دهنده را تشویق نمایند، از نظر





مالی حمایت کنند و... .

اما لازم است توجه داشت که اگر افراد دارای معلولیت، به سراغ سوژه‌هایی بروند که با فرهنگ و ذهنیت مردم بیگانه باشد یا اگر با اعتقادات و مطلوبات مردم پیوند نداشته باشند، مردم به دلیل مسلمان بودن و ایرانی بودن کمتر از چنین سوژه‌هایی حمایت می‌کنند. لذا باید سوژه‌هایی برای نمایش یا نقاشی یا هر هنر دیگر انتخاب شود که با باورهای مردم و آداب و رسوم ایرانی هماهنگ باشد.

گروه‌هایی در ایران هستند که به اجرای موسیقی سنتی مثل حافظ و مولانا می‌پردازند و سالن‌های سه هزار نفری و هفت هزار نفری پر می‌شود، این یعنی هماهنگی با باورهای مردم.

در بین کارهایی که تاکنون هنرمندان دارای معلولیت اجرا کرده‌اند، به سوژه‌های معلولیتی که در قرآن هست مثل؛ داستان سوره عبس یا زبان اشاره و زکریا یا معلولیت حضرت ایوب یا حضرت اسحاق یا نابینایی حضرت یعقوب بر طبق قرآن نپرداخته‌اند.

توجه به فرهنگ ایرانی، یعنی به نمایش در آوردن حکایات گلستان و بوستان و دیوان سعدی و حافظ که سوژه معلولیت دارند، نیز مهم است.

در ادبیات ایران ضرب‌المثل‌ها و حکایات فراوان درباره معلولیت و معلولان هست، لذا لازم است ادبیات نمایشی هم مردمی‌تر شود. دکتر قطب‌الدین صادقی به عنوان کارشناس تئاتر معلولان معتقد است، تئاتر معلولان باید تخصصی شود ولی در سوژه‌های بیگانه از جامعه هم سقوط نکند. زیرا سوژه‌هایی به دور از اقتضائات اجتماعی و عدم توجه به دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی مردم، موجب از دست دادن پشتیبانی مردمی می‌شود.^۱

خلاصه اینکه هنر معلولیتی باید با باورها و آداب و رسوم مردم تناسب داشته باشد و مردم با دیدن یا شنیدن آن هنر احساس بیگانگی نکنند. دور شدن از مردم و باورها و سنت‌های مردم یک آسیب جدی برای هنر معلولیتی می‌تواند باشد.

عرضه آثار هنری

تولید آثار هنری توسط افراد دارای معلولیت، مشکلات ویژه خودش را دارد و عرضه این آثار هم مشکلات خاص دیگری دارد. معلولان با زحمت فراوان، آثار را تولید می‌کنند ولی به هنگام عرضه و فروش، مشکلات بروز می‌کند و موجب ضربه خوردن به اصل پروژه می‌شود. از این رو به مشکلات عرضه این تولیدات، می‌توان به عنوان آسیب نگاه کرد. اگر بهترین آثار تولید شوند ولی زمینه فروش و عرضه آنها فراهم نباشد، تولیدکننده عملاً موفق نخواهد شد.

جشنواره‌ها می‌توانند شرایط مناسب برای عرضه فراهم آورند، اما جشنواره‌های کارآمد در عرصه هنر معلولیتی، اندک هستند. اخیراً جشنواره هماد در تهران برگزار شد که در نوع خود مطلوب و کارآمد بود. این جشنواره مهم‌ترین جشنواره در زمینه نمایش نقاشی‌های معلولان و در معرض دید عموم قرار دادن بود. مهم‌تر از آن، برگزاری حراجی و فروش نقاشی‌ها به روش مزایده‌ای بود که امسال (۱۳۹۸) در تهران برگزار گردید. این اقدام یک نقطه عطف و یک تحول تاریخی است.

در این باره حرف و سخن زیاد است ولی به چند مطلب مهم‌تر بسنده می‌کنم:

۱- هنر معلولیتی در ایران دارای پشتوانه‌ها و ظرفیت‌های فوق‌العاده است. مهم‌ترین آنها هنرمندان مستعد و خلاق در جامعه هدف است.

۱. ایجاد پایگاه دائمی تئاتر معلولان، روزنامه ایران، صفحه توانش، ۱۸ آذر ۱۳۹۵.

۲- اما چرا از این ظرفیت بهره‌برداری مطلوب نمی‌شود و وضع زندگی و اشتغال معلولان هنرمند فاقد مطلوبیت است؟ چون حلقه‌هایی در نظام هنر معلولیتی مفقود است. مثلاً هنرمندانی آموزش دیده شروع به تولید آثار می‌کنند ولی بازاری برای عرضه و فروش نیست، یا گاهی در حلقه پشتیبانی دولت مشکل وجود دارد.

یک حلقه بسیار مهم اقداماتی برای الحاق ارزش افزوده است. یک اثر هنری به قیمت نازل فروش می‌رود ولی با اقداماتی می‌توان ارزش مالی آن را بالا برد تا به مرز واقعی برسد. شیوه‌های بالا بردن ارزش افزوده متعدد است، مثل؛ برگزاری حراجی‌ها و مزایده‌ها. متأسفانه این شیوه در ایران ضعیف است و حلقه مفقوده است.

۳- دولت نمی‌تواند حلقه‌ساز باشد و ساختار را تکمیل کند و این وظیفه تشکل‌ها است که پیگیر باشند. خلاصه اینکه عرضه آثار هنری معلولان در ایران با مشکل مواجه است.

فرهنگ هنر

همه علوم و فنون یک بخش فکری دارد که آنها را به جامعه ربط می‌دهد، این جنبه را فرهنگ می‌نامند. برای مثال پزشکی نیاز به کتاب و تألیف کتاب، نیاز به نشریه، تولید چکیده برای آثار پزشکی، نیاز به معرفی پزشکان به جامعه و ده‌ها گونه از این نیازها دارد. اینها در خود حوزه دانش پزشکی اجرا نمی‌شوند بلکه در دستگاه فرهنگ به معنای عام پیگیری می‌شوند.

هنر هم باید در کنارش، دستگاه فرهنگی وجود داشته باشد و این دو مکمل یکدیگرند. هنر با تخیل و احساس سر و کار دارد ولی فرهنگ با اندیشه آموزش و فراگیری ارتباط دارد.

هنر معلولیتی و فرهنگ معلولیتی، مکمل یکدیگرند. یک هنرمند معلول، مثل نقاش یا رمان نویس یا سینماگر، فقط درصدد تولید اثرش است. اما این اثر باید به جامعه معرفی شود و ضعف‌ها و قوت‌هایش آگفته شود. برایش تاریخ نوشته شود، آموزش داده شود، انتقال تجربه شود، اینها در حیطه کار فرهنگی است.

یکی از مشکلات بزرگ ما در ایران، غفلت از مکمل‌ها است. یک فرهنگی پژوهشگر که می‌خواهد تاریخ هنر بنویسد باید به سراغ هنرمندان برود، هنر و هنرمند مکمل او است. بر عکس هنر باید از مکمل فرهنگی استفاده کند.

هنر معلولیتی بدون توجه و اهتمام به فرهنگ معلولیتی به موفقیت نخواهد رسید. در واقع معلولان و پشتیبانان آنها فقط با اقدامات و فعالیت‌های هنری نمی‌توانند به اهدافشان در عرصه هنر دست یابند و لازم است اقدامات فرهنگی هم در کنار هنرشان وجود داشته باشد. اکنون به معرفی برخی از مهم‌ترین اقدامات فرهنگی که معلولان می‌توانند در عرصه هنر انجام دهند، می‌پردازم.

مرجع نگاری

منابع مرجع مثل دانشنامه، دایرةالمعارف، راهنما، کتابشناسی، اصطلاحنامه و راهنمای سایت‌ها و مراکز یک نیاز مبرم در هنر معلولان است. این‌گونه فعالیت‌ها، هنر معلولیتی را به

روز می‌کنند و موجب نشاط و تحرک و پیشرفت آن می‌شوند. اما پیگیری و تولید این‌گونه آثار، بر عهده انسان‌های فرهنگی است، نه هنری. کسانی که به فرهنگ معلولیت تسلط دارند، می‌توانند مراجع



روش دیگر برپایی مجالس گفت‌وگو خواه به صورت میزگرد یا مصاحبه و یا برپایی جلسات نقد و بررسی کتاب و غیره باشد. شیوه دیگر گسترش اطلاع‌رسانی با تأسیس سایت‌ها، شبکه‌های مجازی، بانک‌های اطلاعات و امثال اینها است. همچنین موزه‌ها می‌توانند تأثیرات مهمی داشته باشند. جنبه‌های فرهنگی هنر معلولان را با این شیوه‌ها می‌توان تقویت کرد.

معلولان به سوی هر هنری نمی‌روند. هنرهایی آنها را جذب می‌کند که عاری از دلسوزی و ترحم باشد. فیلم‌ها یا داستان‌هایی که سوژه آنها ترحم برانگیزی و برانگیختن حس دلسوزی مردم نسبت به آنان باشد، از نگاه آنان مذموم و مطرود است.

جذب معلولان

بنابراین هنر معلولیتی، باید به گونه‌ای باشد که به افراد دارای معلولیت، انرژی بدهد و جذبشان کند نه اینکه موجب رفع و طرد آنان باشد. برخی کشورها توانسته‌اند با تقویت عناصر جذب، آنان را به تولید انواع هنرها جذب کنند و آنها هم آثار بسیاری را تولید کرده و توانسته‌اند بازار را زیر سلطه خود درآورند. آنها توانسته‌اند با درآمدهای به دست آمده زندگی خود را سامان دهند و به رفاه مناسب برسند. مقاله معلولان و هنر سینما، جنبه‌هایی از این مبحث را بررسی کرده است.^۱ خانم افسانه فخری کارشناس امور هنری معلولان در سازمان بهزیستی مطلبی با عنوان حضور کم رنگ معلولان در جشنواره‌های هنری منتشر کرده و از عدم استقبال معلولان از برنامه‌های هنری و سردی آنان انتقاد کرده است. او علل و عوامل مختلف فقدان استقبال معلولان از برنامه‌های هنری را در این مقاله توضیح داده است.^۲

اقتصاد هنر

جنبه اقتصادی هنر معلولان مبحث مهمی است که تداوم و پیشرفت این هنر به آن بستگی دارد. تولید آثار هنری، مخارج بسیاری را می‌طلبد و نیاز به

۱. معلولان و هنر سینما، ایسنا.
۲. حضور کم رنگ معلولان در جشنواره‌های هنری، ایران آنلاین، ۲۷ آبان ۱۳۹۷.

مفیدی را بسازند.

مهم‌ترین کارآمدی و نقش مراجع، انطباق‌پذیری با شرایط و به روزرسانی برای بقاء است. مشابه یک موجود طبیعی چون یک درخت که با گرفتن مواد مورد نیازش از طبیعت و تغذیه شدن، در شرایط سخت آب و هوایی مثل سرما و گرما و طوفان و دیگر عوامل مهلک خودش را با این شرایط سازگار کرده و برای بقاء و تداوم خود تلاش می‌کند.

یک دانشنامه در مورد هنر معلولیتی و هنرمندان دارای معلولیت، شخصیت‌ها و آثار و تولیدات هنری افراد دارای معلولیت را معرفی می‌کند و از این طریق حمایت دیگران را جذب می‌نماید. تجارب؛ اعم از موفقیت‌ها و شکست‌ها را به اشتراک گذاشته و با اخذ آراء اصلاحی و انتقادی، خودشان را اصلاح و سازگار می‌نمایند و در نهایت با همین مراجع، مسیر تداوم را فراهم می‌آورند. بنابراین لازم است هنرمندان دارای معلولیت با جلب همکاری فرهنگی‌ها، هر سال چندین عنوان آثار مرجع تدوین و عرضه کنند.

متأسفانه کم‌کاری در این حوزه زیاد است. تاکنون فقط دفتر فرهنگ معلولین است که چند عنوان کتاب مرجع عرضه کرده است. اما آثار مرجع مورد نیاز عبارت‌اند از:

- شخصیت‌شناسی هنرمندان دارای معلولیت
- راهنمای مراکز هنری
- راهنمای سایت‌ها و نرم‌افزارها
- راهنمای فیلم‌ها
- راهنمای تئاترها
- راهنمای جشنواره‌ها
- نیز اصطلاح‌نامه، انواع دانشنامه‌ها و غیره

انتقال تجربه

تداوم و پویایی هنر معلولیتی، مرهون تعامل و داد و ستد فرهنگی با دیگر فعالان هنری است. لازم است تجارب دیگران اخذ شود و دستاوردها در اختیار دیگران گذاشته شود. آن‌گونه که در روایتی آمده که رشد و نمو و توسعه علم، منوط به نشر آن است. هنر معلولیتی هم وقتی توسعه می‌یابد که به روش‌های مختلف منتشر شود. برگزاری جشنواره‌ها، همایش‌ها و نشست‌ها یک شیوه تجربه شده و کارآمد برای به اشتراک گذاشتن دستاوردهای هنری است.

وجود تشکل پیشتازی مثل انجمن آفرینش‌های هنری به مدیریت مهندس برجیان، در شهرها و استان‌ها اندک هستند و جای آنها خالی است. به برخی از وظایف آنها اشاره می‌شود:

- دولت اقداماتی در عرصه‌های هنری دارد، مثلاً جشنواره تئاتر را برگزار می‌کند. تشکل‌ها باید این اقدامات را در جامعه هدف بکند و نقش اطلاع‌رسانی و زبان گویای فعالیت‌های دولت باشند.
- شعارهای دولتی را تبدیل به مطالبه کنند، با راه کار و با کارشناسی و دادن طرح‌نامه.
- به هنگام تعویض مسئولین، زمینه‌های تداوم را در شرایط جدید فراهم آورند.

- عدم اجرای طرح‌ها مثل جشنواره موسیقی یا جشنواره نمایش رادیویی یا نمایش تئاتر ناشنوایی تا جشنواره گرافیک ناشنوایان پیگیری کنند.

شرایط جامعه ما به گونه‌ای است که نه معلولان، نه تشکل‌ها و نه حتی دولت توانایی فراهم‌سازی امکانات میلیارد تومانی برای تولید آثار هنری را ندارند. علی‌القاعده دولت باید در هر استان، حداقل کارگاه‌هایی و هنرکده‌هایی با امکانات مدرن مثلاً در زمینه نوازندگی یا معرق و دیگر آثار هنری دایر کند. ولی الآن ممکن نیست. از این‌رو لازم است هنر سبک و آسان^۳ یا تولید آثار هنری ساده و سبک^۴ ترویج شود. در این مدل به سراغ مواد و امکاناتی می‌روند که ارزان یا رایگان وجود دارد. سنگ‌ها یا رنگ‌هایی که در بستر رودخانه‌ها و در کوه‌ها به وفور هست، اینها جمع‌آوری و رنگ‌آمیزی و خطاطی می‌شود و با یک سوراخ تبدیل به آویز برای تزئین ماشین یا خانه یا آویز سینه یا دستبند می‌شود.

با موادی مثل چوب، سنگ نمک، چرم، الیاف، مواد دریایی مثل گوش ماهی، صدها تولید هنری بسیار زیبا ساخته می‌شود. این مدل هنری، زودتر به تولید و به درآمد می‌رسد، برای تولید نیاز به هزینه کردن زیاد ندارد و در صورت شکست، سرنوشتش دچار بحران نمی‌شود. مشتری آن در همه جا هست و به اصطلاح همه جا می‌توان بساط کرد.

اما در ایران کنونی دو مانع و مشکل وجود دارد: اولاً مدل سازی نشده، تجارب و اطلاعات در این حوزه منتقل نشده و نهادهایی عهده‌دار آموزش آن نیستند یا اگر هستند، گسترده و فراگیر نیست.

دوم واردات از چین، تایوان، اندونزی و مالزی و غیره بازار را اشباع کرده و بازار پر است از انواع آثار هنری سبک.

راه‌کار: برای حل این مشکلات و رسیدن معلولان به کسب درآمد معقول از راه تولید آثار هنری این راه‌کارها تقدیم می‌گردد:

- ۱- تشکل‌های هنری با رویکرد ترویج هنر سبک در شهرها و استان‌ها عهده‌دار آموزش و ترویج شوند.
- ۲- نویسندگان و پژوهشگران در این باره پژوهش نمایند و تجارب جهانی و داخلی را به اشتراک گذارند.
- ۳- تشکل‌های حامی معلولان با جدیت از دولت خواستار ممنوعیت ورود آثار هنری خارجی شوند.
- ۴- تشکل‌های حامی معلولان از دولت بخواهند زمینه‌های صادرات این کالاها را به خارج فراهم آورند.

سرمایه‌گذاری و پشتوانه‌های مالی بسیار دارد. اما این مخارج باید به گونه‌ای باشد که بازگشت سرمایه را به همراه داشته باشد. اگر فقط خرج کردن و هزینه کردن باشد، قطعاً تداوم و بقاء نخواهد داشت. همچنین در هنر معلولیتی لازم است به درآمد و کسب و کار عوامل هم توجه شود، به طوری که معلولان بتوانند از طریق خلق آثار هنری زندگی خود را هم تأمین کنند. اما دست یافتن به این اهداف به راحتی امکان‌پذیر نیست، زیرا هنر، آن هم هنر معلولیتی و اقتصاد هر دو پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های بسیار دارند. لذا فقط با استفاده از فرمول‌های علمی و با اتکا بر تجارب می‌توان به موفقیت رسید.

اشتغال و هنر

داستان، رمان و فیلم حداقل تأثیرشان، معرفی توانمندی‌های معلولان و ایجاد شرایط مساعد فرهنگی در جامعه است تا کارفرمایان، آنان را جذب بازار کار کرده و اشتغال آنان را سر و سامان بدهد. دکتر نحوی‌نژاد در مصاحبه با ایران آنلاین این جنبه هنر را بیان کرده است.^۱ اما کسی سخنان آقای نحوی‌نژاد را نقد کرده و نوشته است:

آقای نحوی‌نژاد معاون توان‌بخشی سازمان بهزیستی در مراسم اختتامیه جشنواره ملی نمایش رادیویی معلولین در مشهد در ۱۲ اسفند ۹۷ نکاتی گفت که قابل تأمل است:

۱- آقای نحوی‌نژاد گفت: هنر یکی از ابزارهای مناسب برای ایجاد اشتغال معلولان است. این گفته ایشان، واقعیتی است که در کشورهای مختلف جریان دارد و افراد دارای معلولیت در آن کشورها از طریق موسیقی، تئاتر و ده‌ها رشته هنری دیگر توانسته‌اند به درآمدهای خوبی برسند، اما در ایران بسترهای لازم برای هنری شدن و به فعلیت رساندن استعدادها آنها موجود نیست.

۲- آقای نحوی‌نژاد آیا می‌دانید بسیاری از گروه‌های فیلم و تئاتر و موسیقی در شهرهای مختلف از کوچک‌ترین امکانات محروم‌اند. نه جایی برای تمرین و نه وسایل هنری دارند. با اینکه ادارات بهزیستی فضاها و ساختمان‌های زیادی دارند ولی در آنها بسته‌اند و به گروه‌های هنری جهت تمرین نمی‌دهند.

۳- آقای نحوی‌نژاد شما به راحتی می‌توانید در دانشگاه بهزیستی و توان‌بخشی رشته‌های هنری دایر کنید و معلولان را آموزش دهید. اما چرا انجام نمی‌دهید؟

۴- در سال‌های متممادی از شما حرف‌های قشنگ بسیار شنیده‌ایم ولی عمل زیبا کمتر دیده‌ایم و در مواردی اصلاً ندیده‌ایم.^۲

هنر حمایت‌شده

کشورهای اروپایی و آمریکایی که تابع نظام سرمایه‌داری هستند، در بخش هنر معلولیتی به حمایت آنها می‌پردازند و از بودجه‌های ملی در عرصه هنر معلولان هزینه می‌کنند.

تشکل‌ها و سمن‌ها، موتور محرک و ناظر خطاسنج و کاشف آسیب‌ها و ارائه دهنده راه کارها هستند. این نقش را دولت‌ها نمی‌توانند ایفا کنند.

در عرصه هنر مشکل اصلی و ریشه‌ای، کمبود سمن‌های فعال در عرصه هنر و به ویژه در عرصه فرهنگ هنر است.

۱. فعالیت‌های هنری معلولان و اشتغال، ایران آنلاین
۲. این مطلب با عنوان فعالیت هنری معلولان و اشتغال در سایت دفتر فرهنگ معلولین در شده است.



گزینش و اولویت‌سنجی

با توجه به مدل آسان و سبک در بین هنرهای موجود هنرهایی انتخاب شوند که نیاز به بودجه و امکانات هزینه‌های کلان نداشته باشد. هم اکنون مهم‌ترین مانع بر سر راه هنرمندان نداشتن بودجه کافی و امکانات مالی است لذا باید از بین هنرها مواردی که با امکانات ارزان‌تر بتوان به تولید رساند. برای مثال؛ رمان نویسی یا داستان نگاری به عنوان یک هنر یک خودکار و چند ورق کاغذ می‌خواهد و هزینه چندانی ندارد. اما اگر فرد دارای معلولیتی بخواهد تئاتر یا فیلم تولید کند، بودجه کلانی نیاز دارد.

خلاصه اینکه معلولان در شهرهای مختلف باید گزینش هنری داشته باشد و با توجه به سه شاخص زیر برنامه‌ریزی کنند:

- ۱- استعداد فردی و توانمندی‌ها
- ۲- فراوانی و در دسترس بودن مواد اولیه
- ۳- ارزانی وسایل و تجهیزات

دسترس‌پذیری

هنری که همه چیز آن در دسترس است و مواد اولیه و وسایل کار آن در نزدیک محل زندگی به وفور یافت می‌شود، زودتر به نتیجه می‌رسد و سودآورتر است.

یک فرد دارای معلولیت می‌تواند زندگانی خودش یا زندگی نزدیکان و دوستانش را به صورت داستان یا رمان تدوین و عرضه کند. فقط لازم است اندک سواد نوشتن داشته باشد.

در رمان، قوه خیال و تخیل بسیار مهم است. هر مقدار قوه خیال آدمی قوی‌تر باشد انسان می‌تواند رمان‌های بهتر تولید کند. خوشبختانه افراد دارای معلولیت، در سال‌های اخیر به این توانایی خود پی برده و آثار خوبی عرضه کرده‌اند. اما باید به چند مشکل اساسی که در این زمینه وجود دارد و مانع تحرک و پویایی رمان معلولان شده است، اشاره کنم:

۱- وزارت ارشاد هنوز کتاب افراد دارای معلولیت، اعم از بریل، گویا، بزرگ‌نویسی را به عنوان یک مقوله مستقل که نیازمند پشتیبانی و مساعدت است را قبول ندارد. وزارت ارشاد انواع جشنواره‌های کتاب با عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی، کتاب دانشجویی، کتاب کارگری، کتاب دانش‌آموزی و غیره برگزار می‌کند و برای این رخدادهای هزینه‌های بسیار پرداخت می‌کند، ولی برای کتاب معلولان اقدامی نداشته است.

۲- به منظور ایجاد رونق و ترویج کتاب، لازم است جلسات نقد و بررسی و نشست برای رونمایی کتاب برگزار گردد. این وظیفه تشکل‌های با همکاری نهادهای دولتی است. اما تلاش‌ها در این عرصه اندک است.

۳- آموزش هم‌اندک است و در شهرها مراکز کمی هستند که به برگزاری دوره‌های آموزشی می‌پردازند. به این دلایل هنررمان و داستان معلولان با مشکلاتی مواجه است.

خلاصه اینکه لازم است رسانه‌ها برای افراد دارای معلولیت امکان آموزش را فراهم کنند و آنان را به سوی تولید آثار هنری سوق دهند. باید به آنها بگویند که زرق و برق برخی پروژه‌ها، موجب اغفال آنان نشود و به سراغ تولید آثار هنری پرخرج و پر هزینه نروند.

مآخذ:

- «ایجاد پایگاه واقعی تئاتر معلولان دروازه ورود به میدان‌های جهانی»، قطب‌الدین صادقی، روزنامه ایران، صفحه توانش، ۱۸ آذر ۱۳۹۵.
- بانک جامع اطلاعات معلولان (www.datadisability.com)
- پیشرفت معلولان، محمد نوری، انتشارات توانمندان و دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۸، ص ۲۲۰.
- «حضور کم رنگ معلولان در جشنواره‌های هنری»، افسانه فخری، ایران آنلاین، ۲۷ آبان ۱۳۹۷.
- «خیز معلولان برای تأسیس کمپانی‌های خصوصی نمایش»، فاطمه فخری، روزنامه ایران، صفحه توانش، ۱۸ آذر ۱۳۹۵.
- دانشنامه دانش‌گستر، کامران فانی و دیگران، تهران، مؤسسه دانش‌گستر، ۱۳۸۹.
- دایرةالمعارف نواغ و مشاهیر معلول ایران و جهان، منصور برجیان، علی ملک‌پور، تهران، نشر راش، ۱۳۹۵.
- دیوان ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی، به کوشش صفر عبدالله و شاه منصور شاه میزنا، تهران، مؤسسه فرهنگی اکو، ۱۳۹۱.
- راه خوشبختی: قانون حمایت از حقوق معلولان و کنوانسیون حقوق معلولان، تهران، دفتر فرهنگ معلولین و کمپین پیگیری حقوق افراد دارای معلولیت، ۱۳۹۷.
- راهنمای فیلم معلولیت: فیلم‌های فارسی، اباذر نصر اصفهانی، قم، صحیفه خرد و دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۴.
- راهنمای فیلم‌های معلولیتی: معرفی فیلم‌های غیر ایرانی نابینایی و ناشنوایی، اباذر نصر اصفهانی و فهیمه نوری، انتشارات توانمندان و دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۸، ص ۳۰۷.
- رودکی سرآمد شاعران فارسی: مجموعه مقالات به مناسبت سال رودکی، به کوشش منوچهر اکبری، تهران، خانه کتاب، ۱۳۸۸.
- رودکی شاعر روش‌شنده، محمد نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۱.
- فرهنگ‌نامه موسیقی معلولان: فعالان، آثار، رخدادهای، تشکل‌ها و تحولات تاریخی، علی نوری، انتشارات توانمندان و دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۸، ص ۵۱۲.
- فعالیت هنری معلولان و اشتغال، دکتر نحوی‌نژاد، ایران آنلاین، ۶ اسفند ۱۳۹۷.
- «فعالیت هنری معلولان و اشتغال»، محمد نوری، سایت دفتر فرهنگ معلولین.
- «کارگاه هنر درمانی و هنر تجسمی در خراسان رضوی»، مسعود فیروزی، سایت آموزشگاه ادنو، ۷ بهمن‌ماه ۱۳۹۵.
- کانادا: بررسی وضعیت معلولیت‌ها و معلولان، علی نوری، انتشارات توانمندان و دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۸، ص ۱۲۱.
- «مرزشکنی‌های هنرمندانه»، گفتگو لیلیا به طلب با فرید مفیدی، روزنامه همشهری، ۱۳۹۶، ص ۶-۷.
- «معلولیت و معلولان از رم باستان تا ظهور فاشیسم»، بابک نصیری، سایت دوپچه وله فارسی، ۲۰۱۷/۱۱/۴.
- «معلولان و هنر سینما»، سایت ایستنا.
- «هنر ابزار عالی آموزش»، صدیقه بختیاری شهری، همدم، پاییز ۱۳۹۶، ص ۴۸-۵۱.
- هنر تربین گل، پری زنگنه، تهران، شرکت سهامی تحریر، چاپ دوم: ۱۳۴۵.
- «هنر درمانی»، مصاحبه با خانم گلپاز، آوای رسا، ش ۹۴، مرداد ۱۳۹۷، ص ۳.
- «هنر درمانی ذهن معلولان را فعال و پویا می‌کند»، عذرا اسدی، سایت ایرنا، ۱۳ آذر ۱۳۹۸.
- یک بیت پرنیان: مجموعه مقالات پژوهشگران تاجیک درباره رودکی، شاه منصور خواجه اف، ویرایش زهرا اصلانی، تهران، مؤسسه فرهنگی اکو، ۱۳۹۶.



پریسا رضوی نسب، متولد سال ۵۳ است و لیسانس گرافیک دارد. او زندگی پرفراز و نشیبی داشته ولی آشنایی او با هنر و تئاتر، تا حدودی مشکلات زندگی را برایش تحمل پذیر کرده است.



پریسا رضوی نسب، بازیگر تئاتر؛

شرکت در تمرین و اجرا، در روحیه من بسیار تاثیرگذار است

آقای هادی سروری در رعد شرکت کردم و هنوز هم با ایشان در ارتباط هستم. ایشان هرچند وقت یک بار نمایش برگزار می‌کنند و از من هم برای بازی در آن دعوت می‌کنند. زمانی که برای شرکت در کلاس تئاتر به رعد رفتم، ویلچری شده بودم و ایشان از من سوال کردند که با ویلچر چگونه می‌خواهی کار نمایش انجام دهی؟ من توضیح دادم که به کار بازیگری علاقه دارم و حدود سیزده سال است که به این کار مشغول هستم. ایشان مرا پذیرفتند و همکاری من با ایشان ادامه پیدا کرد. متأسفانه کلاس تئاتر در رعد ادامه پیدا نکرد و آقای سروری پس از مدتی از مرکز رعد رفتند و در جاهای مختلف به آموزش بازیگری و تئاتر ادامه دادند. از بین شاگردان کلاس، فقط من و یکی دیگر از هنرجویان با ایشان هنوز در ارتباط هستیم و کار می‌کنیم. برای نمایش‌های مختلف با ما تماس می‌گیرند و سرکلاس‌های تمرین حاضر می‌شویم و پس از آمادگی کامل، در نمایش‌های ایشان شرکت می‌کنیم.

من با آقای بهزاد خاکی‌نژاد و آقای سیدرضا زمانی که از دیگر اساتید کارگردانی هستند هم، کار کرده‌ام.

نمایش و بازی در تئاتر را خیلی دوست دارم و وقتی با من تماس گرفته می‌شود که برای تمرین بروم، دیگر دل تو دل من نیست و بسیار خوشحال می‌شوم

روز به روز پیشرفت کرد.

چگونه با رعد آشنا شدید؟

در سال ۸۶ به خاطر علاقه‌ای که از جوانی به تئاتر و بازیگری داشتم به مرکز رعد مراجعه کرده و در کلاس آموزش تئاتر نام‌نویسی نمودم. الان هم بازیگر تئاتر هستم. متأسفانه در سال‌های قبل نگاه خوبی نسبت به کار تئاتر و بازیگری در جامعه وجود نداشت، ولی اکنون اوضاع فرق کرده و مردم به تئاتر توجه و علاقه بیشتری نشان می‌دهند. من در کلاس

لطفا خودتان را معرفی کنید:

من پریسا رضوی نسب، متولد سال ۵۳ هستم و لیسانس گرافیک دارم. قبل از این که دچار مشکل حرکتی شوم، دبیرحق‌التدریس گرافیک و نقاشی در مدارس بودم. در سال ۷۹ ازدواج کردم. چهار سال بعد، پس از زایمان، بیماری من تشدید شد. وقتی مشکل جسمی پیدا کردم، آموزش و پرورش عذرم را خواست و اعلام کرد که به خدمت من نیاز ندارد. من یک پسر ۱۵ ساله به نام اهورا دارم.

بیماری شما چیست و از چه زمانی متوجه مشکل خود شدید؟

چند سال قبل از ازدواج مشکل تاری دید پیدا کردم و پزشکان به بیماری ام‌اس مشکوک شدند. دوبینی یا بی‌حسی نداشتم و در آزمایشات هم چیزی مشخص نبود. از همان زمان، برایم داروی ام‌اس تجویز شد که این داروها به من نمی‌ساخت و مدام با عوارض دارویی روبه‌رو بودم. در زمان ازدواج از لحاظ جسمی کاملاً سلامت بودم، به‌طوری که قبل از بارداری خودم داروها را قطع کردم. متأسفانه به دلیل مشکلات خانوادگی که با همسر داشتم، پس از زایمانم در سال ۸۳، بیماری‌ام تشدید شد و



تئاتر و نمایش چه تاثیری بر روحیه و افزایش توانمندی شما داشته‌است؟

نمایش و بازی در تئاتر را خیلی دوست دارم و وقتی با من تماس گرفته می‌شود که برای تمرین بروم، دیگر دل تو دل من نیست و بسیار خوشحال می‌شوم. شرکت در تمرین و اجرا در روحیه من بسیار تاثیرگذار است. هر بار برای اجرا در مکانی که آقای سروری می‌گیرند، حاضر می‌شویم. آخرین بار در پردیس تئاتر تهران در خیابان خاوران برنامه داشتیم. در گروهی که کار می‌کنیم، تنها من و محمدرضا دانشی دارای معلولیت هستیم و سایرین تندرست هستند.

معمولا چه نقش‌هایی را بازی می‌کنید و استقبال مردم چگونه است؟

معمولا نقش‌هایی را بازی می‌کنم که دیالوگ داشته باشد. خوشبختانه مخاطب هم داریم و در نمایش آخر، چهار دفعه پشت سر هم، اجرا کردیم که در هر اجرا سالن کاملا پر بود و استقبال خوبی از طرف مردم صورت گرفت. البته شرکت مردم در تئاتر بستگی به اطلاع‌رسانی مناسب و تبلیغات دارد، مثلا استقبال از نمایش "سرزمین سپید" که در تالار محراب برگزار شد، اصلا خوب نبود. چون قرار بود بهزیستی تبلیغ کند که به خوبی این کار را انجام نداد. در رد هم چنین اتفاقی افتاد و قرار بود مرکز رعد برای یک نمایش، تبلیغ و اطلاع‌رسانی انجام دهد که این اتفاق نیفتاد و باعث دلخوری آقای سروری شد. به هر حال کارگردان تئاتر و بازیگران، زحمت زیادی می‌کشند تا نمایشی را به اجرا برسانند و ولی وقتی به دلیل عدم اطلاع رسانی، جمعیت مناسب در این نمایش‌ها شرکت نمی‌کنند، باعث دلخوری و ناراحتی می‌شود. متأسفانه خیلی وقت‌ها اطلاع‌رسانی‌ها، قابل قبول نیستند و علاقمندان تئاتر از اجرای خیلی از نمایش‌ها مطلع نمی‌شوند. در صورتی که در اجراهایی که در خانه هنرمندان و دانشگاه تهران داشتیم، به دلیل اطلاع‌رسانی مناسب، شاهد استقبال خوبی بودیم.

آیا از درآمد خود در کار تئاتر و بازیگری راضی هستید؟

متأسفانه کار نمایش، درآمد چندانی ندارد و بیشتر یک نوع کاردلی و عشقی است که فقط علاقمندان را به دنبال خود می‌کشاند.

آیا شما خودتان کارگردانی تئاتر هم هستید و فیلمنامه هم می‌نویسید؟

گاهی کارگردانی می‌کنم ولی بیشتر فیلمنامه می‌نویسم. البته طرح فیلمنامه را از طریق ضبط صدایم در موبایل ارائه می‌کنم، چون تایپ کردن برایم سخت شده‌است. من

آرزو دارم تازمانی که توانش را دارم، کار بازیگری را چه در تئاتر، چه در تلویزیون و چه در سینما، ادامه دهم. گرچه هنوز فرصتی که بتوانم در سینما یا تلویزیون بازیگری کنم برایم پیش نیامده، ولی به این رشته علاقه بسیاری دارم و می‌خواهم در همین حوزه فعالیت داشته باشم

در مورد ازدواجتان هم برایمان بگویید؟
همسرم از فعالان در حوزه تئاتر و سینماست که اکنون، هم کارگردانی می‌کند و هم بازیگر است. همسرم در دانشگاه فن بیان تدریس می‌کرد و من از همین طریق با او آشنا شدم. آشنایی که به ازدواج انجامید. در سومین ماه بارداری بودم که متوجه شدم باردارم و به دلیل بیماری که داشتم، خیلی نگران شدیم که نکند بچه دچار مشکل شود. به پزشک مراجعه کردیم و او گفت، سقط کردن بچه می‌تواند عوارض بیشتری برای خودت داشته باشد. او ادامه داد که اگر دوران بارداری و چند ماه بعد از آن را در آرامش کامل بگذرانی، حاملگی نه تنها خطری برای تو و فرزندت بوجود نمی‌آورد، بلکه ممکن است به بهبود بیماری هم کمک زیادی کند. ولی متأسفانه به دلیل مشکلاتی که با همسرم و خانواده او داشتم، دوران بارداری برای من بسیار سخت و با استرس و ناراحتی گذشت. البته خوشبختانه برای پسر من مشکلی ایجاد نشد و تندرست به دنیا آمد. بعد از زایمان دچار حمله ام‌اس شدم و مدتی در بیمارستان بستری بودم و تصمیم گرفتم که جدا از همسرم زندگی کنم. حدود پانزده سال است که من و فرزندم در کنار پدر و مادرم زندگی می‌کنیم.

چه توصیه‌ای به علاقمندان به حوزه‌های هنری دارید؟

توصیه‌ام این است که بچه‌ها خودشان را باور کنند و هر نوع کاری که به آن علاقمندند را دنبال کنند و منتظر تأیید دیگران هم نباشند. می‌دانم برای افرادی که معلولیت دارند، دنبال کردن علایق شخصی سخت است، ولی شدنی است. هنر تئاتر و بازیگری، در شرایطی که خودم با آن روبه‌رو بودم، بسیار به من کمک کرد. من به این کار ایمان دارم و به فعالیت در این حوزه هنری، عشق می‌ورزم. رشته‌های هنری مختلفی وجود دارند؛ از نقاشی، موسیقی، شیشه‌گری، سفالگری وجود دارد تا تئاتر و موسیقی و... و هر کسی ممکن است که به یک رشته هنری علاقه داشته‌باشد، مهم این است که علاقه‌اش را دنبال کند.

برنامه‌ات برای آینده چیست و چه آرزویی داری؟

آرزو دارم تازمانی که توانش را دارم، کار بازیگری را چه در تئاتر، چه در تلویزیون و چه در سینما، ادامه دهم. گرچه هنوز فرصتی که بتوانم در سینما یا تلویزیون بازیگری کنم برایم پیش نیامده، ولی به این رشته علاقه بسیاری دارم و می‌خواهم در همین حوزه فعالیت داشته باشم.

فیلمنامه‌ای را نوشتم و نزدیک به یک سال، در تالار اندیشه روی آن کار کردم. شنیده بودم تالاری در خیابان خاوران است که آن را به رایگان در اختیار افراد دارای معلولیت می‌گذارد و از فروش بلیط نمایش درصدی را کم می‌کند. ولی وقتی برای اجرای نمایش به این تالار مراجعه کردم، از من یک چک سی میلیون تومانی خواستند که چون چنین پولی نداشتم، نتوانستم این نمایش را به اجرا بگذارم.

آیا جوایزی را هم در حوزه تئاتر و بازیگری دریافت کرده‌اید؟

بله. اولین جایزه من در جشنواره تئاتر بانوان بود که کارگردان آن آقای جعفری بودند. دومین جایزه‌ام مربوط به جشنواره تئاتر معلولان و سومین جایزه‌ام هم که به دلیل اول شدنم در کل ایران بود، برای اجرای یک تئاتر خیابانی بود.

شما مدرک گرافیک دارید و تدریس می‌کردید. آیا در این رشته هم کار کرده‌اید؟

در مدارس معلم گرافیک بودم که به دلیل بیمار شدنم ادامه ندادم. از زمانی که در هنرستان درس می‌خواندم کار نقاشی هم می‌کردم. الان چندین تابلو از کارهایم را دارم و چندتایی از آنها را هم فروخته‌ام. البته مدتی است که به دلیل مشکل دستم، دیگر نمی‌توانم نقاشی کنم.

چند خواهر و برادر هستید؟

چهار خواهر و برادر بودیم که یکی از برادرانم در سن پانزده سالگی، در اثر آتش سوزی از دنیا رفت. من فرزند اول خانواده هستم و یک خواهر و برادر دیگر هم دارم. زمانی که در سال اول دانشگاه بودم، برادرم در مقابل چشمم دچار حادثه شد و این اولین ضربه بزرگی بود که به من وارد شد.



هاتف شرار، متولد بهمن ۶۵ است. او به دلیل ازدواج فامیلی پدر و مادر با نابینایی به دنیا آمد. پدرش شاعر و استاد ادبیات بود و او از کودکی با شعر و شاعری محشور بود. از پانزده سالگی آموختن سنتور را زیر نظر اساتید معروف آغاز کرد و کمی بعد به پرورش صدایش پرداخت. هاتف به مدت هفت سال آواز را با استاد اکبر گلپایگانی کار کرد و در سال ۹۳ اجازه انتشار آلبوم موسیقی را از ایشان گرفت. این هنرمند خوش صدا تاکنون دو آلبوم با صدای خودش را منتشر کرده است.



هاتف شرار، موسیقیدان و خواننده؛

هنر، برای من همه چیز است

روزنامه ایران سپید در مورد موسیقی مطلب می‌نوشتیم و عضو هیات تحریریه این نشریه شدم. به موسیقی علاقمند بودم ولی یک روز که مادرم صدای استاد بزرگ آواز، عبدالوهاب شهیدی را گوش می‌داد، من عاشق آواز شدم. آنقدر این صدا برایم جادویی بود که آرزو کردم یک روزی این مرد بزرگ را ببینم. آن زمان استاد شهیدی در خارج از کشور زندگی می‌کرد و الآن در ایران هستند و من به آرزویم رسیدم و با ایشان رفت و آمد دارم. در تیرماه سال ۸۴ بزرگداشتی به مناسبت درگذشت استاد کامران داروغه، از نوازندگان کمانچه و هنرمندان قدیمی موسیقی، در سالن شفق در فرهنگ‌سرای یوسف‌آباد برگزار کردم و از هنرمندان زیادی دعوت نمودم. در سالن دوپست‌نفری، چهارصد نفر آمدند و این اتفاق، انقلابی در زندگی من ایجاد کرد. در مرداد ۸۴ خدمت استاد اکبر گلپایگانی خواننده بزرگ ایران رسیدم و از این تاریخ به مدت هفت سال، شاگردی ایشان را کردم و آواز را با استاد گلپا شروع کردم. ایشان در سال ۹۳ اجازه انتشار آلبوم را به من دادند. اولین آلبوم من با تنظیم شادروان محمود رضایی که نابینا

هنر برای من فقط علاقه نیست،
هنر برای من درآمد هست، برای من
دغدغه است، برای من وظیفه است،
تحصیل هست، عادت است، من به
هنر اعتیاد دارم و برای من همه چیز
است

استاد سنتور رفتم و آموختن این ساز را شروع کردم. دوره تکمیلی سنتور را هم خدمت دکتر میلاد کیایی، استاد سنتور و آهنگ‌ساز، در سال ۸۴ گذراندم. از سال ۸۰ که رادیو فرهنگ، برنامه‌های متعددی درباره موسیقی ایرانی پخش می‌کرد، من به تاریخ موسیقی علاقه‌مند شدم و به همین دلیل از سال ۸۲ تا ۸۴ با وجودی که تنها هفده سال داشتم، در

خودتان را معرفی کنید و از سابقه موسیقی خود برایمان بگویید؟

هاتف اسلامی شرار، معروف به هاتف شرار، متولد بهمن ماه سال ۶۵ هستم. به دلیل ازدواج فامیلی پدر و مادرم و به دلیل اینکه پدرم نابینا هستند، من و خواهرم که اولین فرزند خانواده است، نابینا هستیم ولی برادرم بینا هست. پدرم شاعر و استاد ادبیات هستند. انجمن‌های ادبی زیادی را اداره می‌کردند و هنرمندان زیادی به‌خصوص شعرا، در خانه ما رفت و آمد داشتند. از پنج سالگی اشعار حافظ و آیات قرآن را توسط پدرم آموختم و از همان زمان دکلمه می‌کردم. پدرم روی گویش و گفتار صحیح و با احساس خواندن اشعار، با من کار می‌کرد. از آنجا که در شب‌های شعر از ساز سنتور به عنوان زیر صدا استفاده می‌شد، طنین این ساز در من تاثیر خاصی داشت. به دلیل کار پدرم، چند سالی به شهرستان منتقل شدیم که در آنجا امکان آموزش سنتور نبود. از سال ۸۰ که به تهران برگشتیم، شروع به یادگیری سنتور کردم. البته پدرم دستگاه‌های موسیقی ایرانی را از قبل با من کار می‌کرد. در سال ۸۰، خدمت استاد محمود نیک‌نژاد



بودند، منتشر شد. در این آلبوم آهنگ‌هایی از خوانندگان قدیمی با آهنگسازی همایون خرم و مجید وفادار خواندم. در آلبوم اولم، دو آهنگ را خودم ساخته‌بودم. این آلبوم با نام "چه می‌شد" در دیماه ۹۳ در حوزه موسیقی اصیل و ارکسترال منتشر شد. سال ۸۷ اولین کنسرتم را در مجتمع فرهنگی فردوسی در خیابان ویلا برگزار کردم و تا کنون بیش از پانزده کنسرت در شهرهای مختلف برگزار کرده‌ام. آخرین کنسرتم را در چابهار به دعوت سازمان منطقه آزاد برگزار کردم که استقبال بی‌نظیری از آن شد.

شما ساز سنتور را می‌نوازید، نواختن این ساز برای شما دشوار نیست؟

بله ساز سنتور برای نابینایان سخت‌ترین ساز است چون فرد ارتباط مستقیمی با ساز ندارد و فقط دوتا مضراب در دست دارد که باید بدون دیدن سیم‌ها، به‌طور دقیق رویشان ضربه بزنند. ولی به دلیل علاقه این ساز را یاد گرفتم. به تازگی هم پیانو را برای این‌که ملودی‌سازی و تئوری موسیقی کلاسیک را هم بدانم شروع کردم. فعلا در حد مبتدی هستم. البته تمرکز من بیشتر بر روی آواز است. از اواخر سال ۸۸ تا اواسط سال ۸۹ کارشناس و مجری رادیو فرهنگ بودم که در مورد موسیقی ایران و تاریخ موسیقی در ایران، برنامه تولید می‌کردم و با خیلی از هنرمندان در این برنامه مصاحبه انجام می‌دادم. مدتی هم در رادیو اینترنتی ایران صدا کار می‌کردم. در سال ۹۴ به دلیل اختلاف سلیقه‌هایی که بوجود آمد، از رادیو بیرون آمدم. در سال ۹۵ شروع به ضبط دومین آلبوم با نام "انگار نه انگار" کردیم که این آلبوم در تیرماه ۹۷ در فرهنگسرای نیاوران و با حضور گروهی از هنرمندان و موسیقی‌دانان و بازیگران، رونمایی شد. این آلبوم نقص‌های فنی زیادی به دلیل مشکلات موجود در استودیو داشت، ولی ملودی‌های آن مدرن‌تر و از خودم هستند. اشعارش از مولانا، آقای کیوان هاشمی، سمانه مصدق؛ ترانه سرای نابینا، و پدرم است. دکلمه‌هایش را خواهرم، دکتر نرگس شرار (دکترای ادبیات)، انجام داده‌است. امیریل ارجمند فرزند استاد داریوش ارجمند، که خواننده و آهنگ‌ساز بسیار خوبی است، نکات خیلی ریز و دقیقی را درحوزه آواز به من آموزش داد. البته ایشان خواننده پاپ است ولی موسیقی ایرانی را کامل می‌شناسد. کاری را هم با کمک ایشان ضبط کردم که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. ده سال قبل هم، در چهاردهم بهمن ماه با استاد انوشیروان روحانی کنسرت مشترک داشتیم.

پدرم در نوزده سالگی به من گفتم: سد بزرگی به نام معلولیت جلوی تو وجود دارد. تو برای عبور از این سد، سه راه داری؛ یا سرمایه زیادی، یا تحصیلات عالی و یا هنر و محبوبیت که من دومی و سومی را انتخاب کردم

آیا شما آهنگسازی هم می‌کنید؟

من ملودی‌سازی می‌کنم ولی تنظیم کننده آهنگ نیستم. ملودی سازی، استعداد خدادادی من است و همه ملودی‌های آلبوم "انگار نه انگار" کار خودم است.

با تسلطی که در آواز پیدا کرده‌اید، آیا آواز را تدریس هم می‌کنید؟

مدتی شاگرد داشتم و در آموزشگاه‌های آواز تدریس می‌کردم ولی در حال حاضر شاگرد ندارم، چون فعلا درگیر کارآفرینی برای معلولان هستم. با وزیر کار در زمینه چند حوزه کاری، در حال گفت‌وگو هستیم که هنوز به نتیجه نرسیده‌است. طرح اولیه ما در حوزه بسته‌بندی و قالبی‌بافی بود که تغییرش دادم، چون دیدم قالبی‌بافی کار دیربازدهی است که در وضعیت اقتصادی کنونی جواب نمی‌دهد. چند طرح مونتاژ و بسته‌بندی در ذهن دارم که قرار است در تهران و اصفهان انجام شود. مجوزهای اولیه این کار گرفته شده و امیدوارم در اواسط سال آینده به نتیجه برسد.

شما در حوزه نقاشی هم فعالیت داشتید. در این باره بیشتر برایمان بگویید؟

من و خواهرم، نرگس، جزو اولین نابینایانی بودیم که در سال ۸۲ به کلاس نقاشی رفتیم. خواهرم بیشتر ادامه داد و اولین نمایشگاه انفرادی در ایران را او برگزار کرد. من بعد از سال‌ها دوباره، نقاشی را شروع کردم که از پارسال تا امسال چهار نمایشگاه انفرادی در تهران و اصفهان داشتم. آخرین نمایشگاه من در سوم آبان برگزار شد که مجموعه کامل نقاشی‌هایم را شهرداری تهران خریداری کرد تا در موزه نگه‌داری شود. قرار است برای نمایشگاه‌های خارج از کشور هم پیگیری‌هایی را انجام دهیم.

نقاشی نابینایان چگونه انجام می‌شود؟

در حوزه نقاشی نابینایان باید به دو مقوله اشاره کنم. برای افرادی که تصویری از بینایی داشته‌اند و مثلا رنگ و شکل اجسام را دیده‌اند، نقاشی چیز پیچیده‌ای نیست. ولی برای افرادی مانند من که تصویری از رنگ ندارند، موضوع کاملا متفاوت است. شاید روشنی و تیرگی را بفهمند، ولی این که رنگ آبی و سبز و زرد چه تفاوتی با هم دارند را نمی‌دانند. من استادی به نام سعدالله احمدی داشتم که چندی پیش فوت شد. ایشان زحمت زیادی برای من کشید و آموزش رنال را با رنگ و روغن به من داد. کار به این صورت بود که دست ما را می‌گرفت و به‌صورت دیکته شده به ما متدهایی را که برای نابینایان طراحی شده بود را آموزش می‌داد. رنگ‌ها به ترتیب در پالت‌ها قرار داشت و به خط بریل روی جعبه نام رنگ نوشته‌شده بود. یک سری کادر بندی‌هایی توسط کش یا وسیله‌های دیگر انجام می‌شد و با این روش نقاشی می‌کشیدیم. بعد از آن برادرم که عضو انجمن خوشنویسان است و کارش نقاشی خط است و تخصصی کار می‌کند، آموزش نقاشی من را برعهده گرفت. برادرم تئوری رنگ‌ها و ترکیب رنگ‌ها را به من یاد داد. با وجودی که به من دیکته شده بود که آسمان و کوه و درخت به چه شکل هستند، من تصورات خودم را نقاشی کردم. مثلا گنبد مزار را مشکی کشیدم، چون آن را تیره می‌بینم. یک سری نقاشی هم کشیدم که بعد متوجه شدم تصورات من با تصورات افراد بینا متفاوت است. مثلا یک فرد بینا، صندلی را با چهار پایه می‌کشد و من همین صندلی را با دوپایه می‌کشم. در واقع من هم درست کشیدم، ولی تصور من با تصور فرد بینا که سه بعدی می‌بیند، فرق می‌کند. به هر حال یک سری تصورات را برادرم به من توضیح داد و یک سری از نقاشی‌هایم را هم با تصورات ذهنی خودم کشیدم. در مجموع حدود بیست و چهار تابلو کشیدم که یکسری از آنها به فروش رفت و یک‌سری را هم به افرادی که دوستشان داشتم هدیه کردم. امسال هم برای اولین بار در ایران و شاید در جهان، لوگوی روز جهانی نابینایان، بیست و سوم مهر، را من طراحی کردم که توسط وزیر رونمایی شد. در صفحه اینستاگرام من با نام هانف شرار، این لوگو و همچنین نقاشی‌هایم قابل مشاهده هستند.

چشم اندازتان برای آینده چیست و چه آرزویی دارید؟

دغدغه من کارآفرینی برای افراد دارای معلولیت است. در کشور ما همیشه برای





اشتغال افراد دارای معلولیت، مشکل وجود داشته‌است. خودم هم این مشکل را دارم. البته من فعلا به موسیقی مشغولم و از طریق کنسرت‌ها و آلبوم‌هایم، درآمد کسب می‌کنم ولی به دنبال کار ثابتی هستم. امیدوارم تلاش‌هایی که در حوزه کارآفرینی معلولان می‌کنم، به نتیجه برسد.

باز هم کنسرت برگزار می‌کنید؟

احتمالا در اسفند ماه کنسرتی در اصفهان داشته‌باشم. چند آهنگ در دست کار دارم. سال قبل به دنبال رفتن از ایران بودم، ولی امیریل ارجمند به من گفت که تو تا نزدیک قله رفته‌ای و اگر بخواهی برگردی پایین و قله دیگری را فتح کنی، طول خیلی می‌کشد. تصمیم گرفتم یکی دو سال دیگر در ایران فعالیت کنم و اگر به نتیجه نرسیدم، از قله بیایم پایین.

هنر چه نقشی در زندگی شما و حال کنونی شما داشته‌است؟

هنر برای من فقط علاقه نیست، هنر برای من درآمد هست، برای من دغدغه هست، برای من وظیفه هست، تحصیل هست، عادت است، من به هنر اعتیاد دارم و هنر برای من همه چیز است. زمانی که هجده ساله بودم روزی با پدرم سر سفره ناهار بودیم که به من گفت: تو در آستانه نوزده‌سالگی هستی و بزودی وارد جامعه خواهی شد، هم سن و سال‌های تو چیزی بیشتر از تو دارند و آن هم این است که معلولیت ندارند و سد بزرگی به نام معلولیت جلوی تو وجود دارد. تو برای عبور از این سد، سه راه داری؛ یا سرمایه زیادی داشته باشی، یا تحصیلات عالی و یا هنر و محبوبیت. که من دومی و سومی را انتخاب کردم. من در رشته روانشناسی تحصیل کرده‌ام، ولی درجه هنری‌ام که تا چندی دیگر صادر می‌شود، معادل فوق‌لیسانس است. من با این گفته که معلولیت محدودیت نیست، کاملا مخالفم. معلولیت کاملا محدودیت است، اما به قول مجتبی میرزاده استاد ویلن، محدودیت، ایجاد خلاقیت می‌کند. کسانی که در دنیا به موفقیت‌های بزرگی رسیده‌اند، اغلب در محدودیت بوده‌اند. اکثر هنرمندان و سرمایه‌داران در دنیا از شرایط سخت به جای بزرگ رسیدند.

شما برای محافظت از صدایت که به نوعی سرمایه‌ات است، چه می‌کنی؟

یک روز از استاد گلپا پرسیدم برای صدایم چه چیزی مضر است که نباید بخورم؟ ایشان

من با این گفته که معلولیت محدودیت نیست، کاملا مخالفم. معلولیت کاملا محدودیت است، اما به قول مجتبی میرزاده استاد ویلن، محدودیت ایجاد خلاقیت می‌کند

گفت اگر چیزی مضر بود خدا آن را نمی‌آفرید، خودت باید بفهمی که چه چیزی برایت خوب هست یا نیست. معمولا قبل از کنسرت یک سری موارد را رعایت می‌کنم. ولی برعکس دیگران، آب سرد و خوراکی‌های سرد، مثل بستنی صدایم را باز می‌کند. نمی‌شود برای کسی چیزی را تجویز کرد. من خوردن آب‌جوش و عسل و آبلیمو به صورت ناشتا یا خوردن سیب و نخوردن انار قبل از کنسرت، را رعایت می‌کنم. در هنگام خواندن آواز، بیش از صد و هفتاد عضله هم‌زمان به کار می‌افتند و فشار زیادی به خواننده می‌آید. وقتی که چند روز پشت سرهم کنسرت بدهم، واقعا نیاز دارم که یک روز کامل استراحت کنم. چون روی صحنه باید راه رفت، باید هم حرف زد و هم خواند و هم حواست به ارکستر باشد. حسی که از مردم می‌گیری و حسی که به مردم می‌دهی هم فشار روانی و فشار جسمی زیادی را ایجاد می‌کند.

آیا کسی که می‌خواهد آواز کار کند حتما باید از قبل صدای خوبی داشته‌باشد؟

به نظرم در موسیقی ایرانی باید حتما یک سری فرم‌هایی در صدای شخص وجود داشته‌باشد. گفته می‌شود که هر صدایی قابلیت ساختار دارد، ولی من به این اعتقاد ندارم. درست است که سلیقه مردم عوض شده، ولی هنوز هم مردم صدای خوب را بیشتر می‌پسندند. گاهی موجی آمده و افرادی آمده‌اند و خواننده‌اند، ولی ماندگار نبودند. افرادی که صدای خوبی دارند، چه در موسیقی پاپ و چه در موسیقی ایرانی، به قول استاد شجریان، ماندگار می‌شوند.

آیا شما در مدرسه نابینایی درس خواندید؟

خیر. من از ابتدا به مدارس عادی رفتم، چون پدرم مخالف این بود که در مدارس استثنایی

درس بخوانم. من تا دیپلم در مدارس عادی بودم و دانشگاه را هم که طبیعتا به‌طور عادی گذراندم. در مدرسه عادی با خط بریل درس خواندم و تا هجده سالگی هیچ دوست نابینایی نداشتم. چون در جامعه بیناها زندگی کردم، بیشتر دوستانم بینا هستند و حتی گاهی دوستان می‌گویند، گاهی فراموش می‌کنیم که تو نابینایی. من با دوستانم به کوه می‌روم و گاهی آنها به من می‌گویند تومی بینی و خودت را به نابینایی زده‌ای.

زندگی مستقلی دارید؟

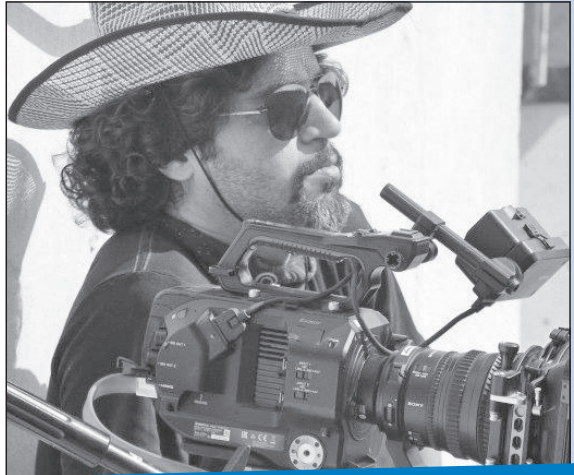
در حال حاضر با خانواده‌ام زندگی می‌کنم ولی در اولین زمانی که از لحاظ مالی توانایی پیدا کنم، مستقل خواهم شد. مشکلی برای تنها زندگی کردن ندارم و بیشتر مسافرت‌هایم را به تنهایی می‌روم. برای پیگیری کارهای شخصیم هم خودم می‌روم در جامعه رفت و آمد می‌کنم.

آیا شرایط حضور در جامعه از نظر مناسب‌سازی‌های شهری برای شما مناسب است و آیا می‌توانید مستقلا در شهر رفت و آمد کنید؟

علامه جلال‌الدین همایی، شعری دارد که بیت اول آن این است، می‌گوید: تاجم نمی‌فرستی، تیغم به سر مزن مرهم نمی‌دهی، زخم دگر مزن. مناسب‌سازی نمی‌خواهیم، لطف کنند نامناسب‌سازی نکنند. توصیه‌ای به شهرداری ندارم، چون فقط شعار می‌دهند و گوش شنوایی هم نیست. لازم است که بگویم اصفهان تنها شهری است که ارتباط شهرداری و مردم با نابینایان بسیار خوب است. چون اولین بار مدرسه نابینایان در تبریز و اصفهان تاسیس شد و کلا اصفهانی‌ها با اقلیت‌ها ارتباط خوبی دارند.

چه توصیه به دوستانی دارید که صحبت‌های شما را می‌خوانند؟

می‌خواهم به دوستانم بگویم که اگر تحقیر و ترحمی هست، با عث آن خودمانیم، نه مسئولان و مردم. خودمان دست روی دست گذاشته‌ایم و به خود تلقین کرده‌ایم که "نمی‌توانیم" و "نمی‌شود". ما با هم اتحاد و خودباوری نداریم. به نظرم هر وقت انسان بخواهد کاری را شروع کند، دیر نیست. به شرطی که بخواهیم و امیدوار باشیم. من اعتقادی به امید واهی دادن ندارم، ولی امیدواری چیز خوبی است. امید، آخرین چیزی است که در انسان می‌میرد. به قول نظامی: چه خوش باشد که بعد از انتظاری به امیدی رسد امیدواری.



رضا عیبات اهل خوزستان و حرفه اصلیش فیلم‌برداری است. او در هنرستان هنرهای تجسمی، رشته سینما و در دانشگاه سوره، رشته فیلم‌برداری را خوانده‌است. اهالی سینما او را فیلم‌برداری حرفه‌ای می‌دانند ولی او علاوه بر تصویربرداری، فیلم هم می‌سازد. به دلیل ساختن مستندی به نام "آنها" که دنیای ناشنویان را به مخاطب معرفی می‌کند با او به گفت‌وگو نشستیم و از مختصات آخرین مستند او سوال کردیم. مستند "آنها" در جشنواره سینما حقیقت در مهرماه سال جاری به نمایش عمومی درآمد.

با صدای بی‌صدا

در گفت‌وگو با کارگردان مستند "آنها"

چه شد که سراغ افراد ناشنوا رفتید و مستند "آنها" را ساختید؟

معمولا افرادی که در راس امور قرار دارند، دوست دارند به جمعیت کمتری پاسخگو باشند. بنابراین گروه‌هایی را حذف می‌کنند. مثلا زنان، اقلیت‌های دینی، اقلیت‌های نژادی و را حذف می‌کنند تا به تعداد کمتری پاسخگو باشند. به همین دلیل تبعیض‌ها شکل می‌گیرد. از این رو من به دنبال افرادی بودم که نژاد، زبان، جنسیت و دین‌شان خیلی مهم نباشد. ناشنویان از این گروه هستند. آنها به افراد مانند خودشان، "ما" و به بقیه که ناشنوا نیستند، "آنها" می‌گویند. همانطور که ما به ناشنویان "آنها" می‌گوییم. یعنی در جهان خودشان هستند و همه چیز را براین اساس تعبیر و تفسیر می‌کنند. من با این کار می‌خواستم تبعیض را، بدون این که جنسیت، نژاد و زبان خاصی را شامل شود، نشان دهم. اول می‌خواستم نابینایان را انتخاب کنم، ولی دیدم افراد نابینا، هم زبان و هم لهجه دارند که آنها را از هم تفکیک می‌کند. البته با موضوع ناشنویان تا اندازه‌ای آشنایی هم داشتم ولی دلیل انتخاب ناشنویان، محتوای فیلم بود.

همه افرادی که جلو دوربین می‌آمدند به این امید بودند که بتوانیم کاری برایشان انجام دهیم. مثلا اشتغالی برایشان ایجاد شود و یا کارهایشان مقابل دوربین دیده شود ولی ما همیشه شرمند آنان بودیم که جز ساختن یک فیلم کار دیگری نمی‌توانستیم برایشان انجام دهیم

آنهايي بودند که من فیلم‌بردارشان بودم. مثل "به کجا تعلق دارم"، از خانم شیخ‌الاسلامی یا مستند "صفر تا سکو" از سحر مصیبي و من همیشه ذوق کار را داشتم و به این فکر نمی‌کردم که مستند است یا داستانی. در فیلم‌برداری کار داستانی، احساس مستند داشتم، همانطور که در کار مستند، احساس داستانی دارم. به نظر من مهم تأثیری است که هر فیلمی روی مخاطب می‌گذارد، چه از طریق مستند باشد و چه داستانی.

لطفا خودتان را معرفی کنید:

رضا عیبات هستم. اهل خوزستانم و تا هفده سالگی در اهواز زندگی کردم و بیست و یک سال است که در تهران ساکن هستم. من در هنرستان هنرهای تجسمی، رشته سینما و در دانشگاه سوره، رشته فیلم‌برداری را خواندم. حوزه کاری من فیلم‌برداری است.

چطور به فعالیت در حوزه سینما علاقه‌مند شدید؟

خیلی اتفاقی به این حوزه وارد و به آن علاقه‌مند شدم. در خیابان بنری دیدم که روی آن نوشته شده بود، هنرستان هنرهای تجسمی در رشته سینما هنرجو می‌پذیرد. من هم ثبت نام کردم و در رشته سینما مشغول شدم و به این حوزه بسیار علاقه‌مند شدم. البته آن زمان هیچ برنامه‌ای برای این که وارد حوزه بازیگری یا فیلم‌برداری و کارگردانی شوم نداشتیم. بالاخره درگیر و مشغول به فعالیت شدم. برای من تفاوتی بین کار مستند و کار داستانی وجود ندارد و در هر دوی آنها کار کرده‌ام، منتهی مستندهایم بیشتر دیده شدند. البته مستندهایی که خوب دیده شدند،



پیگیری این موضوع را از کجا شروع کردید؟

در شروع کار من به یکی از دوستانم در زندان ماهشهر، زنگ زدم و پرسیدم که "توکسی را می‌شناسی که ناشنوا باشد و خلاقی هم مرتکب شده باشد؟" او گفت، اتفاقاً فردی به نام عباس که هشت سال است به جرم قتل همسرش در زندان است را می‌شناسم که چون پول دیه را ندارد، قرار است اعدام شود. چون به راحتی اجازه نمی‌دادند که وارد زندان شوم و با او صحبت کنم، تصمیم گرفتم به کانون ناشنوایان خوزستان مراجعه کنم. دایی من که خودش ناشنواست، رئیس کانون در خوزستان است. او چندین کانون ناشنوایان را در شیراز و شهرهای دیگر راه‌اندازی کرده‌است. من به کمک مترجم‌هایی که همراه داشتم با ناشنوایان آن مرکز صحبت کردم. این افراد وقتی من را درون خودشان می‌پذیرفتند که سریع بفهمم چه می‌گویند و بتوانم با آنها حرف بزنم. فضای عجیبی در این ارتباط وجود داشت، چون من برای آنان همان "آنها" بودم. البته خیلی هم مقصر نبودند و این نتیجه رفتاری است که با آنها شده‌است. همانطور که اول فیلم هم گفته می‌شود: "در ابتدا برای همه جذاب به نظر می‌آییم، ولی بعد که به ارتباط نمی‌رسیم، آنها از ما روی برمی‌گردانند." این افراد چون همیشه در فاصله با بقیه قرار دارند، با افراد شنوا خیلی گرم نمی‌گیرند. من از افرادی که می‌خواستم با آنها حرف بزنم، خواستم که هرکدام با مترجم خودش بیاید که ممکن بود این مترجم مادرش باشد. اینجا دیگر سواد برایم مهم نبود، مهم این بود که این مادر چقدر این فرزندش را می‌فهمد. گاهی مادر چیزی می‌گفت که ربطی به گفته فرزند ناشنوایش نداشت و مترجمان زبان اشاره به من می‌گفتند که این فرد چیز دیگری می‌گوید، ولی برای من چیزی که مادرش می‌گفت مهم بود چون فرزندش را خوب می‌شناخت. در فیلم، پسر کوچکی حرف‌های پدر و مادر ناشنوایش را برای من ترجمه می‌کرد. من دیدم این این بچه دارد خاطره خود را تعریف می‌کند چون به خوبی پدر و مادرش را می‌شناخت. یا آن خانمی که خودش شنوا و همسرش ناشنواست و در فیلم می‌گوید که، این افراد خیلی حساس هستند و هر چیزی که بگویی، فکر می‌کنند داری درباره آنها صحبت می‌کنی. این گفته‌های افراد خانواده، برای من ارزش زیادی داشت.

چقدر طول کشید که توانستید با این افراد ارتباط برقرار کنید؟

این پروژه سه بخش داشت. یک بخش

در سایر معلولیت‌های جسمی حرکتی، ارتباط با اطرافیان قطع نمی‌شود. ولی حس شنوایی خیلی مهم است، چون وقتی نمی‌شنوی، نمی‌توانی حرف هم بزنی و ایجاد ارتباط خیلی سخت می‌شود

آن فقط این بود که به کانون و به انجمن ناشنوایان بروم و با این افراد فقط گپ بزنم و فیلم‌برداری کنم. این کار را انجام دادم و به تهران برگشتم. وقتی این راش‌ها را در تهران به هم چسباندیم، متوجه شدم که کافی نیست. بخش دوم با صداپردارو عوامل فیلم‌برداری رفتیم و پنج روز از آنها مصاحبه گرفتیم. سفر کوتاهی هم با آنها رفتیم و با هم غذایی خوردیم و فوتبالتشان را دیدیم. بخش سوم، مربوط به زندان و مصاحبه با آن فرد زندانی بود. گرفتن مجوز خیلی طول کشید. کل این کار با گرفتن مجوز زندان و تدوین حدود یک‌سال طول کشید.

مشکل ناشنوایان عدم ایجاد ارتباط با دیگران است. شما این افراد را در مقایسه با سایر معلولیت‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من چون شنوایی و بینایی جزو حواس پنجگانه هستند، چنانچه این حواس در افرادی از بین بروند، ایجاد ارتباط برای آنها خیلی سخت‌تر از نداشتن یک دست و یا یک پا است. در سایر معلولیت‌های جسمی حرکتی، ارتباط با اطرافیان قطع نمی‌شود. ولی حس شنوایی خیلی مهم است، چون وقتی نمی‌شنوی، نمی‌توانی حرف هم بزنی و ایجاد ارتباط خیلی سخت می‌شود. اگر چشمانمان را ببندیم می‌توانیم حس نابینایی را درک کنیم، ولی هرگز نمی‌توانیم جلوی شنیدن خود را بگیریم. حتی اگر در اتاق بدون پژواک هم قرار بگیریم، صدای اندام‌های بدن مثل قلب و حتی رد شدن خون در رگ‌ها را خواهیم شنید.

در این مستند با چند نفر مصاحبه کردید و این افراد چگونه راضی شدند جلو دوربین بیایند؟

از اول با حدود چهل نفر شروع کردیم ولی از این تعداد، بیست‌نفر که در فیلم هستند را انتخاب کردیم. البته افرادی که جلوی دوربین قرار گرفتند با اعضای خانواده و اطرافیان،

حدود هفتاد نفر می‌شدند. آنها در شروع اصلاً علاقه‌ای به آمدن جلوی دوربین نداشتند و باید آنها را راه می‌انداختیم. مترجم‌هایی که پشت سر من بودند، نمی‌گذاشتند ارتباط من با این افراد قطع شود. مثلاً من می‌دانستم که چه سوالی از آن دختر نوجوان می‌خواهم بپرسم، ولی این پروسه که من بخواهم سوال را بپرسم و مترجم همراهی کند و آن دختر جواب بدهد و باز مترجم برایم ترجمه کند، مدت‌ها طول می‌کشید. برای همین مدت‌ها طول کشید تا به مرحله‌ای برسیم که این افراد با من احساس راحتی کنند.

بیشتر چه سوالاتی را از افراد ناشنوا می‌پرسیدید و هدف شما از انجام این مصاحبه و این سوال‌ها چه بود؟

مثلاً می‌پرسیدم: اگر کشوری مخصوص ناشنوایان باشد که نیاز به ویزا و مجوز داشته باشد، آیا ما را راه می‌دهید؟ جالب این‌که هیچ‌کدام حاضر نبودند شنوایان را به این کشور فرضی راه بدهند. وقتی که بیشتر به آنها نزدیک شدم و دوباره همین سوال را پرسیدم، گفتند: شما را به عنوان فیلم‌بردار، صداپردار و کارگردان راه می‌دهیم. می‌گفتند افرادی که درباره ما فیلم می‌سازند، برای ما کار می‌کنند، زبان اشاره را بلد هستند و ما را مسخره نمی‌کنند را راه می‌دهیم. این سوال را اول می‌پرسیدیم و در آخر کار هم پرسیدیم. ولی جواب آنها در اول و آخر مصاحبه با هم تفاوت داشت. البته سوال‌های دیگری هم بود که در فیلم پرسیده می‌شود. هدف ما از این سوالات این بود که در سی و پنج دقیقه وارد دنیای ناشنوایی شویم و دنیای ناشنوایی را تا حدودی بشناسیم، چون در یک فیلم سی و پنج دقیقه‌ای، بیشتر از این نمی‌شد به شناخت رسید. این افراد گاهی در مورد خودشان و زندگی‌شان و گاهی هم در مورد ارتباط افراد شنوا با خودشان صحبت می‌کردند.

افرادی که در این مستند با آنها رابطه گرفتید، مستقل بودند و یا با خانواده زندگی می‌کردند؟

همه افرادی که جلو دوربین آمدند به امید این بودند که بتوانیم کاری برایشان پیدا کنیم و ما همیشه شرم‌منده آنان بودیم که جز ساختن یک فیلم کار دیگری نمی‌توانستیم برایشان انجام دهیم. این که به آنها توضیح دهیم که همین فیلم ساختن از شما و نشان دادن به نوعی کار است، کار سختی بود. بیشتر این افراد برای این آمده بودند که کاری برایشان



و اجازه نمی‌دادند با او مصاحبه کنیم.

آیا بازخورد خوبی از این فیلم گرفته‌اید؟

افراد زیادی فیلم را دیدند ولی من به عنوان یک سینماگر انتظار داشتم که این فیلم، مورد قضاوت سینمایی قرار بگیرد. ولی متأسفانه فیلم در بحث قضاوت‌های سینمایی مطرح نشد و وارد قضاوت‌های انسانی شد. یعنی هیچ‌کسی نیامد بگوید این فیلم از لحاظ ساختار این گونه است و چرا آن‌طور نیست؟ بیشتر کسانی که فیلم را دیدند از من پرسیدند که این افراد حالا زنده‌اند؟ الان این افراد چکار می‌کنند؟ به هر حال این فیلم، در نقش یک فیلم آموزشی برای جمعیتی که می‌خواستند بفهمند که ناشنوایان چگونه افرادی هستند و چگونه باید با این افراد برخورد کرد، مطرح شد.

این فیلم در کجا نمایش داده خواهد شد؟

می‌خواهیم این فیلم را در سینما نمایش دهیم. خود کانون ناشنوایان کانالی در وزارت ارشاد دارند که می‌توانند فیلم را در سینما نمایش بدهند. کانون ناشنوایان منتظر است یک فیلم دیگر هم در کنار این فیلم باشد که هر دو را با هم روی پرده ببرند. در جشنواره سینما حقیقت، این فیلم در نوزده شهر نمایش داده شد و من هر شب از افرادی که فیلم را در شهرهای مختلف دیده بودند، پیام می‌گرفتم. پس نشان می‌دهد که جامعه از این فیلم استقبال کرده و انگار بیشتر برای افراد شنوای جامعه تهیه شده‌است. این فیلم برای ناشنوایان زیر نویس نشد چون اگر ناشنوایان این فیلم را نبینند هم خیلی مهم نیست. ناشنوایان مایلند خودشان را به افراد شنو نزدیک کنند، مثل همان دختری که آرزو دارد خواننده شود. خواننده شدن برای کسی که شنوایی ندارد، کار سختی است ولی این فرد تمام سعی‌اش را می‌کرد. به نظرم بعد از دیدن این فیلم، مخاطب متوجه می‌شود که دنیای ناشنوایی، دنیای عجیبی نیست که نتوان با آن کنار بیایی.

و سخن آخر...؟

امیدوارم روزی برسد که ما انسان‌ها از قضاوت‌های نادرست که همراه آن عصبی شدن، پرخاشگری، ناراحت شدن و ... است، دست برداریم. ما اجازه اشتباه کردن را به افراد نمی‌دهیم و با دخالت‌ها و قضاوت‌هایمان لذت اشتباه کردن را از دیگران می‌گیریم.

زبان اشاره انگلیسی بین‌المللی است، ولی همه ناشنوایان زبان اشاره انگلیسی را بلد نیستند. برای این که بتوانند به زبان اشاره بین‌المللی صحبت کنند اول باید انگلیسی بدانند و بعد زبان اشاره را یاد بگیرند

رفت پشت بلندگو و گفت: آنهایی که شنوا هستند به آنهایی که ناشنوا هستند بگویند که امشب عمیق و زیر سقف خوابند و ... برای من خیلی جالب بود که این افراد، فرهنگ و روش‌های ارتباطی خودشان را با هم دارند. آیا خود ناشنوایان بیشتر علاقه دارند که با لب‌خوانی ارتباط برقرار کنند یا با زبان اشاره؟ این که ناشنوایان لب‌خوانی کنند، نیاز ماست نه آنها. یعنی لب‌خوانی برای این است که ناشنوایان بفهمند ما چه می‌گوییم.

ما اگر بخوایم بفهمیم آنها چه می‌گویند، چکار باید بکنیم؟

ناشنوایان با زبان اشاره خیلی راحت با هم ارتباط می‌گیرند. زبان اشاره، از زمان‌های بسیار دور وجود داشته و در واقع اولین راه ارتباطی بین انسان‌ها، قبل از اینکه زبان امروزی بوجود بیاید بوده‌است. الان هم خیلی از افراد با اشاره با هم حرف می‌زنند. هرانسانی در کشوری که زبانش را نمی‌داند باید با اشاره حرف بزند.

این فیلم به سفارش جایی تهیه شد یا علاقه خودتان بود؟

در واقع ساختن این مستند علاقه خودم بود. من هم تدوین‌گر، هم کارگردان و هم فیلم‌بردار این کار بودم و هیچ مبلغی هم از جایی دریافت نکردم. همه افراد تیم با یک فعالیت جمعی این مستند را به سرانجام رساندند. البته تهیه کننده ما، خانم نجمه همدانی هزینه‌های رفت و آمد من به اهواز را متقبل می‌شدند. ایشان کانون تبلیغاتی دارد و قبول کرد که این کار را انجام دهد. البته علاوه بر تامین این هزینه‌ها ایشان وقت زیادی را برای انجام کارهای اداری و رفتن پیش استاندار و گرفتن نامه و مجوز و غیره صرف کرد که بسیار دشوار بود. مثلاً مصاحبه با فردی که حکم اعدام داشت بسیار سخت بود و با دشواری زیاد توانستیم مجوز آن را بگیریم. آن فرد زندانی حکم اعدام داشت

ایجاد شود و کسی به آنان کمک کند. البته چند نفر از آنان با کارشان آمده بودند. مثلاً یک فرد نقاش داشتیم که با تابلوهایش آمد و وانصافاً کارش هم خیلی حرفه‌ای بود، ولی به دلایلی نتوانستیم در فیلم از او استفاده کنیم. این شخص انتظارش هم انتظار زیادی نبود، می‌خواست یک گالری، کارهایش را به نمایش بگذارد. فرد دیگری گچ‌کار حرفه‌ای بود که از این راه درآمد داشت. عکس کارهایش را در گوشی موبایلش آورده بود و نشان می‌داد. تنها در مورد سه قلوهایی که ناشنوا بودند و در فیلم هم هستند، تهیه کننده توانست یک سه‌چرخه موتوری برایشان تهیه کند که با آن کار کنند.

این مستند را به خود بچه‌ها نشان دادید و فیلم را دوست داشتند؟

بله. ناشنوایان از این که دیده شوند، خیلی خوشحال می‌شوند. در جاهایی از فیلم، حرف‌هایی زده می‌شد که من فکر می‌کردم از گذاشتن این مطالب ناراحت شوند، ولی دیدم که اعتراض می‌کردند که چرا صحبت‌های فلان شخص را هم نگذاشتی. من این روحیه آنان را دوست داشتم. در جشنواره سینما حقیقت که این فیلم نمایش داده شد، تعداد زیادی از ناشنوایان شرکت کردند، به طوری که بلیط کم آوردیم و به سختی برای همه آنها امکان دیدن فیلم را فراهم نمودیم. بعد از پایان نمایش، بسیار تشویق کردند. من در پایان فیلم نظرشان را پرسیدم. گفتند، همین که چنین مستندی ساخته شد، خیلی مهم است. آنها از این که چنین فیلمی ساخته شده و از این راه دیده شده بودند، خوشحال بودند. من چنین انتظاری نداشتم.

آیا زبان اشاره یک زبان بین‌المللی است؟

یک سری از اشارات در زبان اشاره، بین‌المللی است و غیر از آن زبان هجی است که با حروف می‌توان با فرد مقابل حرف زد. زبان اشاره انگلیسی یا بریتیش، بین‌المللی است، ولی همه ناشنوایان زبان اشاره انگلیسی را بلد نیستند. برای این که بتوانند به زبان اشاره بین‌المللی صحبت کنند اول باید انگلیسی بدانند و بعد زبان اشاره را یاد بگیرند. یک روستا در حوالی شهر سقز هست که ۷۳ درصد ساکنانش ناشنوا هستند. ما از کدخدای این روستا فیلمبرداری می‌کردیم و دو روز قبلش هم در این منطقه زلزله شده بود. این فرد به من گفت، باید بروم از بلندگوی مسجد اعلام کنم که به گفته هلال‌احمر امشب کسی زیر سقف نخواهد. او



یاشار خدایی، موسیقیدان است و بیش از سی سال است که در زمینه موسیقی فعالیت حرفه‌ای دارد. علی‌رغم اینکه رشته تحصیلی او فنی مهندسی است و در رشته مهندسی استراتژیک تا مقطع دکتری تحصیل کرده و مدرک گرفته ولی عشق به موسیقی او را تا آلمان و سوسیسی برای یادگیری و کسب تجربه رشته "موسیقی درمانی"، کشانده. او به عنوان یک فعال اجتماعی، از اعضای موسس انجمنی یاریگران کودکان کار پویا (کودکان کار افغان) و موسس آکادمی مهرآیین با رویکرد آموزش هنر به افراد توان یاب بوده و با بیش از ۷ انجمن خیریه دیگر نیز به عنوان عضو هیئت مدیره یا مشاور استراتژی یا سرپرست هنردرمانی فعالیت دارد. خدایی نزدیک به ده سال است که با مرکز رعد همکاری دارد و کلاس آموزش موسیقی را برای علاقمندان موسیقی در رعد برگزار می‌کند. اعضای ارکستر موسیقی رعد که سال‌هاست در مراسم مختلف هنرنمایی دارند، از هنرجویان این مدرس موسیقی هستند.

با او و با تعدادی از هنرجویان کلاس به گفت‌وگو نشستیم.



در گفت‌وگو با مدرس کلاس موسیقی؛

هنر درمان نمی‌کند، شفا می‌دهد!

از چه زمانی همکاری خود را با رعد شروع کردید؟

در سال ۸۹ معاونت آموزش فرهنگی آن زمان وزارت ارشاد، رعد را به من معرفی کردند. در همان ایام از وزارت ارشاد مجوز فعالیت گرفته‌بودم و ایشان از این طریق با فعالیت‌های من آشنا شده بودند.

از همان سال فعالیتیم را با مرکز رعد آغاز نمودم. در رعد، کلاس موسیقی دارم و به هنرجویان علاقمند، تئوری موسیقی و ساز و آواز یاد می‌دهم. با کمک و همت کارآموزان این مرکز، گروه موسیقی رعد را راه‌اندازی و کنسرت‌های مختلفی هم برگزار نمودیم. چهارسال است که رئیس هیئت مدیره مدرسان رعد و عضو اتاق فکر این مرکز هم هستم.

نقش هنر را در توان بخشی افراد دارای معلولیت چگونه می‌بینید؟

به نظر من، هنر درمان نمی‌کند، شفا می‌دهد. درمان یکی از مفاهیم تریبی است و مفهوم دیگر آن، تکرار است. بخش انکارناپذیر هنر، تکرار است و نمی‌شود تکرار را از هنر جدا کرد. هر هنری، چه موسیقی، چه تئاتر و چه نقاشی، برای تسلط بر آن، نیازمند تکرار است. هنردرمانی بر مبنای تکرار، خصلت ذاتی

بچه‌ها تاکنون بیش از ده ها کنسرت را یا در خود رعد و یا به اسم رعد، در مکان‌های دیگر اجرا کرده‌اند

(expressive art therapy) را در موسسه محک پیاده‌سازی کردیم و به مرور به عنوان یک فعال اجتماعی و کسی که می‌خواهد کاری فراتر از کارهای روزمره انجام دهد، وارد کارهای خیریه‌ای شدم. انجمنی را با یاری دوستان بزرگواری برای کودکان کار افغان تاسیس کردیم و در چندین انجمن دیگر هم عضو هیئت‌مدیره یا مشاور استراتژی هستیم. در بیشتر این انجمن‌ها در بخش اتاق فکر فعالم و در بخش‌های هنری‌شان کار تئاتر و موسیقی را هم انجام می‌دهم.

لطفا خودتان را معرفی کنید؟

یاشار خدایی هستم. مدرک تحصیلی من، دکترای مهندسی استراتژیک است که ربطی به موسیقی ندارد ولی حدود سی سال است که در زمینه موسیقی و تیاتر فعالیت حرفه‌ای دارم. اولین کنسرتم را در سن هشت سالگی اجرا کردم. مدتی در واحد تولید صدا و سیما و مدتی با ارکستر ملی همکاری داشتم و افتخار فعالیت با بزرگانی مثل زنده‌یاد پورعطایی، پور رضا و عاشورپورو بزرگان دیگری از جمله اساتید بیژن کامکار، هوشنگ کامکار، فرهاد فخرالدینی، زنده یاد بابک بیات و سایر هنرمندان در حوزه‌های مختلف موسیقی دارم. مدتی هم در حوزه تئاتر فعالیت داشتم و در سینما و در بخش تولید سیما هم آهنگ‌سازی و اجرای موسیقی داشته‌ام. بسیاری از موسیقی‌هایی که در صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش می‌شوند، توسط من و دوستانم نواخته شده‌اند. موسیقی درمانی یا در شکلی کامل تر هنردرمانی را ابتدا خودآموخته بر مبنای تجربیات و دانش کسب کرده آغاز نمودم و سپس در آلمان و سوسیسی موفق به کسب تجربه و علم آموزی شدم و از اعضاء انجمن موسیقی درمانی آلمان هستم. برای اولین بار، هنردرمانی پویا و بیانگر



هنراست. در ایران هنردرمانی زیر مجموعه روانشناسی و کاردرمانی است ولی در آلمان، هنر درمانی به عنوان یک شاخه مستقل زیر نظر طب مکمل محسوب می‌شود. از هجده سال پیش توان بخشی توسط هنر را که برای اولین بار با شاید توسط آقایان؛ دکترزاده محمدی و دکترعشایری به شکل نظری بیان شده بود و بنده و چند نفر دیگر در ایران با رویکرد عملی شروع کردیم.

هنردرمانی فقط شامل موسیقی است یا هنرهای دیگر را در برمی‌گیرد؟

هنردرمانی شامل همه هنرهاست. از معرق بگیرد تا نقاشی و تئاتر و موسیقی و هر چیزی که اسم هنر را بتوان بر آن گذاشت. البته بعضی از کشورها، هنردرمانی را مختص هنرهای تجسمی می‌دانند، ولی ما معتقدیم که هر فعالیتی که جنبه هنری داشته باشد، می‌تواند در حیطه هنردرمانی قرار بگیرد.

روش کار شما در کلاس موسیقی چگونه است؟

این کلاس یک روز در هفته در دونوبت صبح و عصر برگزار می‌شود. صبح‌ها، آموزش تئوری موسیقی و آموزش ساز را داریم و بعد از ظهرها، تمرین ارکستر داریم. اجراهای ارکسترها، در سه بخش تعریف می‌شوند. یا در مراسمی که رعد برگزار می‌کند، اجرا داریم و یا در مراسم دیگر انجمن‌ها و یا به دعوت کسانی که تعریف این گروه را شنیده‌اند، برای اجرا می‌رویم. بچه‌ها تا کنون بیش از ده‌ها کنسرت را یا در خود رعد و یا به اسم رعد، در مکان‌های دیگر اجرا کرده‌اند.

در این مدت نسبتاً طولانی که با بچه‌های رعد کار موسیقی می‌کنید، چه تاثیری از موسیقی بر روی کارآموزان رعد دیده‌اید؟

بچه‌ها در کارموسیقی و خصوصاً در اجرای ارکستر، زیستن در کنار هم، با هم بودن، همراهی کردن و یک‌پارچه بودن را یاد می‌گیرند. آنها در ارکستر، انتقادپذیری، تحمل‌پذیری و زندگی اجتماعی را می‌آموزند، چون مخاطب ارکستر باید یک صدا را بشنود و چند صدایی به معنای هرج و مرج در ارکستر وجود ندارد. البته در ارکستر بنا به نوع ارکستر و سازبندی چند صدایی هم وجود دارد که هرکس ظاهراً ساز خود را می‌نوازد ولی برآیند این سازها و صداها، وحدت صداها و موسیقی‌ای است که برای مخاطب خوشایند و متبوع است. البته در رعد با مشکلاتی روبه‌رو هستیم. مثلاً؛ فضای ما آکوستیک نیست و فضای کلاس، فضای

بچه‌ها در کارموسیقی و خصوصاً در اجرای ارکستر، زیستن در کنار هم، با هم بودن، همراهی کردن و یک‌پارچه بودن را یاد می‌گیرند

نیست که حس و حال موسیقایی داشته باشد ولی وجود هنرجویان فعال در کلاس، این نواقص را پوشش می‌دهد.

استقبال بچه‌ها و کارآموزان رعد از این کلاس چگونه است؟

بچه‌ها با چند دیدگاه در این کلاس شرکت می‌کنند. یا واقعا عاشق موسیقی هستند که با تمرین و پیگیری به پیشرفت‌های خوبی می‌رسند و وارد ارکستر می‌شوند و یا اینکه چند ترم می‌آیند و وقتی می‌بینند که موسیقی آنقدر هم که فکر می‌کردند ساده نیست، ادامه نمی‌دهند. به هر حال ورودی بچه‌ها به کلاس موسیقی زیاد است ولی خروجی ما از این کلاس کم. من هم علاقه ندارم که کسی را به زور نگه دارم و یا روش تدریس را ساده کنم تا کسی کلاس را ترک نکند، چون موسیقی هنری قاعده‌مند است و اگر کسی بخواهد در آن پیشرفت کند و وارد ارکستر شود، باید زحمت زیادی بکشد. البته من به جنبه توان بخشی موسیقی هم بسیار توجه دارم چون افرادی را داریم که ظاهراً نمی‌توانند ساز بنوازند ولی شرکت در این کلاس، حالت درمانی برایشان دارد و من از حضور آنها در کلاس بسیار استقبال می‌کنم. چه سازهایی را در این کلاس آموزش می‌دهید؟ بیشتر سازهایی سنتی مانند؛ سنتور، سه‌تار، تنبور و سازهایی کوبه‌ای را آموزش می‌دهیم. بچه‌ها در این کلاس تئوری موسیقی را هم یاد می‌گیرند. بیشتر کسانی که به این کلاس آمده‌اند، سواد موسیقی نداشته‌اند و تنها با یک علاقه اولیه به موسیقی، وارد کلاس شدند ولی این علاقه به عشق تبدیل شد و ادامه دادند. بچه‌های این کلاس، هشت سال است که کارموسیقی می‌کنند.

چند هنرآموز در این کلاس آموزش می‌بینند؟

در کلاس صبح، حدود چهارده نفر هستند که هم تئوری موسیقی و هم ساز زدن را

آموزش می‌بینند. در کلاس بعد از ظهر هشت نفر هستند که در حوزه ارکسترو هم‌نوازی کار می‌کنند. افرادی هم هستند که آموزش‌های اولیه را دیده‌اند و در این کلاس، مراحل ابتدایی ارکستر را آموزش می‌بینند. هر سال که می‌گذرد بچه‌ها مهارت و تجربه بیشتری پیدا می‌کنند. امسال در روز جهانی معلولان، آنها در ایستگاه مترو امام خمینی برنامه اجرا کردند. البته در کلاس موسیقی، فقط از موسیقی حرف نمی‌زنیم، از همه چیز صحبت می‌کنیم. از خودشناسی و عرفان، از زندگی، از استراتژی و مدیریت در زندگی و... چون یک هنرمند باید آگاهی‌های اجتماعی هم داشته باشد. باید خودش خوب زندگی کند و به دیگران هم کمک کند تا خوب زندگی کنند. تعریف هنرمند واقعی کسی است که هم خودش را پالایش می‌کند و هم بر دیگران تاثیر مثبت می‌گذارد. بچه‌های کلاس هم مانند من به این نتیجه رسیده‌اند که اگر ساز وجودمان را خوب بنوازیم، نواختن بقیه سازها سخت نیست.

آیا کلاس موسیقی شما درجه بندی دارد و هر کدام از هنرآموزان در یک جایگاهی قرار دارند؟

بله، همینطور است. میزان تلاش و استعداد بچه‌ها با هم متفاوت است و کسی که بخواهد در ارکستر نقش آفرینی کند، راه دشواری در پیش دارد. تعدادی از هنرجویان با هدف وارد شدن به ارکستر، در کلاس نام‌نویسی می‌کنند ولی من از اول به آنها می‌گویم که باید بسیار تلاش کنند و با صبر و حوصله جلو بیایند تا به مرحله‌ای برسند که بتوانند وارد ارکستر شوند. تاکنون هشت نفر از بچه‌ها بعد از سال‌ها تلاش و کوشش به این مرحله رسیده‌اند. من خیلی خوشحال می‌شوم که بچه‌ها بتوانند به مهارت و تجربه کافی برسند و بتوانیم چند گروه ارکستر داشته باشیم.

چقدر طول می‌کشد که کسی که وارد کلاس موسیقی می‌شود، بتواند وارد گروه ارکستر بشود؟

معمولاً خیلی طول می‌کشد. حداقل سه سال لازم است که بچه‌ها با تمرین‌های منظم و مداوم بتوانند وارد گروه ارکستر شوند. در موسیقی حرف اول را تکرار می‌زند و اگر کسی بخواهد در این زمینه موفق شود باید مرتب تمرین کند. متأسفانه بعضی از بچه‌ها خیلی پویا نیستند و تنبلی می‌کنند. البته نسبت به سال‌های قبل بهتر شده‌اند و اهمیت تکرار و تمرین را فهمیده‌اند.





بچه‌هایی که در ارکستر شرکت دارند، هرکدام یک ساز را باید کاملاً بلد باشند؟
بله هرکدام از آنها حداقل یک ساز را بطور مطلوب می‌نوازند. بعضی از آنها چند ساز را به‌خوبی می‌نوازند و آواز هم می‌خوانند. چون آواز را هم در کلاس آموزش می‌دهیم.

نقش موسیقی را در سال‌هایی که با بچه‌ها کار می‌کنید، بر روحیه و توان جسمانی آنها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این سوال را بهتره خود بچه‌ها پاسخ بدهند. ولی به نظر من موسیقی واقعا معجزه‌گر است و شفا می‌دهد. بزرگ‌ترین اثر موسیقی این است که باعث خودآگاهی فرد می‌شود. بخشی از اثرات هنردرمانی، به تاثیراتی است که روی کورتکس، بخش‌های مختلف و یا نیمکره‌های مغز و حرکات ظریف و مکانیک بدن می‌گذارد، برمی‌گردد. در کل بر سه بخش شناختی، حرکتی، اجتماعی - هیجانی تاثیر بسزایی دارد. بسیاری از بچه‌هایی که معلولیت دارند، در انجام حرکات ظریف با مشکل روبه‌رو هستند که موسیقی و کار با سازهای مختلف، یک نوع فیزیوتراپی برای آنها به شمار می‌آید. موسیقی در افرادی که از لحاظ ذهنی مشکل دارند هم بسیار اثرگذار است. در مرکز مهرآیین که تاسیس کرده‌ایم، دستورالعملی وجود دارد که بر مبنای آن، افراد با هر نوع اختلال، از حرکتی و ذهنی گرفته تا هرنوع آسیب، مثل بزهکاری را می‌پذیریم. من تاثیر موسیقی را بر هرنوع آسیب، چه روحی و چه روانی به وضوح دیده‌ایم. در انجمن محک هم، تاثیر موسیقی را در کاهش سرعت رشد سلول‌های سرطانی و کاهش عوارض جانبی بیماری دیده‌ایم. بر روی بیماران ام‌اس، افراد کم‌بینا و نابینا، افراد ناشنوا و کم‌شنوا و افراد جسمی حرکتی هم این تاثیرات به‌خوبی دیده شده‌است. ولی مهم‌ترین تاثیر موسیقی، ایجاد اعتماد به نفس است که به ابراز وجود افراد کمک می‌کند. ایجاد خودباوری، خویشتن‌شناسی بزرگ‌ترین حاصل موسیقی است. به امید روزی که انسان‌ها در آرامش و عشق با هم زندگی کنند و ساز وجودشان را زیبا اجرا کنند. به نظر من زیباترین ارکستر، زمانی است که یک جامعه و یک ملت هم‌صدا شوند و به هم برای داشتن زندگی زیبا کمک کنند. این ملت می‌تواند از کلاس هشت نفره ما شروع شود تا به یک گروه بزرگ‌تر برسد. من وظیفه خودم می‌دانم که از تک تک دوستانی که در ارکستر با من همراه هستند، تشکر کنم و اعتراف می‌کنم که تک تک این بچه‌ها برای من مثل یک استاد هستند و از همه آنها یاد می‌گیرم. من به عشق این بچه‌ها به رعد می‌آیم، چون

من به جنبه توان بخشی موسیقی هم در کلاس توجه دارم، چون بچه‌هایی را داریم که نمی‌توانند ساز بزنند ولی حضور در کلاس، وجه درمانی برایشان دارد.

شرایط کلاس در رعد، شرایط مطلوبی نیست ولی خوشحالم که در هفته چند ساعتی از وقت و زندگی‌ام را با این دوستان می‌گذرانم.

لطفا توضیح مختصری هم در مورد انجمنی که تاسیس کرده‌اید بگویید:

آکادمی موسیقی مهرآیین اولین مرکز ویژه افراد توان‌یاب در ایران است که در سال ۸۸ به طور رسمی فعالیت خود را آغاز نمود. رویکرد این مرکز آموزش و تریابی به همه طیف‌های توان‌یاب و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد.

رسالت ما کمک به افزایش توجه و نظم بخشیدن به فعالیت‌های افراد دارای معلولیت، تسهیل مهارت‌های ارتباطی و تعاملات اجتماعی، آسیب‌های شنوایی و اختلالات گفتاری

تقویت حواس پنجگانه، کمک به درمان ناتوانی‌های یادگیری، تقویت ساختار برنامه‌های آموزشی و... است.

آموزش‌هایی که در کلاس موسیقی به بچه‌ها می‌دهید، منجر به درآمد هم برای آنها می‌شود؟

بله. بچه‌ها به درآمدهایی رسیده‌اند. البته پول زیادی نیست ولی به هرحال این امکان بوجود آمده‌است. در کنسرت‌هایی که برگزار می‌شود، بلیط فروخته می‌شود و به بچه‌ها پرداخت‌هایی می‌شود. البته اگر بخواهند به مرحله تدریس موسیقی و آواز برسند، باید بیشتر تلاش کنند و تجربه بیشتری کسب نمایند.

لازم است که این را بگویم که فدیا و فرناز و مرضیه و آرزو که امروز در کلاس حضور ندارد، در مواقعی که من نیستم خودشان به بچه‌ها آموزش می‌دهند. یعنی به جایگاه مدرسی هم رسیده‌اند. این بچه‌ها از توان بالایی برخوردارند، خودشان شاگرد دارند و کنسرت اجرا می‌کنند.

بعد از گفت‌وگو با دکتر خدایی، با چند نفر از هنرآموزان کلاس هم به گفت‌وگو نشستیم و نظراتشان را در مورد این کلاس پرسیدیم.

در این کلاس درس زندگی می‌گیریم

امیرهمتیان هستم. حدود ده سال است که به رعد می‌آیم و کلاس‌های متعددی را در رعد گذرانده‌ام. من از دوران ابتدایی در گروه موسیقی مدرسه بودم و همیشه به موسیقی و خوانندگی علاقه داشتم. افتخار داشتم که در رعد ابتدا با استاد پاشا، تئوری موسیقی و سلفژ را کار کنم و از سال ۹۱، از استاد خدایی موسیقی را یاد بگیرم. من از استاد خدایی، نواختن تنبک و خواندن آواز را یاد می‌گیرم. وظیفه من در ارکستر، خوانندگی است. همانطور که استاد گفتند، کلاس ما فقط کلاس آموزش موسیقی نیست و من شخصا از استاد چیزهای زیادی آموختم. ما در این کلاس، درس زندگی می‌آموزیم. استاد با صمیمیت ایرادات و مشکلات هرکدام از ما را یا به‌طور خصوصی و یا در جمع مطرح کرده و در موردش صحبت می‌کنند. به عقیده ایشان، آموزش مهارت‌های زندگی، واجب‌تر از آموزش موسیقی است.

آیا به اشتغال در این زمینه هم فکر کرده‌اید؟
در اجراهایی که در جاهای مختلف داشته‌ایم، درآمد داشتیم. ولی برای این که بتوانم مستقلا کار کنم و از طریق موسیقی به درآمد مناسبی برسم، راه طولانی در پیش دارم. ولی آرزویم این است که بتوانم از طریق موسیقی زندگی خود را اداره کنم.

هیچ وقت فکرش را نمی‌کردم که بتوانم روی سن بروم و ساز بزنم

مرضیه دیانت فر هستم. من از سال ۹۰ وارد مرکز رعد شدم و از همان ابتدا، در کلاس موسیقی نام‌نویسی کردم چون از اول به عشق موسیقی به رعد آمدم. در شروع چیزی از موسیقی نمی‌دانستم و از صفر شروع کردم ولی خدا را شکر به مرحله‌ای رسیده‌ام که در ارکستر، تنبک می‌زنم. در کنار یادگیری تنبک، استاد تئوری موسیقی را هم به ما آموزش می‌دهند و همین باعث شده که نسبت به موسیقی وسعت دید پیدا کرده و چیزهای دیگری را هم یاد بگیرم. امیدوارم بتوانم سازهای دیگری را هم یاد بگیرم. من اعتماد به نفس و آملن به جامعه را در این کلاس یاد گرفتم. هیچ‌وقت فکرش را نمی‌کردم که بتوانم روی سن بروم و ساز بزنم یا بخوانم. ولی اعتماد به نفسی که در این کلاس کسب



کردم، باعث شد بر اضطرابم غلبه کنم. من همیشه از کنفرانس دادن در دانشگاه فرار می‌کردم، ولی الآن در روی سن کاملا راحت هستم و این اعتماد به نفس را از موسیقی و استاد خدایی دارم. یکی از مواهب موسیقی برای من علاوه بر حس آرامش، اعتماد به نفسی است که به من داده که می‌توانم خودم را در جامعه بیان کنم و حرفم را با وجود تمام فشارهای موجود بیان کنم.

چرا آموزش تنبک را انتخاب کردید؟

در شروع کلاس باید سازی را انتخاب می‌کردم و من تنبک را انتخاب کردم. تنبک یک ساز کوبه‌ای پایه است و برای یاد گرفتن ریتم، خیلی مفید است. در نواختن یک ساز، ملودی داریم و ریتم که اگر ریتم را جداگانه با سازی مثل تنبک یاد بگیریم، خیلی راحت‌تر می‌توانیم سراغ ملودی برویم. اول با این دید تنبک را انتخاب کردم ولی بعد دیدم که تنبک خودش دنیایی است. یاد گرفتن و کار کردن با تنبک خیلی طول کشید ولی دوست دارم آن را ادامه بدهم. هدفم از یادگیری موسیقی این بود که به آرامش برسم و بتوانم روی خودم کار کنم که این هدف، در کلاس استاد خدایی محقق شد. چون در کنار موسیقی، آموزش‌های عرفانی هم داریم که در آرامش من کمک زیادی کرد. من هم زمان با کلاس موسیقی، دانشجوی کامپیوتر دانشگاه تهران هم بودم که باعث استرس و تنش در من می‌شد و شرکت در این کلاس به من خیلی کمک کرد. در کنار آموزش، وارد گروه کنسرت هم شدم که برایم تا حدودی درآمد داشت. گرچه علت شرکت در کلاس موسیقی، عشق و علاقه‌ام به این رشته بود. این آموزش‌ها برای من خیلی مفید بوده و امیدوارم که بتوانم موسیقی را ادامه بدهم. با وجود این که مدتی است سرکاری متناسب با رشته‌ام رفته‌ام، ولی تمرکز بیشتر بر روی یادگیری موسیقی است.

از بودنم در این کلاس بسیار خوشحالم

فدیا کوهی هستم. از سال ۹۰ وارد کلاس موسیقی رعد شدم و تحت آموزش‌های استاد خدایی، از صفر شروع به یادگیری کردم. اکنون نوازنده دف هستم. من همیشه به موسیقی و خصوصا به دف علاقه داشتم، ولی فرصت پیش نیامده بود که کلاس بروم. این اتفاق در رعد افتاد و از بودنم در این کلاس بسیار خوشحالم. همه ما از استاد خدایی بسیار یاد گرفتیم و همچنان یاد می‌گیریم.

می‌کند که کارهای عقب‌مانده‌ام را تمام کنم. وقتی خانم کامکار به خارج از کشور رفت، به رعد می‌آمدم و در کلاس نقاشی استاد خلیلی شرکت کردم. همان زمان متوجه شدم خانم پاشا در رعد آواز تدریس می‌کنند و در کلاس ایشان ثبت نام کردم. بعد هم به کلاس استاد خدایی آمدم که اتفاق خیلی خوبی برای من بود. لطف خدا و استاد شامل حالم شد و وارد گروه ارکستر مجموعه شدم. من در گروه، آواز می‌خوانم ولی چون کلاس سلفژ را با خانم کامکار گذرانده بودم و روی نت‌های پیانو کار کرده بودم، دوباره آموزش موسیقی را شروع کردم.

تاثیر موسیقی و هنر را بر زندگی چگونه ارزیابی می‌کنی؟

من آنچه که هستم را مدیون هنر و موسیقی می‌دانم. درسه حوزه نقاشی، آواز و ورزش فعال هستم. وقتی ورزش می‌کنم و نقاشی می‌کشم، حتما موسیقی به همراهش هست. وقتی صدای موسیقی را در کلاس می‌شنوم، خصوصا زمانی که استادسه‌تارشان را می‌نوازند، ناخودآگاه تصویری در ذهنم می‌آید و حتی می‌توانم چیزهایی بنویسم. با هنر می‌توانیم خیلی از استرس‌هایی که در جامعه و حتی خانواده‌ها داریم را تحمل و مدیریت کنیم. اگر با هنر آشنا نبودم شاید این رفتار و شخصیت کنونی‌ام را نداشتم. از اساتیدم، خصوصا استاد خدایی بسیار سپاسگزارم که اجازه دادند که هم در گروه ارکستر باشم و هم در این کلاس شرکت کنم چون لحظه به لحظه از ایشان یاد می‌گیرم. با وجود محدودیت‌هایی که در کشور ما وجود دارد و آواز بانوان معضل است، من از اجراهایی که در خارج از رعد دارم، بازخورد بسیار خوبی می‌گیرم. در اجراهای دسته‌جمعی، دوستان خیلی زحمت می‌کشند ولی به دلیل فشارهایی که در جامعه هست، انگار من بیشتر دیده می‌شوم. ما یک مجموعه هستیم که باهم فعالیت را به نمایش می‌گذاریم و به قول استاد، یک صدای واحد از اجرای ما شنیده می‌شود.

چه حسی داری که خودت موسیقی می‌زنی و اولین با که روی سن رفتی چه حسی داشتی؟

حس بسیار خوبی است. موسیقی یک هنر است و هنر در ذات خود، آرامش و احوالات خوش را به همراه دارد. اولین بار که روی سن رفتم تا حدی مضطرب بودم. ولی چون در اوایل در کنار استاد، روی سن می‌رفتیم حضورایشان مایه دلگرمی ما بود. تا این که توانستیم مستقل شویم و اضطرابمان از بین برود و لذت، جایش را بگیرد. در مکان‌های مختلفی کنسرت برگزار کردیم که یکی از بزرگ‌ترین آنها، در عمارت مسعودیه در سال ۹۴ بود. سازمان‌های زیادی مثل سازمان بهزیستی و سازمان دامپزشکی و برج میلاد از ما درخواست اجرا کردند. جشن بزرگداشت استاد کامکار رادر رعد برگزار کردیم و در کنار ایشان بر روی سن رفتیم و ایشان با آواز ما را همراهی کردند.

اگر با هنر آشنا نبودم شاید این رفتار و شخصیت کنونی‌ام را نداشتم

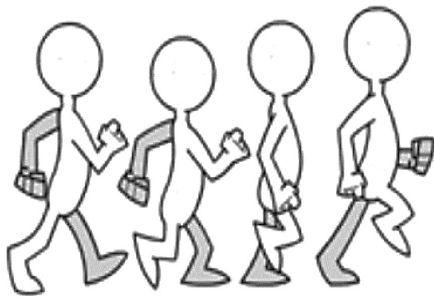
اشرف رجبی هستم. از سال ۹۱ وارد رعد شدم. قبل از آن، کار نقاشی انجام می‌دادم و نقاشی را از موزه رضا عباسی شروع کردم. یکی از تفریحات کودکی‌ام نقاشی کشیدن و گوش دادن به موسیقی بود. هنوز هم هرکاری را که انجام می‌دهم دوست دارم همراه با موسیقی باشد. آشنایی من با صدا، از انجمن گویندگان جوان شروع شد. در آنجا دوره‌های آموزش دوبله را زیر نظر استاد نیما رئیسی گذراندم. بعد از ایشان، شاگردی آقای امین قاضی و آقای عسگری را داشتم. از طریق انجمن گویندگان جوان، به خانم پریسا کامکار، موسیقیدان معرفی شدم. برای بالابردن مهارت فن بیان به خانم کامکار معرفی شدم ولی از بچگی خواندن را دوست داشتم. آنجا متوجه شدم که چقدر خواندن به من کمک



چگونه؟

قطعاً همه ما در زندگی اهداف ، آرزو، رویا و خواسته‌هایی داریم
اما چرا بسیاری از مواقع به آنها نمی‌رسیم!
به راستی مسیر رسیدن به اهدافمان چگونه است؟

محمد علی شفا
مدرس و مربی مهارت‌های فردی



در شماره‌ی پیشین نشریه توان‌یاب، یادآور شدیم که افراد دارای معلولیت، در واقع افرادی نیستند که دارای نقص عضو هستند. بلکه افرادی هستند که در رسیدن به اهداف و آرزوها و حتی کارهای کوچک روزمره ناتوان هستند. در این صورت ما ملتی هستیم با انواع معلولیت و ناتوانی‌های پیدا و پنهان. داستان مردی را شنیده‌اید که به دهی رسید و از حکیمی پرسید: راه فلان شهر از کدام سمت است و حکیم راه را به او نشان داد. سپس پرسید تا آنجا چقدر راه است؟ حکیم درنگی کرد و فرمود: چند قدمی برو تا بگویمت راه چقدر است! فرد چند قدمی رفت. حکیم گفت: سه روز. شخص پرسید: خوب چرا از ابتدا نگفتی؟ حکیم گفت: آن موقع نمی‌دانستم چگونه راه می‌روی، اکنون فهمیدم این‌گونه که تو راه می‌روی ۳ روز راه است.

پس اول باید بدانیم به کجا می‌خواهیم برویم. یعنی می‌خواهیم در ۳، ۷ یا ۱۴ سال آینده به کجا برسیم و کجا باشیم. یعنی رویاها و خواسته‌هایمان را شفاف بدانیم. مقصد و مقصودمان را دقیق بدانیم.

مالی	رشد فردی	خانوادگی	معنویت	سلامت جسمی	سلامت روحی	سلامت روان
۵ میلیون درآمد ماهانه	یادگیری زبان	ازدواج		کاهش ۵ کیلو وزن	شادی	دیدن فیلم
جزو ۱۰۰ ثروتمند ایران		۶ فرزند		ریشه کن شدن بیماری‌ها		
پس انداز ۱ میلیاردی	انسان تاثیرگذار		صلح جهانی			شفای دوستم
استقلال مالی		سلامت خانواده	کمک به کودکان کار			کنترل خشم

اهداف من:

روایهای من:

آرزوهای من:

خواسته‌ها:

نکته: در اینجا منظور از هدف، قصد و نیت شما از انجام آن کار نیست، بلکه منظور قله‌هایی است که در طول مسیر فتح می‌کنید. به عبارت دیگر مثلا اگر من می‌خواهم (خواسته من) به درآمد ۱۰ میلیون تومانی برسم، این خواسته را به ۳ پله (هدف) تقسیم و در فاز اول برای رسیدن به درآمد ۳ میلیونی تا یک سال آینده و بعد درآمد ۶ میلیونی تا ۲ سال آینده و بعد درآمد ۱۰ میلیونی تا ۴ سال آینده برنامه‌ریزی می‌کنم. حال شما هم جدول زیر را تکمیل کنید:

مالی	رشد فردی	خانوادگی	معنویت	سلامت جسمی	سلامت روحی	سلامت روان
اهداف من:						
روبایهای من:						
آرزوهای من:						
خواسته‌ها:						



حال می‌خواهیم نقشه مسیر را ببینیم.

مبدا - مسیر - مقصد

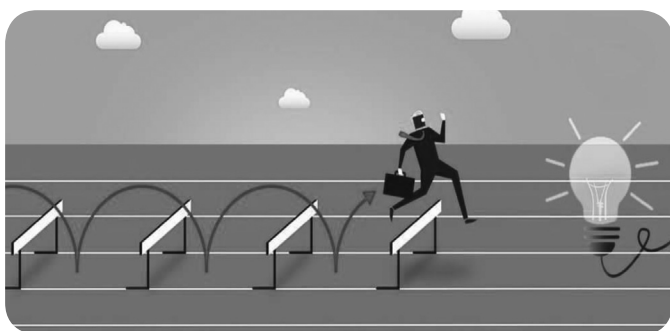


مقصد شما همان خواسته‌ها، آرزو و اهداف شما هستند. خواسته‌ها، اهداف و آرزوهای خود را ببینید.... کدام یک از آنها از نظر شما قابل اجراست؟ آنها را بنویسید.
حال می‌دانیم که اینها خواسته‌های شدنی ما هستند، پس حالا می‌دانیم که به کجا می‌خواهیم برویم. خوب مقصد مشخص شد، حالا مبدا ما کجاست؟ یعنی باید بدانیم من کی‌ام و کجای مسیر زندگی خود در راه رسیدن به اهداف و خواسته‌هایم هستم.

چند ساله؟
مهارت‌های من چیه؟
وضعیت مالی من چطوریه؟
داشته‌ها و پشتوانه‌های من چیه؟
به چه چیزهایی و به چه کسانی تعهد دارم؟
نقش هام تو زندگیم چیه؟ (خواهر، برادر، فرزند، همسر، عمو، عمه، معلم، دانشجو و ...)

حال وقت آن رسیده که راه بیافتم

مبداء مشخص، مقصد هم مشخص، دیگر چه می‌خواهم؟ پیش به سوی خوشبختی، پیش به سوی موفقیت... اما برآستی آیا اینطور می‌شود به موفقیت و خوشبختی رسید؟ اگر این‌طور بود پس چرا اینهمه آدم تو دنیا به خواسته‌هاشون نرسیدن؟ اصلا خود شما به خواسته‌ها و آرزوهایت رسیده‌ای؟ تا حالا فکر کردی که چرا نمی‌شود؟ چرا اهداف تبدیل شدن به آرزو؟ همیشه در راه، موانع و مشکلات و سرعت‌گیرهایی هست که مانع حرکت ما به سمت مقصد و انحراف ما از مسیر اصلی می‌شوند.



این موانع به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: **حصارهای درونی و عوامل بیرونی**

برخی از عوامل درونی:

انواع ترس - ترس از شکست - ترس از تمسخر - ترس از موفقیت - شفاف نبودن اهداف - افکار و باورهای منفی - افکار مزاحم - بیماری - یاس - ناامیدی - مشخص نبودن سرعت حرکت - انتخاب مسیر نامناسب - عدم تمرکز روی هدف - در نظر نگرفتن منظرگاه‌هایی برای اطراق و استراحت و لنگرهای (ستون‌هایی) برای تکیه کردن در زمان طوفان - آگاهی نداشتن از مهارت‌های مورد نیاز - تصور دانستن همه چیز و توهم دانایی - حواس پرتی - نداشتن انگیزه کافی - بی توجهی به نیازهای جسمی و روانی مثل نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن، درآمد، تفریح، دوستان، خانواده، معنویت، هنر، احساس تعلق و دوست داشته شدن، که در دراز مدت به شدت سرعت شما را گرفته و کم کم تبدیل به موانعی طاقت‌فرسا می‌شوند - بروز مسایل عاطفی و احساسی - اهمالکاری - نداخل ارزش‌های خانوادگی، فرهنگی و یا مذهبی با اهداف ما - نشناختن استعدادها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود - عدم توجه به علاقمندی‌های درونی - نداشتن مهارت کافی - قوانین حقوقی و اجتماعی - مسائل فرهنگی - کمالگرایی - وسواس فکری - حضور پر رنگ افرادی، با افکار سمی در زندگی - خجالت کشیدن - احساسات گمراه کننده (شرم و گناه)

موانع و فشارهای بیرونی همچون:

فضا و شهرسازی نامناسب، بروکراسی اداری، تنش‌های سیاسی، وضعیت اقتصادی، نوسانات دلار، قوانین مالیاتی و گمرکی، طعنه و کنایه‌های مردم، حضور افراد سمی، بلایای طبیعی مثل سیل و زلزله، بیماری‌های واگیردار مثل کرونا و ویروس، جنگ و تحریم، رقبا، تغییر تکنولوژی و سلیقه، فشارهای دوستان و خانواده (دوستی خاله خرسه) - قضاوت‌های دیگران - پارتی‌بازی و فضای رقابتی ناسالم و موارد دیگر.

حال بیایید ببینیم این موانع چه چیزهایی هستند؟

از جمله حصارهای درونی، افکار مزاحمی مثل: اوه اوه چقدر کار دارم، کلی کار عقب افتاده دارم، بذار اول فلان کارو بکنم بعد... یا توهم و تصور مشهور شدن، خیال‌پردازی و غرق افکار متفرقه شدن، توهم پس از ثروتمند شدن، افکار مقابله‌ای: مردم چی می‌کنن؟ نمی‌کنن این همه پولو از کجا آوردی؟ چجوری ثروتمند شدی؟ از دیوار کی بالا رفتی؟ و بسیاری از افکار مزاحم دیگر
افکار منفی مثل: حتما شکست می‌خوری، اگه نشد بقیه چی می‌کنن؟ مردم مسخرهات می‌کنن، هر روز اوضاع داره بدتر می‌شه، اینجا دیگه جای زندگی نیست، حیفه آدم عمرشو اینجا تلف کنه.

باورهای محدود کننده‌ای مثل: اگه می‌شد قبل از من یکی دیگه انجام داده بود، ما از دنیا صدسال عقبیم، نمی‌شه با آنها رقابت کرد. عدم اعتماد به نفس: من نمی‌تونم، آخه من حافظه‌ام ضعیفه، آخه من لکنت زبان دارم، آخه من بلد نیستم، ما جهان سومیم... ارزش‌های نامناسبی مثل: دختر باید تو خونه باشه و به پخت و پز و ... برسه! برای من مهمه که هیچ‌کس ناراحت نشه (خوب بشه) عقاید و باورهای نادرست مثل: آدم‌های فقیر رو خدا بیشتر دوست داره، همه پولدارا دزدن، همه سرمایه دارا حق مردمو خوردن، دخترا خنگن (دختر است دیگه...), پول چرک کف دسته


اهمال کاری مثل: حالا ولش کن، از شنبه، از سال دیگه، حالا دیر نمیشه، فردا کی مرده کی زنده الگوهای نامناسب به همراه اطلاعات غلط مثل اطلاعاتی که از روزنامه‌های زرد به ما می‌رسند یا تصورات خودمان از فلان بازیگر، فلان خواننده، فلان هنرمند، که اینجور بود و آنجور نبود، ندیدی چه جوری بود؟ میگن هنرمندا همشون خوشبخت و پولدارن. عدم مهارت کافی: من که بلد نیستم بازاریابی کنم (خوب برو یاد بگیر عزیز من)، من که هوش مالی ندارم، من نمی‌تونم عصبانی نشم. من که حسابداری نخوندم، من که بازاریابی و فروش بلد نیستم. عدم باور به توانایی‌های جسمی خود: با این پاهام؟ با این دستام؟ با این چشم‌های ضعیفم؟ جون از تنم در میره، تا سر کوچه هم نمی‌تونم برم چه برسه که فلان کارو بکنم.

حالا موانع بیرونی و موانع درونی اهداف خود را بنویسید:

موانع رسیدن به خواسته‌ها، اهداف، رویاها و آرزوها خوب حالا چیکار کنم؟ در شماره بعد خواهیم گفت که چکار باید کرد.
در شماره‌های بعد به بررسی و ارائه راهکار برای هریک از موارد فوق می‌پردازیم.
اگر به دنبال کسب موفقیت و احساس خوشبختی هستید در شماره‌های بعد نیز با ما همراه باشید...
ضمنا نظرات و مشکلات خود را با من با آدرس ایمیل M.shafaaa@gmail.com در میان بگذارید.



شماره ۷۶-۷۵ بهار و تابستان ۱۳۹۹



ویروس کرونا

این جهان ساکت و زیبا شده تا آمده‌ای
بیشتر عاشق و شیدا شده تا آمده‌ای
دل همه فکر خودش بود و بسی غرق طمع
نگران همه عالم شده تا آمده‌ای
داشت می‌مرد زمین زانهمه بی مهربی ما
نفسی آمد و زنده شده تا آمده‌ای
رفته بود عشق و محبت زدل و خاطره ما
همچو مهمان عزیزی شده تا آمده‌ای
مست پیروزی خود بود بر عالم بیداد
رویش از هیبت تو کم شده تا آمده‌ای
همه جا داشت خرافات خدایی می‌کرد
مات و درمانده و عاجز شده تا آمده‌ای
فکر آزادی انسان ز ستم بود محال
تازگی قابل مطرح شده تا آمده‌ای
یک تلنگر به شعور همه باید می‌خورد
یک کم عالم بخودش آمده تا آمده‌ای

فیلم‌های اکران شده در جشنواره سینما حقیقت، با موضوع معلولیت

در جشنواره سینما حقیقت که در پاییز سال ۹۸ در تهران برگزار شد، ۷ مستند با موضوع معلولیت اکران گردید. این مستندها به قرار زیر هستند:

1 - مهدی که به دنیا آمد

فیلم مستندی از امیرمهدی حکیمی در مورد جوان طلبه‌ای که خودش شنواست اما از پدر و مادری ناشنوا متولد شده‌است. در خانواده مهدی، چند فرزند شنوا و یک ناشنوا وجود دارند. پدر و مادر بزرگ، سرپرستی همه نوه‌ها را برعهده گرفتند اما مادر مهدی قبول نکرد که سرپرستی این کوچک‌ترین فرزند شنوا را به آنها بسپارد. مهدی با پدر و مادر ناشنوایش زندگی کرد و بزرگ شد. تا مدت‌ها از داشتن پدر و مادری ناشنوا، خجالت می‌کشید تا این‌که در بزرگسالی، در برخورد با ناشنواهایی که قصه عاشورا را نمی‌دانستند، تصمیم گرفت، طلبه شود و با زبان اشاره این قصه را برای ناشنویان تعریف کند. مهدی که همیشه نگران بود که اگر زن ناشنوایی را با خود حمل کند، فرزندش ممکن است ناشنوا شود، عاشق شد و با زنی ناشنوا ازدواج کرد و...

2 - آنها

فیلم مستندی از رضا عبیاتی در آشنایی با دنیای ناشنویان. این مستند با حضور تعدادی از ناشنویان در اتوبوسی که با هم به یک سفر تفریحی می‌روند، شروع می‌شود. در این مستند با دنیای ناشنویان آشنا شده و از مشکلاتشان با خبر می‌شویم و می‌بینیم که ناشنواها به دلیل عدم توانایی در ایجاد ارتباط با شنواها، از آنها فاصله گرفته و ترجیح می‌دهند اوقات خود را بیشتر با هم‌زبان‌های خود بگذرانند.

3 - ارغوان

مستند ارغوان، قصه دختر نابینایی به نام ارغوان است. او نابینای مادرزاد است و با مادر و پدر خود در شهر تهران زندگی می‌کند. او خواننده است، سنتور می‌نوازد و این ساز را آموزش هم می‌دهد. ارغوان، مدرک کارشناسی ارشد موسیقی را دارد. او علی‌رغم میل خانواده، قصد دارد برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری موسیقی به کشور اتریش برود.

4 - آبشار

مستند آبشار به کارگردانی علی شهابی نژاد، در مورد رحمان، جوان دارای معلولیتی است که در روستای آبشار در جوار تالاب شادگان زندگی می‌کند. رحمان مربی ورزش است و حدود ۱۷ سال به نوجوانان این روستای آموزش فوتبال می‌دهد. او که در هفت ماهگی دچار فلج اطفال شده تلاش می‌کند که باشگاه فوتبال پرسپولیس را در این روستا به ثبت برساند.

5 - پلاک ۱۳

فیلم مستند پلاک ۱۳ به کارگردانی ریحانه ظهیری، در مورد یک خانواده سه نفره است که فرزندی، مبتلا به اوتیسم دارند. محمد معین، یازده ساله، به طور مداوم از خانه فرار می‌کند. مادر معین سعی دارد با آموزش جلوی فرار او را بگیرد ولی پدر که از فرارهای او خسته شده، قصد دارد با قانع کردن همسرش بگذارد معین فرار کند تا شاید بتواند دلیل فرارهایش را پیدا کند.

6 - دست‌ها و چشم‌ها

مستند چشم‌ها و دست‌ها به کارگردانی، پناه برخدا رضایی در مورد زوج میان‌سالی است که در روستایی در آذربایجان زندگی می‌کنند. مرد در کودکی به دلیل ابتلا به سرخک نابینا شد و زن در نوجوانی به دلیل افتادن روی ریل‌های قطار، دودستش را از مچ از دست داد. زن برای مرد چشم است و مرد برای زن دست.

7 - جمیله

مستند جمیله، به کارگردانی محمدباقر شاهین، در مورد زنی ساکن یکی از روستاهای سوریه به نام الفرعه است که بر اثر شلیک موشک، بینایی‌اش را از دست می‌دهد. او که مادر دو دختر خردسال است، به همراه همسرش تلاش می‌کنند که با جمع کردن پول از طریق فروش طلاهایی که دارند و قرض گرفتن از دوست و آشنا پول جراحی چشم را فراهم نمایند.



برای اولین بار در شهر تهران؛ سینما فراگیر

با هدف بهره‌مندی همه افراد جامعه

با همکاری سازمان سینمایی و در قالب اجرای طرح «سینما فراگیر»، ۱۰ اثر از آثار سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر، انتخاب و برای نابینایان و ناشنوایان ترجمه شد. تمامی این فیلم‌ها با زیرنویس و زبان اشاره ویژه ناشنوایان ارائه شد و تمامی صحنه‌های فیلم‌ها طبق استانداردهای جهانی برای نابینایان مناسب‌سازی و بازگویی شد.

زینب نصیری، مدیرکل سلامت شهرداری تهران گفت: طرح «سینما فراگیر» با هدف بهره‌مندی همه افراد جامعه به خصوص افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی، نابینایان و ناشنوایان از آثار سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر در پردیس سینمایی ایران مال پایتخت اجرا شد.

نصیری اظهارداشت: اداره کل سلامت شهرداری تهران از این طرح در راستای تحقق شعار «تهران شهری برای همه» و بهره‌مندی همه افراد جامعه از امکانات و رویدادهای فرهنگی هنری حمایت کرد.

وی گفت: در قالب اجرای طرح «سینما فراگیر»، با همکاری سازمان سینمایی ۱۰ اثر از آثار سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر، انتخاب و برای نابینایان و ناشنوایان ترجمه شد، به این صوت که تمامی این فیلم‌ها با زیرنویس و زبان اشاره ویژه ناشنوایان ارائه شد و تمامی صحنه‌های فیلم‌ها طبق استانداردهای جهانی برای نابینایان مناسب‌سازی و بازگویی شد.

• نصیری افزود: پردیس سینمایی ایران مال با توجه به فضای مناسب‌سازی شده برای افراد دارای معلولیت برای اکران این فیلم‌ها انتخاب شد و در تمام روزهای جشنواره از ساعت ۱۷ تا ۱۹ ویژه نابینایان با نشان «سینما بینا» و از ساعت ۱۸ تا ۲۰ برای ناشنوایان با نشان «سینما اشاره» به نمایش این فیلم‌ها پرداخت.

مدیرکل سلامت شهرداری تهران بیان کرد: اختصاص سانس‌های اکران فیلم ویژه نابینایان و ناشنوایان به این معنا نبود که سانس‌ها تنها به این گروه‌ها اختصاص داشته‌باشند، بلکه سایر افراد هم می‌توانستند از دیدن این فیلم‌ها بهره‌مند شوند. وی ادامه داد: برای حمل و نقل و دسترسی راحت‌تر افراد با نیازهای خاص و دارای معلولیت به پردیس سینمایی ایران مال با همکاری شرکت اتوبوسرانی، اتوبوس‌های مناسب‌سازی شده هر روز پیش از شروع هر سانس از مترو صادقیه تا پردیس سینمایی آماده حرکت بودند.

نصیری با اشاره به نیم‌بها بودن قیمت بلیت در طرح «سینما فراگیر» برای افراد دارای معلولیت، افزود: این طرح به انجمن‌های حوزه معلولان، نابینایان و ناشنوایان و کانون‌های معلولان سطح محلات شهر تهران اطلاع‌رسانی شد و با استقبال خوبی هم روبه‌رو شد.

مدیرکل سلامت شهرداری تهران اظهارداشت: تمامی ۱۰ فیلمی که با حمایت این نهاد برای گروه‌های نابینا و ناشنوا ترجمه شده در سینمای خانگی هم با این ویژگی منتشر خواهد شد.

وی با اشاره به اینکه طرح «سینما فراگیر» در قالب حمایت شهرداری تهران از جشنواره فیلم فجر برای نخستین بار با همکاری سازمان سینمایی در یک پردیس سینمایی به صورت محدود اجرا شد، ابراز امیدواری کرد که چنین طرحی تنها به جشنواره و رویداد خاص محدود نشود و چنین روندی در طول سال برای تمامی فیلم‌ها ادامه داشته باشد تا همه افراد جامعه به خصوص افراد دارای معلولیت با خانواده‌های خود در سینماها حضور پیدا کنند و از فیلم‌ها در حال اکران بهره‌مند شوند.



موسسه فرهنگی هنری معلولین آرتا فرین در جنوب استان هرمزگان توسط سمیره دیناری، لیسانس مهندسی فناوری اطلاعات و فوق لیسانس کارگردانی نمایش از دانشکده هنر شیراز در سال ۱۳۸۹ تاسیس شده است. این موسسه با هدف ترویج هنر برای افراد دارای معلولیت در استان هرمزگان راه اندازی شد و توانست جای خود را در زمینه تئاتر افراد دارای معلولیت باز کند و در جشنواره های منطقه ای و بین المللی خوب بدرخشد. با مدیر عامل این موسسه به گفت و گو نشستیم که می خوانید.



در گفت و گو با مدیر عامل موسسه آرتا فرین؛

هنر، نیازی است که احتیاج به هیچ دلیل و برهانی ندارد

مددجوی توان یاب جسمی حرکتی را تحت پوشش خود دارد و خدمات توان بخشی، مشاوره های فردی و گروهی و دوره های هنری و آموزشی را برای این افراد برگزار می کند. این موسسه در زمینه تئاتر معلولان یکی از موسسات فعال در استان و کشور محسوب می شود. ما یک گروه تئاتر با سابقه ۱۴ سال فعالیت داریم که هر ساله در جشنواره های منطقه ای و کشوری حضور فعال داشته و مقام های زیادی را هم کسب کرده است. لازم به ذکر است که موسسه آرتا فرین، سابقه برگزاری دو دوره جشنواره تئاتر منطقه ای خلیج فارس را به دبیری این جانب داشته است. کلاس های آموزشی برای مددجویان دارای معلولیت تحت پوشش موسسه، برگزار می شود و علاوه بر این چون استان هرمزگان یک منطقه محروم از لحاظ امکانات

با توجه به نقش هنر در توان بخشی اجتماعی افراد دارای معلولیت، جشنواره تئاتر معلولان می تواند فرصتی برای شناخت توانایی آنها باشد

موسسه دو نفر همکار دارد و مدیر عامل آن هم خودم هستم. فعالیت موسسه فعلا برگزاری دوره های آموزشی و هنری و ارائه خدمات مددکاری به اعضا است. ۵۰ نفر عضو افتخاری داریم که در زمینه های هنری و همچنین برگزاری دوره های آموزشی برای مددجویان با موسسه همکاری دارند. موسسه آرتا فرین حدود ۱۸۰ نفر

لطفا خودتان را معرفی کنید؟

سمیره دیناری، مدیر عامل موسسه آرتا فرین هستم. لیسانس مهندسی فناوری اطلاعات و فوق لیسانس کارگردانی نمایش از دانشکده هنر شیراز را دارم.

موسسه فرهنگی هنری معلولین آرتا فرین از چه زمانی و با چه هدفی تاسیس شد؟

این موسسه در سال ۸۹ تاسیس شد. حوزه فعالیتش در زمینه فعالیت های فرهنگی، هنری و آموزشی برای معلولان و افراد آسیب پذیر استان هرمزگان است. این موسسه با هدف ترویج هنر برای افراد دارای معلولیت در استان هرمزگان راه اندازی شد.

چند نفر عضو دارید و چه خدماتی را ارائه می دهید؟



جامعه باید بداند که افراد دارای معلولیت با همه محدودیت‌هایی که دارند، می‌توانند در عرصه فرهنگ و هنر هم مانند سایر عرصه‌های زندگی‌شان، فعال و مثر و مثر باشند



فرهنگی هنری است، برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی تا جایی که بتوانیم برای خردسالان و نوجوانان منطقه هم کلاس‌های هنری و آموزشی برگزار می‌کنیم. کلاس‌های آموزشی هنری ما شامل، بازیگری کودک و بزرگسال، نقاشی، هویه کاری و کلاس زبان انگلیسی کودکان به روش نمایشی است که با هدف توانمندسازی و افزایش خودباوری این افراد و تغییرنگرش افراد جامعه نسبت به توان‌یابان برگزار می‌شود.

چه نوع خدمات توان‌بخشی و مددکاری به اعضای خود ارائه می‌دهید؟

در حوزه توان‌بخشی، دو مسیر توان‌بخشی فردی و توان‌بخشی اجتماعی را دنبال می‌کنیم. هنر از جمله ابزار است که نقش مهمی در آگاه‌سازی و مشارکت اجتماعی افراد دارای معلولیت دارد، به همین دلیل روی این مساله بسیار تاکید داریم.

در مورد جشنواره تئاتر معلولان بیشتر توضیح دهید؟

جشنواره تئاتر معلولان یک رویکرد هنری در راستای توانمندسازی افراد دارای معلولیت است که از سال ۸۲ به همت سازمان بهزیستی، در شش منطقه از کشور برگزار می‌شود. این شش منطقه، شامل چند استان همجوار با نام‌های کویر، کاسپین، طلوع، آفتاب، خزر و خلیج فارس است می‌باشد. خروجی جشنواره‌های منطقه‌ای، در جشنواره بین‌المللی تئاتر معلولان بود که تا سال ۹۵ به صورت دوسالانه برگزار می‌شد. از سال ۹۵ به بعد به دلیل کمبود بودجه، برگزاری این جشنواره متوقف شد. با توجه

به نقش هنر در توان‌بخشی اجتماعی افراد دارای معلولیت، جشنواره تئاتر معلولان می‌تواند فرصتی برای شناخت توانایی مددجویان باشد و نیاز است که از این فعالیت هنری حمایت ویژه انجام شود.

در جشنواره‌های منطقه‌ای تاکنون چه مقام‌هایی را کسب کرده‌اید؟

گروه تئاتر آرت‌آفرین، از سال ۸۴ تا کنون در همه جشنواره‌های استانی و جشنواره‌های منطقه‌ای تئاتر معلولان و همچنین جشنواره‌های بین‌المللی شرکت کرده‌است و مقام‌های زیادی هم به دست آورده‌است. در بازیگری، کارگردانی، نویسندگی، موسیقی، طراحی لباس نمایش، نورپردازی و گریم از رتبه‌های اول تا سوم را دریافت کرده‌است. در اینجا جا دارد از آقای رضا آزاد دریایی، کارگردان با تجربه تئاتر که از سال ۸۴ با گروه تئاتر معلولان آرت‌آفرین شروع به کار کردند و موفقیت‌های آرت‌آفرین نتیجه زحمات ایشان است، تشکر و قدردانی کنم.

قابل ذکر است که آذر ماه امسال، استان هرمزگان میزبان جشنواره منطقه‌ای تئاتر مناطق کویر و خلیج

چگونه در مورد موسسه آرت‌آفرین اطلاع‌رسانی انجام می‌دهید و راه‌های ارتباطی شما با مردم چیست؟

عضوگیری موسسه از طریق فراخوان انجام می‌شود. راه‌های ارتباطی ما هم از طریق پیج اینستاگرام به آدرس artafarinjonoub است و همچنین آدرس اینترنتی ما با عنوان موسسه فرهنگی هنری آرت‌آفرین در گوگل موجود می‌باشد.

با چه چالش و مشکلاتی روبه‌رو هستید و چه انتظاری از سازمان‌های دولتی و دیگر سازمان‌های مردم‌نهاد دارید؟





این موسسه در زمینه تئاتر معلولان یکی از موسسات فعال در استان و کشور محسوب می شود

با بهره-گیری از رسانه‌های گروهی و جمعی و با استفاده از تکنولوژی روز ساختار فیزیکی را به گونه‌ای تعبیه کنند که اساسا معلولیت به عنوان یک مانع محسوب نشود. در مجموع برای تغییر نگاه جامعه نسبت به افراد دارای معلولیت و پذیرش آنها نیاز به فرهنگ‌سازی گسترده داریم که نهادهای متولی باید این مهم را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهند. ناگفته نماند که افراد جامعه نیز با تغییر نگاه و ارتباط صحیح با افراد دارای معلولیت، می‌توانند در این فرهنگ‌سازی نقش بسزایی ایفا نمایند.

سخن پایانی:

من از تمام دوستان، مربیان و پرسنل محترم موسسه آرتا فرین که در طول این سال‌ها با ما همکاری داشتند و به‌خصوص جناب دکتر مجید سرنی‌زاده مشاور موسسه و همراه همیشگی ما تشکر و قدردانی می‌کنم. از انجمن‌های غیردولتی و خیرین و کسانی که حامی هنر توانمندان و رشد و بالندگی این عزیزان هستند، می‌خواهیم که ما را حمایت کنند.

ادرس موسسه: بندرعباس، کوی ملت، بلوار وارگر، نبش کارگر ۳۳، موسسه فرهنگی هنری معلولین آرتا فرین جنوب

تلفن تماس:

۰۷۶۳۳۴۴۱۶۰۶ ۰۷۶۳۳۴۴۱۶۰۷

که می‌تواند این وضعیت را تلطیف کند و نشش بسزایی در بهبود زندگی انسان داشته باشد. پیشینه هنر را می‌توان در نمایش‌های سنتی و انتقال آداب و رسوم به نسل‌های بعدی عنوان کرد و هنر را وسیله‌ای برای آموزش، روان‌درمانی و توان‌بخشی افراد دانست. نقش اصلی تئاتر معلولان را می‌توان در توان‌مندسازی بازیگران دارای معلولیت در اجرای نقش‌های محوله به روشنی مشاهده کرد. افراد دارای معلولیت با اجرای این نقش‌ها علاوه بر تخلیه احساسات، به خودباوری و اعتماد به نفس می‌رسند. به همین دلیل هنر را در کنار توان‌بخشی و با هدف توان‌مندسازی مورد توجه قرار داده‌ایم. وظیفه ما بسترسازی برای انعکاس توان‌مندی‌های این افراد بوده و امیدواریم با شناساندن قابلیت افراد دارای معلولیت به جامعه، بتوانیم تغییر نگرش نسبت به این افراد ایجاد کنیم. جامعه باید بداند که افراد دارای معلولیت با همه محدودیت‌هایی که دارند، می‌توانند در عرصه فرهنگ و هنر هم مانند سایر عرصه‌های زندگی‌شان فعال و مثمر ثمر باشند. ما برای کاربردی کردن هنر، فقط به تئاتر بسنده نکرده‌ایم و سعی داریم در سایر هنرها نیز فعالیت داشته باشیم. باید ببینیم کشورهای دیگر در چند دهه اخیر در حوزه معلولیت چه اقداماتی انجام داده‌اند. به عنوان مثال کشورهای چون سوئد و نروژ برای ارتقاء ذهنی جامعه و حساسیت‌زایی نسبت به موضوع معلولیت، توانسته

بیشترین مشکلی که با آن روبه‌رو هستیم، نداشتن بودجه کافی برای تجهیز و راه‌اندازی کارگاه‌های هنری و آموزشیمان است. از طرفی مکانی که موسسه در آن مستقر است، مربوط به سازمان بهزیستی است که به صورت استیجاری در اختیار ما قرار داده شده و به دلیل نداشتن درآمد، توان پرداخت اجاره را نداریم. به همین دلیل تحت فشار هستیم که این محل را تخلیه کنیم. این برای موسسه‌ای که این همه سال فعالیت چشمگیر داشته و با تلاش بسیار جای خود را استان باز کرده، بسیار بی‌رحمانه است. با توجه به این که ما جامعه هدف سازمان بهزیستی هستیم، عادلانه نیست که از این مکان بیرون و آواره شویم. ما از سازمان‌های دولتی مثل بهزیستی، شهرداری و اداره ارشاد که همیشه همراه و حامی ما بوده‌اند، انتظار داریم که حمایت خود را از ما دریغ نکنند و محلی دائمی را برای موسسه آرتا فرین در اختیار ما قرار دهند.

نقش هنر را در توان‌بخشی افراد دارای معلولیت چگونه دیدید و آیا تاثیری در فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش جامعه نسبت به افراد دارای معلولیت داشته‌است؟

هنر، نیازی است که احتیاج به هیچ دلیل و برهانی ندارد. از زمانی که زندگی‌ها ماشینی شده، ما انسان‌ها با یک دنیای خشن و سرد و بی روح و بدون عاطفه و احساس روبه‌رو شده‌ایم. در این شرایط تنها هنر است



نوروز پیروز

همیشه روزهای پایانی اسفند برایم دلچسب و زیبا بوده، انگار که همه، چیزی از جان ته مانده سال می‌خواهند، برایشان عزیزتر و مهم‌تر می‌شود؛ مثل تکه‌های میوه جامانده در قوطی آب‌میوه که تلاش می‌کنیم با هر ضرب و زوری از انتهای قوطی بیرون بکشیم، مثل پله‌های آخر فرودگاه‌ها که آرام‌تر طی می‌کنیم تا لحظه‌های ماندن کش بیاید، مثل آخرین جرعه آب نزدیک اذان صبح سحرهای رمضان... شور و هیاهوی خیابان‌ها بیشتر شبیه پایان دنیا می‌شود نه پایان سال... حالا ویروس از خدا بی‌خبری پیدا شده که یک دنیا و میلیاردها آدم را درگیر خودش کرده، یک ایران و اسفند پرشور و بهار زیبای مان را، خرید سال نو و دید و بازدیدمان، بوسیدن‌ها و در آغوش کشیدن‌هایمان را، عیدی گرفتن پر از ذوق بچه‌ها را زیر و رو کرده... اما جایی خواندم که تضاد خاصیت دنیا است، زشتی نباشد زیبایی به چشم نمی‌آید، بی‌وفایی نباشد وفاداری ارزش ندارد، شب نباشد در انتظار و امید سپیده سحر نمی‌مانیم، شکست نباشد برای پیروزی نمی‌جنگیم، دور نشویم دلتنگ آغوش نمی‌شویم، بیمار نشویم قدردان تندرستی نیستیم، زمهریر زمستان بر تن مان ننشیند، زیبایی شکوفه‌ها و خنکای نسیم بهار حال مان رو خوب نمی‌کند... دلت گرم رفیق، این روزها هم می‌گذرد، این خاک به خود جنگ دیده باز زنده مانده، سیل و زلزله دیده باز سر پا شده، ایران با تن زخمی و بیمار و غارت‌زده باز ایران است و استوار مانده، دلت قرص جانان؛ باز می‌خندیم، حال مان خوب می‌شود، زیر باران‌های تند بهار، در تن خیس خیابان می‌دویم و می‌خندیم... ابر سیاه ناامیدی را به آسمان دلت راه نده، بهار نوید زنده شدن دنیاست، با عشق و امید شروع کن... به روی دردها و نگرانی‌هایت بخند تا بفهمند جدی‌شان نگرفته‌ای و دشمنان را کولشان بگذارند و بروند، بهار را پشت در ترس‌ها و دلهره‌ها و یأس منتظر نگذار، حال مان خوب می‌شود مهربان... بگذریم از من، حضرت حافظ که بیهوده وعده نمی‌دهد: چنان نماند و چنین نیز نخواهد ماند... با اجازه لسان‌الغیب من ادامه‌اش می‌دهم: بهار می‌آید و این درد نخواهد ماند.....

مهناز صوفی
mahnazsoofi@





نقش نویسندگی در توان بخشی

نازنین رحیمزاده

توصیه‌هایی برای نوشتن:

- نوشته‌های خود را نه تنها برای رفع اشکالات گرامری؛ بلکه برای شفاف‌سازی افکار مبهم و برایش کنید.
- اگر ایمیل می‌نویسید حتما کوتاه و پرمفهوم باشد.
- نوشته‌ها در قسمت بزرگ و جملات زیاد ننویسید.
- وقتی روند یک موضوع را می‌نویسید، آن را به صورت یک داستان دارای ابتدا، میانه و انتها تصویر کنید.
- وقتی خواهان چیزی هستید، آن را شفاف بیان کنید.
- بحث دیگر فواید نوشتن برای همه افراد از جمله توان‌یابان است. تحقیقات علمی نتایج عجیبی را در مورد افرادی که به طور منظم می‌نویسند، نشان می‌دهد. فایده نوشتن بسیار فراتر از افزایش گنجینه لغات است. صرف نظر از این که به چه شکلی و با چه ادبیاتی می‌نویسیم، خود فعل نوشتن می‌تواند منجر به فوائد فیزیکی و ذهنی فوق‌العاده‌ای شود؛ مثل بهبود روحیه، کاهش قابل توجه در سطح استرس و از بین رفتن علائم افسردگی.
- طبق پژوهشی که در سال ۲۰۰۵ انجام شد، تنها ۱۵ تا ۲۰ دقیقه نوشتن حتی به تعداد ۳ تا ۵ بار در عرض چهار ماه، برای ایجاد تغییرات معنا دار در سلامتی فرد کافی است.
- با نوشتن در مورد رویدادهای هیجانی و پر استرس و حوادث ناگوار، افراد به طور قابل توجهی کمتر دچار بیماری و اثرات منفی سانحه بودند. این افراد زمان کمتری را در بیمارستان و مراکز درمانی می‌گذرانند، فشارخون پایین‌تری داشتند و از عملکرد کبدی بهتری برخوردار بودند.
- در تحقیق دیگری نشان داده شد که نوشتن می‌تواند موجب ترمیم و بهبود سریع‌تر زخم‌ها و جراحات فیزیکی شود. این تحقیق همچنین نشان داد که نوشتن در مورد حوادث ناگوار یا استرس‌زا به شرکت‌کنندگان

افراد دارای معلولیت باید فرصتی پیدا کنند تا خلاقیت فکری و هنری خود را رشد دهند و علاوه بر منافع خود، برای جامعه هم موثر باشند. باید با مشارکت آنها در گروه‌های فرهنگی و هنری، هر چه بیشتر با دنیای خارج از ذهن‌شان آشتی کنند. در این راستا هنر، به ویژه نوشتن، یکی از راه‌های درمان مشکلات روحی و روانی این گروه است. همه افراد از کارآموز گرفته تا مدیر، مدیر ارشد و رییس، ممکن است در مسیر شغلی خود از نوشتن به عناوین مختلفی استفاده کنند. برای آنها معمولا نوشتن راه ساده‌ای برای برقراری ارتباط و به اشتراک گذاشتن اطلاعات است.

ولی همه چیز از زمانی آغاز می‌شود که ایده‌ها از درون شخص شروع به جوشیدن می‌کند. این ایده‌ها ممکن است مربوط به بهترانجام دادن کارها و چگونگی انگیزه بخشیدن به گروه کاری باشد. معجزه زمانی رخ می‌دهد که به جای گفت‌وگو درباره ایده خودتان، آن را بنویسید. نوشتن فقط راهی برای ایجاد ارتباط نیست؛ بلکه راهی برای اجرایی کردن ایده از طریق کلمات هم می‌باشد. هر چه بیشتر به این امر اعتقاد داشته باشید، تحول بزرگ‌تری را در کار و زندگی خود شاهد خواهید بود.

اگر ایده‌ای هم نداشته باشید، با نوشتن، ایده‌های مختلف به سراغ‌تان می‌آید. حتی اگر چنین اتفاقی هم نیفتد، توانایی کنارهم قرار دادن جملات به صورت منسجم برای بیان افکار خود به دیگران به گونه‌ای که دیگران افکار و عقاید شما را بفهمند، توانایی مهمی است. نویسنده خوب بودن، چیزی بیش از نویسنده بودن است و آن با شفافیت در نوشتن به دست می‌آید. نوشتن واضح و شفاف، علامت واضح اندیشیدن است. نویسندگان ماهر راه ارتباط با دیگران را می‌دانند و هر چیزی را برای بهتر فهمیدن، ساده می‌کنند. نویسندگان می‌توانند خودشان را جای دیگران بگذارند و می‌دانند چه چیزی را حذف کنند.



شماره ۷۴-۷۵ بهار و تابستان ۱۳۹۹

کمک کرده بود که با رویدادهای استرسزا بهتر رو به رو شده و دچار تنش کمتری شوند. حتی بیمارانی که به بیماری‌های خاصی مانند؛ ایدز و سرطان مبتلا هستند هم وقتی می‌نویسند، رویکرد خوشبینانه‌تر و در نتیجه کیفیت زندگی بهتری نسبت به آنان که نمی‌نویسند، دارند. علاوه بر اینها نوشتن به فرد اجازه می‌دهد که نگاه مثبت به زندگی داشته‌باشد و زندگی را منطقی‌تر و با هیجان کمتری ارزیابی کند. وبلاگ نویسی باعث ترشح دوپامین در بدن می‌شود که اثری مشابه دویدن و شنیدن موسیقی بر بدن دارد و همچنین نوشتن باعث کیفیت بهتر خواب در افراد می‌شود.

اثرات نوشتن بر سلامت روان

اگر شما دچار مشکل روحی هستید و قصد ندارید به پزشک مراجعه کنید، بهتر است دست به قلم شوید. انواع مختلف نوشتار می‌تواند در بهبود شرایط روحی شما موثر باشد. **نوشتن آزاد:** وقتی به طور آزاد می‌نویسید، تمام افکار و حوادث را بنویسید. ذهن خود را رها کنید. با این کار مطالب بسیاری برای شما روشن خواهد شد. سپس به عقب برگردید و نوشته خود را بخوانید. احتمالاً اطلاعات بیشتری در مورد احساس خود به دست می‌آورد. این نوع نوشتن اثر مطلوبی بر روحیه دارد. **نوشتن خلاصه:** این نوع نوشتن به حل و فصل احساسات و افکار منفی شما کمک می‌کند.

نوشتن بازتابی: در این روش تجربیات مثبت و منفی خود با هر اندیشه مرتبط با آن را ثبت خواهید کرد؛ به عنوان مثال اگر در یک کلاس شرکت کرده‌اید، دیدگاهتان را در مورد کلاس، آنچه آموخته‌اید و این که موضوع آموزش چگونه باعث پیشرفت شما شده‌است را بنویسید. فایده این نوع نوشتن این است که می‌توانید تجربیات بیشتری را کسب کنید.

نوشتن قدر شناسانه و تشکری:

این نوع نوشتن تمرین خوبی برای آرام شدن شماست. یک نفس عمیق بکشید و از خود بپرسید برای چه چیزهایی می‌توانید شکرگزار باشید. این نوع نگارش باعث فعالیت معز در قشر قدامی می‌شود که با شناخت اخلاقی، قضاوت و نظریه‌پردازی ذهنی افراد در ارتباط است. این نوع نوشتن در بهبود کیفیت خواب، حفظ سلامت جسمی و روحی و در درمان افسردگی به شما کمک می‌کند.

نامه نوشتن: اگر می‌خواهید خود را به کسی بشناسانید و تا به حال نتوانستید این کار را بکنید، می‌توانید نامه بنویسید و چیزهایی که می‌خواهید راعنوان کنید. این نوع نوشتن به شما کمک می‌کند تا بار مسئولیت را از دوش خود بردارید و از تجربیات به دست آمده درس بگیرید.

نویسندگان دارای معلولیت در جهان:

استون هاوکینگ، فیزیک‌دان، کیهان شناس و نویسنده بریتانیایی است. اعتبار علمی او به دلیل محاسبات علمی پیچیده و بسیار دقیقی است که در مورد پیدایش سیاه‌چاله‌های آسمانی انجام داده‌است. **دوید رایت:** وی در سال ۱۹۲۰ متولد شد. او در هفت سالگی به علت ابتلا به بیماری مخمک شنوایی خود را از دست داد و در چهار ده سالگی به انگلستان مهاجرت کرد. او در سال ۱۹۴۲ اشعار خود را در مجله ادبی آکسفورد منتشر کرد و به عنوان نویسنده با مجله ساندی تایمز هم همکاری داشت. وی استاد دانشگاه بود و ۲۴ کتاب از او باقی مانده‌است.

کریستی براون: کریستی براون نویسنده شاعر و نقاش ایرلندی بود. وی

مبتلا به فلج مغزی بود و فقط پای چپش حرکت می‌کرد. او با کمک مادر خود توانست نقاشی کردن با پا را بیاموزد و تصاویر زیبایی خلق کند. او کتابی به نام «پای چپ من» نوشت که بعد ها فیلمی نیز بر اساس آن ساخته شد.

قرن بیستم را باید جهشی بزرگ برای بهبود وضعیت افراد دارای معلولیت در تمام عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و حقوقی دانست. در این قرن بود که پدیده سامان بخشی و برابر سازی فرصت‌های زندگی با کمک سازمان‌های بین‌المللی، به ویژه سازمان ملل متحد را فراهم کرد و در همین راستا افراد دارای معلولیت توانستند با تشکیل جمعیت‌های مخصوص خودشان، برای نیل به خواسته‌های خود تلاش کنند.

معرفی تئاتر با نقش آفرینی افراد دارای معلولیت:

نمایش «چرا بارون نمیاد» اثری از گروه هنری «معلولین پژواک» وابسته به جامعه معلولین ایران است که در شیراز به مناسبت ده فجر اجرا شد. نکته قابل توجه در این گروه، معلولیت عوامل آن است. اعضای گروه دارای ناتوانی جسمی- حرکتی، ذهنی، شنوایی و دیگر انواع معلولیت هستند. این تئاتر پنج مقام کسب کرده‌است. نمایش دیگر، نمایش «پزشک نازنین» نوشته نیل سایمون و اثر گروه پایون است که حسین رحیمی کارگردانی این نمایش را برعهده دارد. تعدادی از بازیگران این نمایش، افراد دارای معلولیت هستند.

آثار سینمایی با نقش آفرینی افراد دارای معلولیت:

فیلم‌های بسیاری در مورد توان‌یابان ساخته شده که از آن جمله می‌توان به فیلم سینمایی رابطه، پرنده کوچک خوشبختی و بچه‌های ابدی ساخته پوران درخشنده اشاره کرد. فیلم ساز در این آثار به بررسی زندگی افراد دارای معلولیت می‌پردازد. نکته شایان توجه در این سه فیلم این است که بازیگران اصلی این فیلم‌ها، افراد دارای معلولیت هستند.

فیلم‌هایی در مورد افراد دارای معلولیت

از فیلم‌هایی که در مورد افراد دارای معلولیت ساخته شده‌است می‌توان به رنگ خدا، اینجا بدون من، بی‌خداحافظی، گل‌های داوودی، مسافران مهتاب و مادر اشاره کرد.

فیلم ساز دارای معلولیت

از فیلم سازان دارای معلولیت ایرانی می‌توان به ناصر شهریاری اشاره کرد که در فیلم وضعیت سفید، ایفای نقش کرد و ساخت نخستین فیلم خود با نام ۲۴ ساعت مرخصی را با موفقیت به پایان برد.

نویسندگان توان‌یاب ایران:

از نویسندگان ایرانی می‌توان به جلال آل احمد، محمود دولت‌آبادی، فهیمه رحیمی و بسیاری دیگر اشاره کرد، اما در این میان نویسندگان توان‌یاب نیز پا به عرصه نویسندگی نهاده‌اند که کم‌تر از آنها نام برده شده‌است و به همین دلیل کمتر شناخته شده‌اند. توان‌یابان کتاب‌های بسیاری را به رشته تحریر درآورده‌اند که این کتاب‌ها در زمینه‌های ادبی، هنری، حقوقی، زندگی‌نامه، گردشگری، داستان، داستان‌های مخصوص کودکان، فیلم و سینما، کتاب‌های آموزشی، ریاضیات، ورزش و کتاب‌های توان‌بخشی است.

نویسندگان این کتاب‌ها دارای معلولیت‌های قطع نخاعی، ضایعه نخاعی، فلج اطفال، جسمی- حرکتی، کم بینا، اعصاب روان و... هستند.



همان بینی یا جهان بینی

فاطمه کنهانی - فرهنگ توانیابان

غیر از صورت ما قرار داشت، چه اتفاقی می‌افتاد؟ شکنجه‌ی قرون وسطایی و وحشتناک آبریزش بینی چگونه اتفاق می‌افتاد؟ اگر اصلاً بینی نداشتیم، شاید وسط صورتمان دو سوراخ عمیق بود که از داخل آن‌ها، مغزمان برای ما دست تکان می‌داد و در مواقع سرماخوردگی شاید مجبور بودیم برای سوراخ‌ها واشر نصب کنیم.

احتمال دیگری که به ذهنم رسید این بود که اگر بینی ما در مکان و موقعیت دیگری مثل کف دست ما بود چطور می‌شد؟ با تصور این حالت مطمئن شدم که من حتماً از اولین اشخاصی می‌شدم که آن چه در دست داشتیم را به زمین می‌گذاشتم و از خیر داشتن دماغ می‌گذشتم. به قول معروف بگذار و بگذر.

در کل با بررسی مکان‌های مختلف برای بینی، به این نتیجه رسیدیم که اصلاً این قضیه چه دخلی به من دارد؟ قبل از دچار شدن به یأس فلسفی، پذیرفتم که جای بینی مناسب است و بینی عزیز ما درست همان جایی است که باید باشد.

بعد از رسیدن به پاسخ این سوال مهم و حیاتی و اطمینان از شرایط مناسب بینی، به این درک عمیق فلسفی رسیدیم که اصلاً مکان همه چیز در دنیا کاملاً درست است و هر چیزی به زیبایی جای خودش را یافته است.

در طبیعت همه‌ی گیاهان و جانداران و نیمه جان‌ها و حتی مردگان و خلاصه تمامی خلقت، اگر انسان دخالت نکند، همه در جای مناسب مستقر هستند.

بدن انسان هم که شاهکار آفرینش است و دست و پا و چشم و صد البته بینی، هر کدام از ظرافت و زیبایی خاص خود برخوردار هستند و همگی در بهترین جا مستقر. در صورت مخالفت با این موضوع، روش‌های مختلفی برای امتحان کردن و اثبات خلاف این ادعا پیش روی شماست. مثلاً همین روش مهندسی معکوس، و یا روش آزمون و خطا، به بهترین نحو می‌توانند مناسب بودن جای اعضای بدن را به شما

با شروع سال جدید من هم مثل تعداد زیادی از اقوام و آشنایان، دچار سرماخوردگی شدم. البته منظورم از دچار، معنی ادیبانه‌ی آن نیست که می‌گویند هر کسی عاشق است، دچار است. بلکه به طور جدی درگیر بیماری هولناک سرماخوردگی شدم. بله هولناک است چون معمولاً مسئول مبتلایان بعدی خود شما هستید و به طور قطع این شما هستید که ویروس را تقدیم جامعه‌ی بشری کرده‌اید.

تشخیص اکثریت این بود که بیماری، از آن ویروس‌های جدید است. دسته‌ای از ویروس‌ها هستند که با هر بار حمله، جدید و نوظهور تلقی می‌شوند، به طوری که خود ویروس به زبان آمده و ادعای آشنایی می‌کند و حتی با دست‌های خودش پادزهر را در بدن پیدا می‌کند و به این صورت دوستی دیرینه را اثبات می‌کند.

با وجود تجسس و تفحص تیم منتخب، شخص وارد کننده‌ی ویروس به چرخه‌ی روبوسی‌های فامیلی شناسایی نشد و پرونده‌ی ویروس جدید مختومه اعلام شد.

در پی این قضایا، بسیاری از روبوسی‌ها و عینک خرد شدن‌ها با عبارت «بخشید سرما خوردم» ماست مالی شد. البته افرادی هم بودند که آغشته به ماست نشدند و بعضاً با فداکاری‌های بسیار و در مواردی اعمال زور و خشونت، مراسم روبوسی و ابراز محبت لازم را با تشریفات برگزار کردند که از همه‌ی این عزیزان و همکاران قدردانی می‌کنم.

نظر به این که همه‌ی ما گاهی به افکار عمیق فلسفی فرو می‌رویم و گاهی هم به سوالات فلسفی فکر می‌کنیم که شدت این حالات در مواقع بیکاری و تعطیلات بیشتر است، من هم هنگام انجام حرکات موزون بندری از شدت لرز (همان تب و لرز خودمان) به فکر فلسفه‌ی مکان بینی یا همان دماغ خودمان افتادم. در آن لحظات، چیزی که بیشتر از هر چیزی در دنیا فکر و حتی جسم من را به خود مشغول کرده بود، بینی بود!

به این موضوع فکر می‌کردم که اگر بینی در جایی





اثبات کنند. نکته‌ی قابل ذکر این است که در صورت قطع عضو مسئولیت به گردن خود شماس است.

خلاصه من به این نتیجه رسیدم که همه چیز در دنیا دقیقا در جای درست خود قرار دارد، جز من! در این مورد هم هنوز به نتیجه قطعی نرسیده‌ام که مشکل از من بود یا چیزهای دیگر، اما در آن ساعات اگر مهمانی برای بازدید به خانه‌ی خاله‌ی عزیز ما می‌آمد، حتما تصور می‌کرد که در این خانه ماست بندی دارند و چیزی که درست وسط خانه گلوله شده و زیر پتو است، ماستی است که بعدا قرار است خورده شود. به راستی اگر من هم جای مهمان‌ها بودم تنها چیزی که به ذهنم می‌رسید این بود که حالا این ماست قرار است شیرین باشد یا نه؟ و اصلا به فکرم خطور نمی‌کرد که کسی زیر پتو به سوالات دشوار فلسفی فکر می‌کند.

دوباره به این فکر افتادم که اصلا من هیچ، آیا همه‌ی ما در این دنیا و در زندگی‌مان، درست سر جای خودمان هستیم؟ یا بهتر است بیرسم آیا همه‌ی ما همان جایی هستیم که دوست داریم؟

پاسخ دادن به این سوال خیلی سخت است چون جهان بینی هر شخص با دیگری متفاوت است. مثل برداشت هر کدام از ما از مکان بینی. چند لحظه این فکر به ذهنم رسید که شاید من هم بینی زمین هستم و زمین می‌خواهد جابه‌جا شدن من را امتحان کند، اما سریع این فکر را از خودم دور کردم و پذیرفتم که اشکال کار را به گردن زمین نمی‌شود انداخت.

در حقیقت من از جایی که در زندگی هستم راضی‌ام. اما مخالفتی هم ندارم که یک کلبه در جنگل‌های بامبو در ژاپن داشته باشم و در همان‌جا زندگی کنم. شاید بتوان گفت که این یعنی دقیقا از جایی که هستم راضی نیستم.

و اینجا دقیقا رسیدیم به مبحث اصلی: دل!

یک چیزی هم هست به اسم دل. البته هنوز ربط دل و دماغ را نمی‌دانم اما قصد هم ندارم این سوال فلسفی را پاسخ بدهم. فعلا به همان دل فکر می‌کنم. دقیقا نمی‌دانم کجاست، شاید در قلب باشد، شاید هم شکم و شاید هم از طرف مغز کنترل می‌شود. هر جا که هست، در زندگی نقش تعیین کننده دارد و مثل بینی نیست که در صورت جابه‌جایی، کارش مختل شود. به هر صورت کار خودش را می‌کند و در میان مردم به زبان نفهمی یا عناوین دیگر مشهور است. این دل است که تعیین می‌کند ما چه چیزی را دوست داریم و به چه چیزی احتیاج داریم.

دل ما تصمیم می‌گیرد که آیا ما جایی هستیم که باید باشیم؟ و اگر مثل دل من، دل کسی بخواهد که در جای دیگری زندگی کند، باز هم باید ببینیم آیا توان دل

کندن و رفتن را داریم؟ اگر دنبال دلمان رفته باشیم، آن وقت است که دل تصمیم می‌گیرد که ما خوشحال باشیم!

دل من هم به من اخطار می‌دهد که به جای فکر کردن به مکان بینی، به دلت فکر کن. انتخاب کن که دل کندن از مکان زندگی فعلی راحت‌تر است یا دل بستن به یک مکان جدید.

بعد از این همه تفکرات شبه فلسفی، توجه شما را به چند نکته جلب می‌کنم که نمی‌دانم فلسفی هستند یا نه؟

ابتدا باید عرض کنم که من به شخصه از جای بینی خودم راضی هستم و همین‌طور از جای بقیه‌ی اعضای بدنم. بدنی که به ما آدم‌ها هدیه داده شده، بسیار عزیز و دوست‌داشتنی و همین‌طور محترم است. بله محترم! این بدن، بدنی است که برای ما انتخاب شده، هر طور که باشد، باید از آن مراقبت کنیم و دوستش داشته باشیم. در صورتی که احساس عشق و احترام به بدنتان داشته باشید، همیشه دارای بهترین حس و حال هستید. به بینی زبان بسته هم خرده نگیرید و هر جوری که هست، دوستش داشته باشید.

برای داشتن دل و دماغ در زندگی، فکرتان را درگیر بینی خود نکنید، با عمل جراحی و مش و لگد و هر چیز دیگر هم لازم نیست درستش کنیم. خودش درست است. برای داشتن دل و دماغ فقط باید به دلمان برسیم و به آن بها بدهیم.

در مواقعی از زندگی ممکن است حرف دل دیوانه‌وار به نظر برسد، اما صادقانه‌ترین و لطیف‌ترین حرف‌ها، حرف دل است. در کنار همه‌ی منطقی‌ها و استدلال‌ها، حرف دل را هم جدی بگیریم و به آن رجوع کنیم، چرا که ممکن است بهترین راه، رفتن به دنبال حرف دلمان باشد.



نقش هنر

در توان بخشی و توانمندسازی

افراد دارای معلولیت

سعیده طوفی

جامعه، نسبت به افرادی که به نوعی دچار اختلال جسمی هستند، اغلب نگرش نادرست و غیرواقع بینانه دارد و رفتار آنان را ناهنجار و غیرقابل قبول می‌پندارد. بیشترین عوارض روانی و احساسی در این افراد، ناشی از برچسب‌هایی است که از سوی جامعه به ایشان زده می‌شود و غالباً همین باورها و رفتارهای نادرست، موجب سوءاستفاده از آنها می‌شود. بدون شک این عوامل و شرایط تاثیر بسیار جدی بر توانایی‌ها، محدودیت‌ها و یا عدم کارایی این افراد دارد و موجبات ناامیدی، انزوا، افسردگی و فقدان عزت نفس و اعتماد به نفس آنها را فراهم می‌سازد.

مؤسسات توان بخشی افراد دارای معلولیت، تا حدود زیادی در ایجاد احساس استقلال و دور کردن تفکرات منفی در افراد دارای معلولیت نقش داشته‌اند. در کنار سایر برنامه‌های توان بخشی، هنر و جنبه‌ی درمانی آن نیز می‌تواند از منظر فیزیکی، عاطفی، روانی، اجتماعی و معنوی به این افراد کمک موثری کند و راهکار مناسبی باشد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در ۵۰ سال گذشته، با پیشرفت علم پزشکی و استفاده از دارودرمانی، وضعیت روحی و جسمی افراد کم‌توان جسمی (آهسته گامان)، به طور قابل ملاحظه‌ای (به خصوص در کشورهای توسعه‌یافته) بهبود یافته‌است. علاوه بر دارودرمانی، شیوه‌های دیگری از جمله هنر و هنردرمانی در بهبود وضعیت جسمی و روانی این افراد به کارگرفته شده که نتایج مثبتی را به همراه داشته‌است. تاثیر هنر بر بهبود وضعیت روحی و جسمی افراد به اثبات رسیده و این تاثیر در زنجیره توان بخشی بر افراد دارای معلولیت و توانایی‌های متفاوت از جمله افراد کم‌توان ذهنی اعجاب‌انگیز بوده‌است. این بدان معناست که این افراد ناتوان نیستند، بلکه دارای درجات مختلفی از توانایی‌اند و تاثیر هنر نیز بر افراد مورد اشاره در به کارگیری توانایی‌های و توانمندسازی آنها غیرقابل انکار است. قابل ذکر است وارد کردن افراد کم‌توان به عرصه‌ی هنر، آنان، می‌تواند تاثیر منفی داشته‌باشد و آنان را تحت فشار قرار دهد. اما ورود آنان به دنیای هنر براساس توان جسمی و میزان درک این افراد از هنر، می‌تواند لذتبخش و آموزنده باشد و در بالا بردن توانایی‌شان موثر واقع شود. به عبارتی استفاده از هنر در توان بخشی باید با رویکرد تخصص محور صورت بگیرد.

مطالعات نشان داده‌است که افراد دارای معلولیت نیز از اوایل قرن بیستم بر شکوفایی هنر تاثیرگذار بوده‌اند. یکی از مشخصات بارز افراد معلول ناتوانی در برقراری ارتباط موثر و رضایتبخش با سایر افراد جامعه است. در واقع این افراد در کسب مهارت‌های اجتماعی دچار مشکل‌اند. افراد معلول (آهسته گامان) به دلیل نقص شناختی دچار بی‌کفایتی اجتماعی و خودمحوری‌اند. همچنین محدودیت‌های شناختی باعث عدم آگاهی از چگونگی رفتار در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی می‌شود. کوتاه بودن گستره‌ی توجه به دلایل شرایط خاص جسمی و ناتوانی در به کارگیری راهبردهای شناختی سبب می‌شود نتوانند مطالب را نزد خود تکرار، سازماندهی و دسته بندی کنند. بنابراین این افراد به آموزش‌های ویژه ای نیاز دارند. آموزش هنر با تاکید بر هنردرمانی در رابطه با



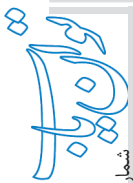
این افراد نتایج و فواید بسیار مهمی را به همراه داشته است که ذیلا به برخی از آن ها اشاره می‌شود:

- ▶ فعالیت هنری، باعث افزایش سرعت یادگیری در این افراد می‌شود.
- ▶ نتایج و محتوای تربیتی را در ذهن آنان بیشتر تثبیت و از فراموشی مکرر آنها جلوگیری می‌کند.
- ▶ سبب سادگی روش ها و انعطاف پذیری در انجام کار می‌شود.
- ▶ از طریق مشاهده و نمایش، باعث انتقال مسائل آموزشی و بسیاری از مهارت‌های خودیاری می‌شود.
- ▶ هنر و هنردرمانی، با کمک به خود اکتشافی فرد، در بهترین و موفقیت آمیزترین حالت از طریق شناخت و بیان احساسات درون، هیجانات فرد را تحریک می‌کند.
- ▶ هنر باعث رضایتمندی فردی می‌شود و دادن پاداش محسوس در ایجاد اعتماد به نفس و تقویت احساس ارزشمند بودن فرد مفید و موثر می‌باشد.
- ▶ فعالیت هنری در توانمندسازی افراد کم‌توان جسمی نقش بسزایی دارد و به این افراد کمک می‌کند که بتوانند از طریق دیداری احساسات و ترس خود را بیان کنند.
- ▶ هنر و هنردرمانی باعث رهاسازی فشارهای عصبی می‌شود. استرس مزمن می‌تواند برای روح و روان و بدن مضر باشد و به سیستم ایمنی بدن آسیب برساند. هنر، اگر به‌تنهایی و یا همراه با تکنیک‌های Relaxation استفاده شود می‌تواند در رها ساختن استرس مفید باشد هنردرمانی کمک می‌کند از طریق شناسایی و کارکردن روی مسائلی که باعث خشم و نفرت و سایر هیجانات استرس‌زا می‌شود افراد از عهده درد برآمده و روند بهبود جسمانی خود را ارتقا بخشند.
- ▶ یکی از تاثیرات بسیار مهم هنر و هنردرمانی این است که با بهبود وضعیت روحی و جسمی شخص معلول خانواده آنان نیز از بهداشت روانی مساعدی برخوردار خواهند شد.

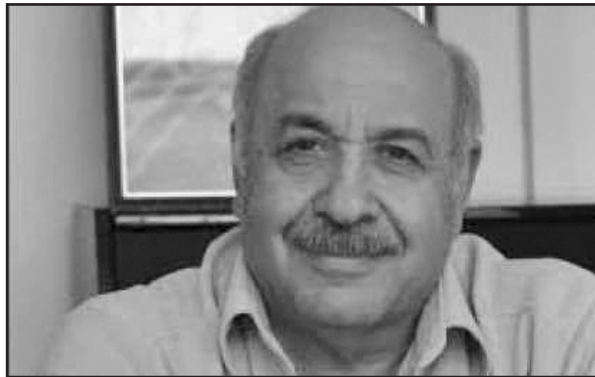
به‌طور کلی، هنردرمانی شیوه ای بسیار موثر و مناسب برای توسعه‌ی مهارت های فردی و اجتماعی گروه‌های مختلف معلولین است و زمینه‌ی لازم را جهت توانمندسازی آنان فراهم می‌سازد. همچنین، فرصت مناسبی به آنان می‌دهد برای کسب مهارت‌هایی از قبیل: ابراز وجود، برقراری ارتباط با دیگران، پیداکردن هویت و جایگاه اجتماعی، مسوولیت پذیری، وقت‌شناسی و مدیریت زمان، انجام فعالیت های گروهی، رسیدن به هدف، دوست یابی، اعتماد به نفس، عزت نفس، خودشناسی، آشنایی با ارزش ها و هنرهای اجتماعی، انتخاب و تصمیم گیری، ارتقای بهداشت روان از طریق تغییر در باورهای غیرمنطقی و هیجانات و رفتارهای آنان، پرکردن اوقات فراغت، بهداشت روان خانواده آنان، تکامل فکری و....

در همین راستا و به منظور توسعه و گسترش و بسترسازی لازم برای فعالیت های هنری بین گروه های هدف سازمان بهزیستی، و جهت نیل به اهداف توانبخشی و توانمندسازی حوزه‌ی معاونت توانبخشی در سنوات اخیر اقدام به برگزاری جشنواره های مختلف هنری برای معلولین (اولین جشنواره‌ی تئاتر استانی معلولین، جشنواره‌ی تئاتر منطقه‌ای معلولین کویر، اولین جشنواره‌ی موسیقی استانی معلولین، اولین جشنواره‌ی عکاسی با رویکرد جدید، مسابقه نمایشنامه‌نویسی برای معلولین، جشنواره‌ی نمایش رادیویی برای اولین بار در کشور، شرکت در جشنواره های کشوری، بین‌المللی و منطقه ای و....) برگزاری کارگاه‌های گوناگون آموزش کارگردانی و نویسندگی هنرنمایشی و هنردرمانی و... کرده‌است.

خوشبختانه، معلولین در حوزه هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی و هنرهای موسیقایی، به پیشرفت های قابل تحسینی نائل آمده اند و امیداست در آینده شاهد شکوفایی هر چه بیشتر این قبیل فعالیت ها در موسسات و مراکز توانبخشی تابعه‌ی بهزیستی استان باشیم.



داود گنجه‌ای (۱۳۲۱ ه.ش) موسیقیدان، قطع پا



داود گنجه‌ای در سال ۱۳۲۱ ه.ش در شهر ری در خانواده متقی و متدین و هنرمند متولد گردید. وی در نوجوانی در اثر سانحه قطار به سختی آسیب دید، به طوری که به قطع یک پا از زیر زانو و پای دیگر از انگشتان منجر گردید. بعد از این حادثه او با روحیه‌ای مصمم و با تلاش و کوشش به فعالیت و تحصیل پرداخت، وی آنچنان در رفع این مشکل کوشید که حتی دوستان و آشنایانش نقص عضو او به سادگی تشخیص نمی‌دهند. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی به فراگیری دستگاه‌ها و ردیف‌های موسیقی آوازی ایران روی آورد و مدت هفت سال نیز به آموختن ویولون کلاسیک نزد استاد خارجی به نام «والیش» پرداخت. داود گنجه‌ای پس از تحصیلات دوره متوسطه در سال ۱۳۴۶ ه.ش دانشجوی رشته موسیقی دانشگاه تهران شد و موفق به اخذ لیسانس گردید. او در زمان تحصیل در دانشگاه از محضر استادانی چون: دکتر نورعلی برومند، دکتر داریوش صفوت و سایر استادان استفاده کرد.

داود گنجه‌ای با عشق و علاقه خاصی در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران به تحقیق پرداخت. و در این زمینه از مکتب بزرگانی نظیر: سعید هرمزی، یوسف فروتن، محمود کریمی بهره‌ها گرفت و در نواختن کمانچه، با این که از محضر شادروان سعید هرمزی استفاده‌ها کرد، ولی درس اصلی را از شادروان استاد اصغر بهاری فراگرفت و خود را مدیون این استاد می‌داند. در نواختن ویولون هم خود را شاگرد مکتب استاد فقید ابوالحسن خان صبا می‌داند. سال‌ها در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران به تدریس کمانچه و تحقیق درباره ردیف‌ها پرداخت و از سال ۱۳۵۷ ه.ش در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مناصب متعددی انجام وظیفه کرده‌است از آن جمله می‌توان به این کارها اشاره کرد: عضو شورای عالی گروه موسیقی سنتی، عضو گروه سرود و آهنگ‌های انقلابی، مشاور هنری انجمن سرود و آهنگ‌های انقلابی این وزارتخانه، مسئول خروج کلیه سازها از کشور توسط هنرمندان، و مسئول بررسی صلاحیت هنری کسانی که ساز از کشور خارج می‌کنند، عضو شورای نظارت بر صدور پروانه نوارهای موسیقی وی در منطقی، عضو شورای موسیقی صدا و سیما نیز بوده است.

داود گنجه‌ای این هنرمند آزاده و با اراده و تلاشگر هیچ گاه از آموختن و آموزش دادن خسته نشده و همواره در این راه سر از پا نمی‌شناسد، با این که ساز تخصصی او ویولون است ولی با راهنمایی دکتر نورعلی خان برومنده همه تلاش خود را مصروف حفظ سبک سنتی کمانچه نمود و همه کوشش خود را در جهت ارائه و اشاعه موسیقی سنتی ایران بکار برده و برای این منظور مدت هفت سال با زنده یاد محمود کریمی در ردیف‌سازی و آواز و مطابقت گوشه‌ها کار کرده‌است.

از کتاب: مشاهیر دارای معلولیت در ایران و جهان
گردآورنده: مهندس منصور برجیان

معرفی کتاب

فرهنگ‌نامه موسیقی معلولان Encyclopedia of Disability Music



از بخش خصوصی که به اجرای پروژه‌های مرجع می‌پردازند تاکنون حمایت نکرده‌اند.

پاسخ این پرسش‌ها متأسفانه منفی است. از طرف دیگر به دلیل پرهزینه بودن پروژه‌های مرجع، افراد عادی توانایی انجام آن را ندارند. نتیجه اینکه فقدان منابع مرجع درباره موضوعات مختلف ویژه معلولیت، راه را بر اجرای تحقیقات مستند و کارساز و مؤثر بسته است.

* موسیقی معلولیتی، یک شاخه از انواع موسیقی و گویای فعالیت‌های معلولان در عرصه نوازندگی و خوانندگی و تحقیقات درباره این فعالیت‌ها است. این کتاب کارنامه موسیقی ویژه معلولیت در ایران و شامل اطلاعات شخصیت‌ها، مراکز، رخدادها و تحولات، کارکردها، تأثیرات و منابع علمی است.

کتاب فرهنگ‌نامه موسیقی معلولان، نمایانگر توانمندی‌ها و پیشرفت‌ها و گاه شکست‌های نابینایان، ناشنوایان و دیگر افراد دارای اختلالات جسمی، حرکتی و ذهنی در عرصه موسیقی است.

زندگینامه و اطلاعات ۲۱۸ فعال موسیقی دارای معلولیت، ۷۳ تشکل و گروه فعال، ۵۰ استاد و مربی مؤثر در آموزش افراد دارای معلولیت، تحولات تاریخی موسیقی معلولان در ایران و بسیاری اطلاعات سودمند دیگر در این کتاب آمده است.

تجارب و دستاوردهای موسیقایی حوزه معلولیت که با تلاش بسیار طی قرون متمادی به دست آمده، سرمایه بزرگ و غنی ملی است. این کتاب کوشیده ابعاد این سرمایه و دستاوردها را به روش علمی به جهان و نیز به نسل‌های آینده معرفی کند.

* علاقه‌مندان و پژوهشگران می‌توانند فایل کامل این کتاب را به صورت رایگان از سایت انتشارات توانمندان دریافت نمایند (www.tavanmandan.com).

فرهنگ‌نامه موسیقی معلولان: فعالان، آثار، رخدادها، تشکل‌ها و تحولات تاریخی، علی نوری، انتشارات توانمندان و دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۸، ۵۱۲ ص. ۴۰۰۰۰۰ ریال.

موضوع‌ها:

موسیقی‌دانان معلول - ایران

معلولان و هنرها - ایران

موسیقیدانان ایرانی - سرگذشتنامه

شاعران ایرانی - سرگذشتنامه

معلولان - ایران

هنر و اجتماع - ایران

* این کتاب به روش منابع مرجع تألیف شد؛ زیرا پژوهشگران برای پروژه‌های تحقیقاتی درباره هنر معلولیتی و موسیقی معلولیتی به چنین آثاری بیشتر نیاز دارند. البته جای منابع مرجع در جامعه هدف و فرهنگ معلولان بسیار خالی است. تا کنون در ایران، چند عنوان دانشنامه، دایره‌المعارف، کتاب شناسی، راهنما، شناسنامه و اصطلاح‌نامه درباره موضوعات مختلف نابینایی، ناشنوایی، معلولیت‌های حرکتی، ذهنی یا اجتماعی منتشر شده است؟

پاسخ این پرسش معلوم است. سازمان بهزیستی و دانشگاه علوم بهزیستی به عنوان نهادهای دولتی که اساساً باید در این حوزه‌ها فعال باشند، چند عنوان کتاب مرجع درباره تاریخ معلولیت، تاریخ تشکل‌های نابینایی و ناشنوایی، هنر معلولیتی، موسیقی معلولیتی، آموزش و پرورش معلولان، آسیب‌شناسی، مناسب‌سازی و ده‌ها موضوع دیگر منتشر کرده‌اند. تأسف‌آور این‌که نهادهای دولتی که بودجه‌های کلان ملی در اختیار دارند



مضرات نوشابه برای مبتلایان به ام اس

دکتر حمیدرضا فرشچی
دکترای تخصصی تغذیه و رژیم درمانی

بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس یا ام اس (MS) همواره علاقمند هستند بدانند که رژیم غذایی و مصرف برخی غذاهای خاص چه تاثیری بر روی پیشرفت بیماری آنها دارد. در این راستا مطالعه‌ای بر روی ۱۳۵ بیمار مبتلا به ام اس انجام شده که نتایج آن نشان دهنده مضرات نوشابه برای این بیماران می باشد.

بیماری ام اس (MS) چیست؟

بیماری ام اس یک بیماری اتوایمیون یا خود ایمنی است که در مبتلایان به آن به علت از بین رفتن میلین که پوشش محافظ اعصاب است در انتقال پیام توسط اعصاب اختلال ایجاد می‌شود. در بیماری‌های خود ایمنی سیستم ایمنی که باید از بدن در برابر عوامل بیماری‌زا محافظت کند به اشتباه به بافت‌های سالم آن حمله می‌کند.

با توجه به این که چه نوع عصبی آسیب دیده‌است و میزان آسیب چقدر است علائمی مانند ضعف یا بی‌حسی یکی تا تعدادی از اعضای بدن، اختلال بینایی، عدم هماهنگی قسمت‌های مختلف بدن، خستگی، گیجی و ... ظاهر می‌شود. شیوع این بیماری در زنان بیشتر از مردان است. اما بیماری در مردان سریع‌تر پیشرفت می‌کند.

عفونت‌های ویروسی و احتمالاً باکتریایی از جمله مواردی هستند که در بروز این بیماری نقش دارند. یکی از این ویروس‌ها "ویروس ابشتاین بار" است.

محققان متوجه شدند هر چقدر از خط استوا که نور خورشید بیشتر است دور می‌شویم، شیوع ام اس بیشتر می‌شود. عامل دیگری که می‌تواند احتمال ابتلا به ام اس را افزایش دهد، کمبود ویتامین D است. به نظر می‌رسد که اگر در دوران کودکی به کمبود این ویتامین مبتلا باشید، خطر ابتلا به این بیماری به بالاترین حد می‌رسد.



MS

با توجه به میزان مصرف نوشابه‌ها، شرکت‌کنندگان به ۵ گروه تقسیم شدند. بیشترین میزان مصرف مربوط به گروهی بود که به طور میانگین هر روز با مصرف این نوشیدنی‌ها ۲۹۰ کیلوکالری انرژی دریافت می‌کردند (معادل ۲ قوطی نوشابه). در مقابل این گروه افرادی قرار داشتند که به ندرت از این نوشیدنی‌ها مصرف می‌کردند.

نتایج نشان داد که به‌طور کلی ارتباطی بین رژیم غذایی افراد و میزان پیشرفت بیماری وجود ندارد. اما در افرادی که نوشابه بیشتری مصرف می‌کردند در مقایسه با کسانی که به ندرت از آنها استفاده می‌کردند، احتمال پیشرفت بیماری و بروز ناتوانی شدید ۵ برابر بیشتر بود.

اگرچه نتایج این مطالعه در مورد مضرات نوشابه برای این بیماران باید با انجام تحقیقات بزرگ‌تری تأیید شود، اما با توجه به اینکه نوشیدنی‌های شیرین فاقد ارزش غذایی خاصی هستند، توصیه می‌شود افراد مبتلا به ام اس، از مصرف آنها خودداری کرده یا مصرف آنها را به حداقل برسانند.

مطالعه دیگری که در سال ۲۰۱۸ میلادی در مورد مضرات نوشابه انجام و در مجله Clinical Journal of the منتشر شد نشان داد که مصرف بیش از حد این نوشیدنی‌ها احتمال ابتلا به بیماری مزمن کلیه را ۶۱ درصد افزایش می‌دهد.

با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده بهترین نوشیدنی برای حفظ سلامتی آب است. آب فاقد کالری است و نوشیدن آب کافی از بروز بسیاری از بیماری‌های جسمی و ذهنی پیشگیری می‌کند. هر چقدر میزان فعالیت بدنی روزانه بیشتر و اندازه بدن بزرگ‌تر باشد بدن به آب بیشتری نیاز خواهد داشت.

منبع:

Presented at the American Academy of Neurology's
71st Annual Meeting in Philadelphia, 2019

ویتامین D به کمک نور خورشید در پوست ساخته می‌شود. این ویتامین در تعداد کمی از مواد غذایی شامل ماهی، زرده تخم مرغ و لبنیات غنی شده و مکمل‌های غذایی یافت می‌شود.

استفاده از سیگار و ابتلا به چاقی نیز می‌تواند در بروز این بیماری نقش داشته باشد. ترکیبات شیمیایی موجود در سیگار ممکن است با اثر بر سیستم ایمنی زمینه را برای ابتلا به ام اس فراهم کنند. چاقی نیز احتمالاً به علت افزایش التهاب بدن و سایر دلایل ناشناخته احتمال بروز بیماری را افزایش می‌دهد.

اگرچه درمان قطعی برای بیماری ام اس وجود ندارد، اما به کمک داروها و تغییر سبک زندگی می‌توان علائم بیماری را کنترل کرد.

مضرات نوشابه برای مبتلایان به ام اس

از مضرات نوشابه برای مبتلایان به ام اس چه می‌دانید؟

به منظور بررسی مضرات نوشابه برای مبتلایان به ام اس شرکت‌کنندگان در یک مطالعه، پرسشنامه‌ای را در مورد رژیم غذایی خود تکمیل کردند. سپس میزان شباهت رژیم آنها با رژیم غذایی DASH (دش) بررسی شد.

این رژیم غذایی، معمولاً به منظور کاهش فشارخون، به افراد مبتلا به فشارخون بالا توصیه می‌شود. در این رژیم غذایی، به مصرف میوه‌ها، سبزیجات، غلات کامل، لبنیات کم چرب، گوشت لخم، مرغ، ماهی، مغزها و حبوبات تأکید شده و مصرف غذاهای حاوی نمک، قند و چربی اشباع محدود می‌شود.

از آنجا که پیروی از رژیم غذایی DASH با کاهش خطر ابتلا به سایر بیماری‌ها از جمله؛ دیابت و بیماری قلبی - عروقی نیز مرتبط است، محققان تصمیم گرفتند تاثیر آن را بر روی مبتلایان به ام اس بررسی کنند.



اجتماع مفاخر جامعه توان یابان

در رعد تاک ۳



وی افزود: ولی از پا ننشستم واطمینان دارم روزی با دوچرخه‌ای که با دست حرکت خواهد کرد، تلاشم را ادامه می‌دهم.

دکتر روزبه پیروز مدیرعامل گروه سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی ایران با اشاره به معلولیت شدیدی که از بدو تولد با او همراه بود و با وجود نظر پزشکان که گفته بودند، این کودک هرگز نمی‌توان راه برود، افزود: مادر، مادربزرگ و خانواده من هرگز این نظریه پزشکان را نپذیرفتند و از همان اول با تمرینات ابتدایی، در تقویت پاهایم کوشش کردند تا جایی که من بالاخره راه افتادم.

وی با اشاره موقعیت‌هایی که در دانشگاه هاروارد در ایالت ماساچوست و دانشگاه استنفورد در دوران تحصیل به دست آورده، گفت: توجه به ظرفیت‌های بسیار زیاد افراد دارای معلولیت، از آنجا که همیشه در طول زندگی خود با مشکلات و محدودیت‌هایی که دارند مبارزه می‌کنند، موجب افزایش قدرت جامعه و کشور می‌شود.

سومین سخنران این مراسم دکتر بهاره هنرپرور،

رویداد رعد تاک که با هدف تغییر نگرش جامعه به موضوع معلولیت و توسعه دسترسی‌های فیزیکی و اطلاعات توان‌یابان برنامه‌ریزی و برگزار می‌شود در سومین نوبت میزبان چند شخصیت علمی، اقتصادی، ورزشی و حقوقی توان‌یاب بود.

سومین رویداد رعد تاک پس از مدت‌ها برنامه‌ریزی اجرا شد. در این مراسم ابتدا، سهیل کوچکی مبتکر باشگاه دوچرخه سواری کوهستان (ماناسلو) و مجری گردشگری ورزشی با اشاره به سوابق و فعالیت‌های ورزشی خود، افزود: در سیر طبیعی زندگی که شامل: تحصیل در مدرسه، دبیرستان، دانشگاه، سربازی و کار بود، هیچ‌گاه از ورزش جدا نبودم. در همین فعالیت‌های ورزشی از کوهنوردی به دوچرخه‌سواری در طبیعت روی آوردم. من پس از آشنایی با همسرم در باشگاه دوچرخه‌سواری و ازدواج با او، تورهای گردشگری ورزشی اجرا کردم که در یکی از تورها در شهر شیراز مینی‌بوس ما واژگون شد (۳ ماه پیش) و از ناحیه ۲ پا دچار معلولیت شدم.



۱۱۰۰۰ نفر رسیده است. مجموع هزینه‌ای که شرکت اسنپ از محل عدم دریافت کمیسیون رانندگان دارای معلولیت و تخفیف به مسافران دارای معلولیت دریافت نکرده است، بالغ بر ۲۰ میلیارد تومان است.

در بخش دوم رویداد رعد تاک، سحر تهرانی فرد وکیل دعاوی حقوقی شرکت کافه بازار که با وجود نابینایی به زبان انگلیسی تسلط کامل دارد و زبان فرانسه را هم در حد خواندن و نوشتن بلد است، از بی‌مهری‌های دستگاه‌های اجرایی به افراد نابینا برای جذب و همکاری گفت و نگرش کافه بازار را که به جذب افراد توان‌یاب مبادرت می‌کند، قابل‌گسترش به سایر مراکز دانست.

مهران بیرامی، ورزشگاه توان‌یابی که در اثر سانحه با موتورسیکلت از ناحیه دست راست دچار معلولیت شده است، گفت: در مسابقه دو سرعت که در مجموعه آفتاب انقلاب برگزار می‌شد، برای رقابت با افراد سالم از من حتی ثبت نام هم نمی‌کردند ولی در نهایت با رضایت کتبی به من شماره دادند و خط پیست را قسمت چمن قرار دادند! با این وجود در این مسابقه شرکت کردم و مقام اول را کسب نمودم.

استاد و شیمیدان برجسته دانشگاه‌های آفریقای جنوبی بود.

دکتر هنرپرور، با اشاره به ارتباطی که از ۲۰ سال پیش با مجتمع رعد برای آشنایی با فنون کامپیوتر آن زمان داشته است، افزود: از آنجا که به علم شیمی بسیار علاقه داشتم، بعد از گذراندن کلاس‌های کامپیوتر و نقاشی در رعد و برپایی نمایشگاه‌هایی از آثار نقاشی خود، به دنبال علاقه‌اصلیم که تحصیل در رشته شیمی بود رفتم و حالا در یکی از دانشگاه‌های آفریقای جنوبی مشغول به تدریس هستیم.

وی با اشاره به نظریه پایداری انرژی، افزود: با استفاده از این نظریه، افراد دارای معلولیتی که حرکت محدودی دارند، می‌توانند با اراده و انگیزه بیشتر، محدودیت‌های جسمی و حرکتی خود را جبران کنند.

در قسمت دیگری از این مراسم، ژوبین علاقه‌بند مدیرعامل شرکت اسنپ با اشاره به سوابق همکاری‌های موفق شرکتش با مجتمع رعد افزود: ۲ سال پیش در مراسمی که به رعد دعوت شدم آماری بیان شد که ۲۰۰۰ راننده دارای معلولیت در اسنپ مشغول به کار هستند ولی امروز این آمار به



نخستین رویداد کارساز، برگزار شد

بررسی چالش‌های اشتغال افراد دارای معلولیت در رویداد کارساز

رویداد کارساز در جهت تحقق نقش مسئولیت اجتماعی مؤسسات و سازمان‌های برجسته و صنایع کشور، باهدف بررسی چالش‌ها و فرصت‌های شغلی جامعه افراد دارای معلولیت با حضور مدیران کسب‌وکارهای موفق و متخصصان منابع انسانی و کارآفرینی، در سالن همایش رعد برگزار شد.

در این رویداد منصوره پناهی، مدیرعامل خیریه رعد ابتدا به توضیح و تعریف معلولیت پرداخت و گفت: در گذشته اگر فردی عینک می‌زد، یعنی در حال استفاده از یک وسیله کمکی بود که کاملاً پذیرفته شده بود. ویلچر هم مانند عینک، یک وسیله کمکی است که اگر محیط، مناسب‌سازی باشد، دیگر معلولیت به معنای محدودیت تلقی نمی‌شود.

پناهی در ادامه با بیان تاریخچه کوتاهی از سیستم کار در گذشته گفت: در زمانی، کار اصلی بشر به حوزه کشاورزی و سپس صنعت محدود بود. در این دوران، قدرت بدنی حرف اول را می‌زد اما حالا توانایی‌های شناختی و قدرت حل مساله است که در اشتغال حرف اول را می‌زنند؛ دو مهارتی که افراد دارای معلولیت از آن برخوردارند. پناهی با بیان اهمیت عمل به مسئولیت اجتماعی برای کسب‌وکارها، به معرفی سیستم اشتغال حمایت‌شده پرداخت و گفت: در سیستم اشتغال حمایت‌شده، که چند سالی است در خیریه رعد دنبال می‌شود برای هر فرد کارجو یک مربی یا همیار شغلی اختصاص می‌یابد. این همیار شغلی، مسئول جست‌وجوی کار مناسب برای کارجو است و حتی در زمانی که کار مناسب پیدا شود، او را حمایت کرده و مسائل او را با کارفرما دنبال می‌کند. در حقیقت همیار شغلی، فاصله کارجو و کارفرما را کم می‌کند و تسهیل‌کننده اشتغال برای آنهاست.

مدیرعامل خیریه رعد در ادامه، با بیان این‌که طبق قانون، شرکت‌ها موظف هستند درصدی از استخدام‌های خود را به افراد دارای معلولیت اختصاص دهند، افزود: در ایران، سازمان بهزیستی کشور تسهیلات خوبی را مانند؛ دادن وام برای کارفرمایانی که از میان‌توان‌یابان استخدام داشته باشد، در نظر گرفته‌است.

بنیان‌گذار روش اشتغال حمایت‌شده در ایران، با تأکید بر لزوم مناسب‌سازی فضای شهری برای افراد دارای معلولیت، افزود: این محیط است که باعث محدودیت افراد دارای معلولیت می‌شود. اگر محیط‌های شهری مناسب‌سازی شده باشند، بین افراد دارای معلولیت و انسان‌هایی که معلولیت ندارند، تفاوتی وجود ندارد.

مدیرعامل مجتمع رعد با اشاره به مفهوم شمول در رابطه با توان‌یابان، بیان کرد: زمانی که تغییر نگرش در جامعه نسبت به افراد دارای معلولیت اتفاق بیافتد، مردم متوجه توانمندی این افراد می‌شوند.

پناهی در توضیح این مفهوم افزود: برای مثال شرکت‌هایی در اسکاندیناوی وجود دارند که کار اصلی آنها تست برنامه‌های کامپیوتری قبل از انتشار عمومی است. این شرکت‌ها فقط افراد آسیب‌رگر را برای این کار استخدام می‌کند، چرا که این اختلال، باعث دقت این افراد در انجام کارهای تکراری است و آن‌ها به‌خوبی از انجام این کار برمی‌آیند.

پناهی در پایان افزود: امیدوارم روزی در کشورمان افراد دارای





معلولیت هم بتوانند مانند افراد بدون معلولیت به راحتی در سطح شهر حرکت کنند و برای اشتغال آن‌ها مانعی نباشد. پس از سخنرانی مدیرعامل مجتمع رعد، سامان گلریز مدرس آشنایی صاحب‌نام در ایران بایبان تجربه‌های خود در دوره آموزش آشنایی به توان‌یابان مجتمع رعد، گفت: این دوره پس از حضور من در برنامه خندانوه و بر اساس قولی که من به رامبد جوان دادم، شروع شد.

نویسنده کتاب کوچه‌پس‌کوچه‌های آشنایی افزود: من در یک پروژه‌ای که داشتم، دستم را خیلی عمیق بریدم و تا آخر با یک دست آشنایی کردم. بعد با خودم گفتم که اگر من می‌توانم با یک دست آشنایی کنم، پس بقیه هم می‌توانند و شروع به آموزش به کارآموزان رعد کردم و در آن دوره، بچه‌های با استعدادی کشف شدند.

پس از سامان گلریز، علی عطار مالک رستوران دست در پشت تریبون قرار گرفت تا از تلاش خود در شغل رستوران‌داری بگوید و تجربیات تلخ و شیرین خود را بیان کند؛ عطار گفت: من ابتدا قصدم تأسیس رستورانی مناسب‌سازی شده برای افراد دارای معلولیت بود اما کم‌کم به این فکر افتادم که چرا از افراد دارای معلولیت، استخدام نکنم؟ این شد که با کمک خیریه رعد و سیستم اشتغال حمایت شده، چند نفر را در مصاحبه شغلی پذیرفتم که اتفاقاً یکی از آن‌ها عضو تیم ملی والیبال نشسته کشورمان است.

مؤسس اولین رستوران مناسب‌سازی شده گفت: من از تجربه‌ای که در کار با افراد توان‌یاب دارم، بسیار راضی هستم و به همه پیشنهاد می‌کنم به این افراد اعتماد کنند.

در ادامه برنامه، پنا چالش‌ها و فرصت‌های شغلی افراد دارای معلولیت؛ با حضور وحید رجبلو، بنیانگذار و مدیرعامل شرکت توانیتو؛ شاهین طبری رئیس هیئت‌مدیره شرکت چارگون؛ خداداد اصلانی رئیس هیئت‌مدیره کافه سین و عضو هیئت‌مدیره رئیس کافه؛ ابوالفضل زمانی مدیر منابع انسانی شرکت dnaunion؛ محمد شهرمیانی مدیر منابع انسانی شرکت رهنما کامیابان نخستین، برگزار شد.

شاهین طبری در شروع، با طرح این سؤال که استخدام افراد دارای معلولیت چه چالش‌هایی دارد، نشست را آغاز کرد.

شایستگی در اولویت است

ابوالفضل زمانی با بیان این که تخصص و دید او به استخدام بر مبنای اصول منابع انسانی است، بیان کرد: در استخدام مهم‌ترین نکته حائز اهمیت، شایستگی و توانمندی فرد است و اگر بخواهیم به صورت تخصصی به منابع انسانی نگاه کنیم، باید بگوییم استخدام یک توان‌یاب با فردی که دارای معلولیت نیست، تفاوت چندانی ندارد.

او با ذکر خاطره‌ای از یک مربی یخ نوردی گفت: در این رشته شاید به نظر بیاید که مهم‌ترین اندام انگشت‌های دست باشد باین حال یکی از بهترین مربی‌های این رشته در ایران، در دستايش انگشتی ندارد اما به خاطر شایستگی که در کار از خود نشان داده، یکی از موفق‌ترین‌هاست.

زمانی در پایان با بیان این که جست‌وجوی نیروی کار در میان افراد دارای معلولیت مانند کار در معدن طلا می‌ماند، افزود: این کار اگر چه دشوار است ولی به زحمتش می‌ارزد.

افزایش روحیه تیمی با ورود توان‌یابان

خداداد اصلانی نیز با بیان این که افراد دارای معلولیت هدفمند هستند بیان کرد: در کافه رئیس ما چندین همکار دارای

معلولیت را استخدام کردیم و به جرأت می‌توانم بگویم این مسأله بیشتر از چالش برای کار ما یک فرصت است.

اصلانی افزود: افراد دارای معلولیت، بسیار مشتاق یادگیری هستند و برای این که خود را اثبات کنند، می‌جنگند. توان‌یابانی که ما با آن‌ها همکاری داریم با تمرکز بالا در کارشان، اعتمادبه‌نفس خود را افزایش داده‌اند و باعث بالا رفتن روحیه کار تیمی در مجموعه ما شدند.

او در پایان اضافه کرد: باید ترس را کنار گذاشت و به سراغ جامعه افراد دارای معلولیت برای استخدام رفت؛ تا نتیجه مناسب گرفته شود.

فضاوت را کنار بگذاریم

محمد شهرمیانی نیز با بیان این که تفاوت افراد دارای معلولیت برای مدیران منابع انسانی باید مثل تفاوت افراد در چپ‌دست یا راست‌دست بودنشان باشد، گفت: باید نگاهمان به افراد دارای معلولیت خالی از دلسوزی و بر پایه شایستگی باشد. اگر آن‌ها شرایط موقعیت شغلی را داشته باشند، مدیران باید بدون ترس آن‌ها را استخدام کنند. چراکه عمدتاً وفاداری افراد دارای معلولیت به سازمان بیشتر است و زمانی که در سازمان رشد می‌کنند به آن پایبند می‌مانند.

شهرمیانی با تأکید بر این که باید فضاوت را در رابطه با توان‌یابان کنار گذاشت افزود: اگر بدون جهت‌گیری ذهنی به سراغ افراد دارای معلولیت برای استخدام برویم، می‌توانیم استعدادهای خوبی را میان آن‌ها پیدا کنیم و سازمان خود را ارتقا بدهیم.

شاهین طبری با ذکر تجربه خود از استخدام افراد دارای معلولیت، گفت: ما در شرکت چارگون چندین تجربه کاری خوب با افراد دارای معلولیت داشتیم. او با تأکید بر پتانسیل افراد دارای معلولیت افزود: انگیزه و اراده‌ای که این افراد دارند، باعث می‌شود، بسیار متعهد و خوب کار کنند.

دوستی از جامعه توان‌یابان داشته باشیم

وحید رجبلو بنیان‌گذار توانیتو نیز در این نشست با بیان این که باید نگاه دلسوزانه را در برخورد با افراد دارای معلولیت کنار گذاشت، گفت: من در شرکت خودم وقتی افراد دارای معلولیت برای استخدام می‌آیند، تنها به شایستگی آن‌ها نگاه می‌کنم. رجبلو با تأکید بر این که جامعه باید افراد دارای معلولیت را ببیند، پیشنهاد کرد: همه جامعه سعی کنند در میان دوستانشان فرد دارای معلولیت هم داشته باشند تا متوجه توانمندی آن‌ها شوند و تغییر نگرش به توان‌یابان در آن‌ها اتفاق بیافتد.



ملاقات با مسؤولان مجتمع آموزشی توانبخشی رعد کرج

با هدف توسعه روابط حرفه‌ای و ایجاد همکاری‌های مشترک مراکز رعد با همدیگر، گروهی از مسؤولان مجتمع رعد مرکز، به استان البرز سفر کردند و از رعد کرج بازدید و با مدیران آن گفت‌وگو کردند. در این ملاقات مدیر داخلی رعد کرج با اشاره به آمادگی این مرکز برای پذیرش کارآموزان دارای معلولیت، افزود: در حال حاضر ظرفیت اسمی رعد کرج در مجوز ۱۳۰ نفر ذکر شده‌است. ولی در حال حاضر حدود ۲۰۰ نفر را پوشش می‌دهیم که از این تعداد، برای ۷۵ نفر یارانه آموزشی بهیستی پرداخت می‌شود. از آنجا که در کرج، سامانه حمل و نقل معلولان و جانبازان را نداریم، اکثر کارآموزان ما اجباراً در خانه کار می‌کنند و با قالی‌بافی و تابلو فروش، به خود اشتغالی مشغولند. برخی از آنها آثارشان را در نمایشگاهی که در طبقه همکف ساختمان رعد، راه‌اندازی شده برای فروش عرضه می‌کنند.

در ادامه مسؤولان مجتمع رعد مرکز، ضمن بازدید از سالن ورزش، محل برگزاری بازارچه‌ها، نمایشگاه‌ها، کارگاه‌های آموزشی و واحد توان‌بخشی، برای راه‌اندازی دوره (SE)، معرفی کارآموزان و چهره‌های موفق در رویداد رعد تاک و حضور در بازارچه نوروزی و دوره‌های مشترک، قول همکاری دادند.



مجتمع رعد، میزبان شهردار منطقه ۳ بود



با هدف آشنایی با فعالیت و عملکرد مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد، دکتر مصطفی سلیمی شهردار منطقه ۳ شهرداری تهران به اتفاق جمعی از همکارانش از بخش‌های مختلف خیریه رعد بازدید کرد.

دکتر مصطفی سلیمی شهردار منطقه ۳ برای آشنایی با مجتمع رعد ضمن ملاقات با تعدادی از کارآموزان و هنرجویان این مؤسسه از واحدهای اجرایی آموزش، توان‌بخشی، مددکاری، روان‌شناسی و کارآفرینی بازدید کرد و از نزدیک با روند اجرایی فعالیت این واحدها آشنا شد.

در این ملاقات که تعدادی از اعضاء هیأت مدیره و هیأت امناء در کنار مدیران اجرایی مجتمع رعد حضور داشتند، هر واحد گزارش‌های عملکردی خود را ارائه کرد و به سؤالات مطرح شده پاسخ داد. در بازدید از واحد مددکاری، مهم‌ترین درخواست مسؤولان مجتمع رعد از شهرداران مناطق مختلف تهران، حمایت از طرح مناسب‌سازی شهری از جلوی در منازل افراد دارای معلولیت بود تا زمینه حضور حداکثری عزیزان توان‌یاب در مراکز آموزشی، درمانی، حرفه‌ای و شغلی و حتی فرهنگی و هنری بیشتر از گذشته فراهم شود.

دکتر سلیمی، در پایان بازدید خود به رستوران مناسب‌سازی شده «دست» مراجعه کرد و با علی عطار مجری و مدیر رستوران گفت‌وگو نمود. مدیر رستوران در این گفت‌وگو هدف از سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی نخستین رستوران مناسب‌سازی شده غذاهای ایرانی «دست» را تغییر نگرش جامعه و فراهم ساختن زمینه بهبود کیفیت زندگی برای عزیزان توان‌یاب بیان کرد و افزود: فضای که با مشورت‌های تخصصی از مدیریت و کارشناسان مجتمع رعد طراحی و بازسازی شد، با هدف ترویج رستوران‌های مناسب‌سازی شده و ایجاد مکانی برای اشتغال توان‌یابان و کاهش شکاف اجتماعی بین افراد دارای معلولیت و افراد غیرمعلول در جامعه است.

در خاتمه، شهردار منطقه ۳ با نگارش متنی از دست اندرکاران مجتمع رعد تجلیل کرد. در این دست‌نوشته آمده است: سلام و درود بر دستان مهربان، افکار بلند و قلب‌های انسانی که در جهت رشد، تعالی و کمک به هم‌نوعان، اقدامات بی‌نظیر را به کار گرفته‌اند.



اجرای پویش توانا بود هر که ...



همزمان با آخرین شب برگزاری سی و هشتمین بازارچه خیریه رعد پویش #توانا بود هر که ... با همکاری شرکت نیکزی به منظور توسعه زیر ساخت‌های آموزش بر خط توان‌یابان به اجرا گذاشته شد. با امضا متمم تفاهم‌نامه همکاری‌های آموزشی آنلاین شرکت نیکزی و مجتمع رعد که با حضور امیر محمد فضلی و منصوره پناهی انجام شد. هر ۲ مؤسسه متعهد شدند، امکانات مورد تأکید در تفاهم‌نامه را برای توسعه زیرساخت‌های آموزش برخط از قبیل آرایه آموزش‌های مجازی و از راه دور، ایجاد امکانات فنی و تجهیزاتی برای سهولت دسترسی توان‌یابان به محتوای‌های آموزشی، تهیه تجهیزات و لپ‌تاپ، اینترنت پرسرعت و ... را فراهم آورند.

براساس این گزارش شرکت نیکزی با آرایه اشتراک سالانه سایت آموزشی خود برای هر یک از خیرین به مبلغ ۲۰۰ و ۴۰ هزار تومان که ۴۰ درصد تخفیف به آن تعلق گرفته است، علاوه بر واگذاری یک اشتراک به خریدار، اشتراک دیگری را به توان‌یابان خیریه رعد واگذار خواهد کرد و ۵۰ درصد از مبالغ حاصل از کمپین #توانا بود هر که ... را در توسعه زیر ساخت آموزش‌های آنلاین خیریه رعد هزینه خواهد کرد.

شایان ذکر است این پویش برای بهره‌مند ساختن ۶۰۰۰ نفر از کارآموزان و کارآموختگان خیریه رعد به آموزش‌های مجازی و مهارت آموزی بی‌واسطه در سراسر کشور به اجر گذاشته شده است.

برگزاری مراسم یادبود امید حاجی آقایی

مراسم یادبود زنده یاد امید حاجی آقایی، در سالن همایش‌های رعد برگزار شد. وی که از کارآموزان قدیمی مجتمع رعد بود در هنگام عمل جراحی با مشکل ریوی مواجه شد و پس از چند روز که در کما بود، دار فانی را وداع گفت. دوستان و کارکنان رعد که از این اتفاق بسیار متأثر شده بودند، در این مراسم شرکت کردند. در مراسم یادبود امید، پدر، مادر، اعضا خانواده، کارآموزان، کارآموختگان، گروه‌های همیاری بانوان و جوانان، کارکنان، مدیران و مدیرعامل رعد حضور پیدا کردند و یادش را گرامی داشتند. اکبر خانی مربی تیم والیبال نشسته رعد، ضمن گرامی‌داشت یاد امید حاجی آقایی، به حضور منظم و مسؤولانه او در تمرینات ورزشی اشاره کرد، در ادامه مراسم هم خواهر امید، به خودساختگی او و نقش تکیه‌گاه بودنش برای اعضای خانواده اشاره کرد و یادش را گرامی داشت.



کسب مقام قهرمانی در مسابقات لیگ دست یک کشور

تیم والیبال نشسته مجتمع رعد در مسابقات لیگ دسته یک کشور با پیروزی بر حریفان، به مقام قهرمانی دست یافت. این تیم با برد قاطع مقابل تیم‌های ایلام، جوانمردان و پاکدشت، به این مقام نائل آمد. اعضا تیم والیبال نشسته رعد عبارت بودند از: فرزاد خلیلی، حمیدرضا عباسی، حسین گلستانی، امیرحسین رومیانی، امیررضا میرزایی، محمد عبدالعلی، مهرداد فراهانی، علیرضا علی‌نقیان، علیرضا بختیاری، سعید طاهرخانی، حسین پیرایی، اکبرخانی، امیرحسین نوری و محسن براتی.

هیچ‌کدام از فارغ‌التحصیلان هنرستان علم و صنعت، بی‌کار نیستند



گروهی از کارشناسان و مسؤولان مجتمع رعد با هدف گسترش همکاری‌های آموزشی و استفاده از توان مدرسان فنی از هنرستان علم و صنعت کرج بازدید نمودند. محمود عامری مسؤول امور هماهنگی مراکز، شهرزاد چهره نگار روانشناس و مسؤول واحد کارآفرینی و اشتغال، فاطمه اکبریور مسؤول فعالیت‌های آموزشی و رضا سخن‌سنج، مدیر روابط عمومی مجتمع از نزدیک با قباد محمودی مدیر و محمد سلامت، نماینده هنرستان ملاقات و گفت‌وگو کردند و از کارگاه‌های تراشکاری و ماشین ابزار، الکترونیک، سایت هوشمند کامپیوتر، سالن ورزش و بدنسازی، اتومکانیک و برق خودرو، بازدید کردند. محمد سلامت نماینده مؤسس این هنرستان گفت: تمام فارغ‌التحصیلان ما همگی بلافاصله جذب بازار کار می‌شوند و هیچ‌کس بی‌کار نمی‌ماند، زیرا محصل‌ها، همزمان با آموزش‌ها تئوری، مهارت‌های فنی را هم با بهترین امکانات فرا می‌گیرند. در این بازدید قرار شد برای ادامه همکاری، مسؤولان هنرستان علم و صنعت هم از مجتمع رعد بازدید نمایند.

برگزاری رقابت دوستانه تیم‌های بوچیا مجتمع رعد و کهریزک

به مناسبت گرامی‌داشت یاد و خاطره شهید سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی، یک دوره مسابقه دوستانه بوچیا میان تیم‌های بوچیای رعد و تیم بوچیای کهریزک، در محل آسایشگاه کهریزک با همکاری هیئت ورزش‌های جانبازان و معلولین استان تهران برگزار شد. در این رقابت‌ها؛ امیر شیرزاد، امیررضا دهقان، علی‌اصغر بهرامعلی، مهرشاد نیکفرزاد، محمدحسین قادری، امیرحسین صحبتی، علی مظاهری، محسن گودرزی با مربیگری محمد بیگدلی، با هم به رقابت پرداختند.



His father is a poet and a professor of literature, so he has been familiar and along with poems and poets since childhood.

He started learning how to play «santoor» - an Iranian musical instrument - since he was fifteen years old under the supervision of famous instructors, and soon after, he started training his voice.

He practiced and worked on his singing with professor Golpayegani for seven years, and in 2014 he got permission from him to publish a music album.

Until now, he has published two albums with his own voice; furthermore, he has performed several orchestras as well as music concerts in different cities in Iran.

▲ Voiceless sound



A conversation with Reza Abiat - the director of the documentary «Those»

This movie is about some people with hearing loss, who talk about themselves, their lives and their wishes.

Lack of communication of people who can hear very well with these people, has made their isolation from the society, which has caused them to prefer socializing with people who have hearing loss like them.

On the basis of what this director says, «I wanted to enter the world of deafness and live it.»

▲ Art does not treat, it heals

A conversation with Doctor Yashar Khodaii - the professor of music lessons in Raad - concerning the effects of music on improving the mood and spirit of people with disability

▲ How? Definitely, we all have ambitions, wishes, aspirations and desires in life

Instructions by professor Mohammed Ali Shafa, the instructor of life skills classes in Raad 143

▲ What measure is your unconscious mind on the Richter scale?

A note by Alireza Rezagholikhani - a Raad trainee - about ways of release from bad memories

▲ Released documentaries in «Haghighat» festival

Introducing seven documentaries which were shown in «Haghighat» cinema festival in 2019

▲ Inclusive cinema for the benefit of everyone

A report of showing the recent movies in «Iran Mall» complex, through sign language of the people with hearing disability, along with movie explanation for the visually-impaired ones

▲ Art is a necessity which needs neither reason nor justification

A conversation with Samireh Dinari - the managing director of «Artafarin» - an artistic and cultural institution of people with disability in the southern part of Hormozgan (a province in Iran)

This institution was established in Hormozgan in 2010 for the people with disability, with the aim of art promotion and extension. It could also prepare the way in the field of theater of people with disability.

This institution is considered one of the active institutions in the field of the theater of people with disability, in the province as well as the whole country.

▲ The role of authorship in rehabilitation

A note by Nazanin Rahimzadeh

▲ Worldview or the world of smelling

▲ Art and disability

A note by Saiideh Toofi

▲ Luminaries with disability

Abdollah Ganji, a musician

▲ A day in the city

▲ The equipment of rehabilitation

▲ The encyclopedia of music of the people with disability

Introducing books

▲ The harms of soft drinks on people suffering from MS

Health

▲ Happy Norooz

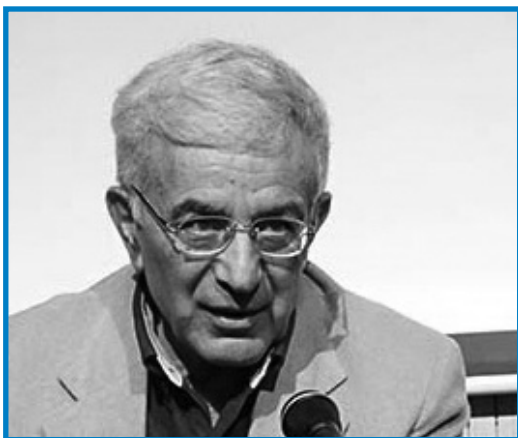
▲ What's the news in Raad?



▲ Editorial

▲ Report

▲ The function of art is the acquaintance of human with himself



A conversation with Dr Hassan Ashayeri - the neurologist, neuropsychologist and the professor of Iran University of Medical Sciences - about the role of art in rehabilitation of the people with disability

On the basis of what he says, art activities, no matter how much, have an effect on all parts and organs of the human body; moreover, they improve his daily life.

▲ We aid the people seeking help who work in the art area

A conversation with Fatemeh Fakhri - the manager of the group of artistic affairs for the people with disability in the rehabilitation deputy of the State Welfare Organization of Iran

She holds a PhD in «Theater Directing», and has been active in art and disability areas since the beginning. She believes that art should be employed and used for making social changes.

In this conversation she talks about the artistic programs held by this office throughout Iran. According to her, the welfare organization in Iran has equipped artistic rooms in 831 centers in the whole country and is offering services to the people seeking help who are under the cover of welfare organisation and are interested in artistic affairs.

▲ Art gives identity and individuality to the people with disability

A conversation with Mansour Borjjan - the managing director of the cultural and artistic creation association - about its activities regarding support and protection of the artists with disability through holding various artistic festivals

Mr Borjjan, has compiled several books such as «A

Collection of the International Laws and Regulations Regarding Sports of the Physically Handicapped « as well as «International Laws and Regulations Regarding Sitting Volleyball of the Disabled».

Furthermore, he has designed and established a number of manufacturing centers which provide service for making rehabilitation and medical assistance equipment.

▲ The use of art in rehabilitation is various and sundry

A conversation with Mitra Khalafbeigi concerning the role of artistic activities in rehabilitation of the people with disability

Mitra Khalafbeigi holds a PhD in occupational therapy. Having a PhD in this field, she has been working at the «School of Rehabilitation Sciences» of «Iran University of Medical Sciences» since 2001 in the area of rehabilitating adults who suffer from mental and nervous diseases.

Her MA dissertation is «the influence of music on mental and nervous patients».

She believes that art and especially music in rehabilitating people who suffer from mental and physical disabilities have a very strong and important effect.

▲ The workshop of art therapy at the School of Rehabilitation Sciences

▲ The art of disability: causes and factors of development and declination

An article by Mohammad Noori - the managing director of cultural office of people with disability - about the artistic activities of people with disability as well as activities with the issue of disability which have been and are still done in cinemas and other artistic areas of people with disability.

▲ An article by Dr Khalafbeigi

▲ Participating in practice and performance, is very effective in my mood and spirit

A conversation with «Parisa Razavi Nassab», a theater actress. She has a BA in Graphic Design, and her life has been full of ups and downs, but her familiarity with art and theater has made the difficulties and problems in her life more tolerable for her.

Parisa suffers from MS, and wishes she could continue her job as an actress in theater, television and cinema until the time she can and is able to do.

▲ For me, art is everything

A conversation with Hatef Sharar - the musician and singer of traditional music. He was born with blindness, due to family marriage of his parents.

